

وارثیت

تور کجه - فارسجا کولتورل درگی
فصلنامه فرهنگی ترکی - فارسی

اوتوز دوردونجو ایل، پاییز ۱۳۹۱، سایی ۱۶۶
سال سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۱۶۶



محمدامین رسولزاده

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر جواد هیبت

اولو تانرى نين آدى ايله

وارليق

فصلنامه فرهنگى تركى - فارسى
تۆركجه - فارسجا كولتورل درگى

۳۴- جو ايل، سايى ۱۶۶ پاييز ۱۳۹۱
سال سى و چهارم شماره ۱۶۶ پاييز ۱۳۹۱

مؤسس، صاحب امتياز و مدير مسئول:
دكتور جواد هيئت

شماره امتياز: ۸۵۳۸

ایچینده کی لر:

-
- ۳..... ادبیات و هنر ○ دکتر جواد هیئت.....
- ۵..... خلاصه عقاید سیاسی و اجتماعی من ○ دکتر جواد هیئت.....
- ۹..... نامه محمد امین رسولزاده به ریاست وزرا ○ کاوه بیات.....
- ۱۶..... زنگانین آشیق ادبیاتی ○ محمد رزاقی.....
- ۲۱..... حکیم محمد هیدجی ○ حسین محمدخانی «گؤنئیلی».....
- ۲۶..... آنا دیلی ○ یازان: کونستانتین دیمیتریویچ اوشینسکی چئویرن: پروفئسور فخرآدین و. یادگار.....
- SİYASİ- ƏXLAQİ FUNKSIONAL PRİNŚİPLƏRİ** ○ Roşən Roşənzadə
- ۴۵.....
- مسئله آموزش زبان مادری کودکان خلیج در خلجستان و خطر مرگ انقراض زبان ترکی
- ۵۱..... خلجی در ایران ○ علی اصغر چمراسی - ۱۳۹۱/۱/۲۵.....
- ۶۷..... نخستین روزنامه تبریز ○ محمود محمودزاده.....
- ۷۷..... دیلمیز و ادبیاتیمیز ○ حسن مجیدزاده «ساوالان».....
- ۸۹..... کتاب تانیتمی: ○ دکتر عزیز محسنی.....
- ۹۰..... قاضی برهانالدین ○ دکتر عزیز محسنی.....
- ۹۳..... حیات نه دئمکدیر؟ ○ دکتر عزیز محسنی.....
- نظامی گنجویدن نتیجه غزل ○ چئویرن: مروارید دلبازی- سلیمان رستم- علی آغا واحد- محمد
- ۹۴..... راحیم.....
- ۹۶..... جاناوار باخیر آیا ○ ر. ص. نیر اوغلو- ۱۳۸۷/۹/۱۴.....

ادبيات و هنر

○دكتور جواد هيئت

ادبيات احساسىمىز و فكريمىزى افاده ائدن سۆز هنرى دىر. ادبيات و هنرى مؤلفلر مختلف شكىلده تعريف ائتميشلر:

هنر گۆزلىگى نىمايش ائتديرين بير فعاليت دىر. عىنى زماندا حقيقتى و گۆزلىگى تجلى ائتديرير. و گۆزلىك و لذتى حاضرلار. و بالاخره هنر و ادبيات اخلاقى بيزلره چاتديرير. منيم فكريمجه هنر و ادبيات روحون غذاسى دىر. نئجه كى گۆزل و ياخشى غذا لارى يئمكدن لذت آليرىق، ادبيات دا روحوموزا لذت وئيرير و اما بىليرىك كى، يئمك يئمكدن مقصد يالنىز لذت آماقلا بيتيمير. يئمك وجود



اۆچون لازيم و حياتى دىر. هنر و ادبياتين لذت دن داها يۆكسك مقصدى واردىر. ادبيات روحو انكشاف ائتديرير و انسانين شخصيتىنى تكميل لشديرير.

ياخشى ادبياتين تاثير ساحهسى و سرايتى ده چۆخدور. ياخشى ادبيات هر كس طرفيندن آنلاشيمالى و اؤنلارا تاثير ائتمهلى دىر. (سرايت)

ادبياتدا گۆزلىكله حقيقتين افادهسى بىرلىكده گۆرونور. ادبياتين علم له ده علاقەسى و اورتاق طرفلرى واردىر. هر ايكى سينده مشاهده، مقايسه و مطالعه نين اساس رولو واردىر.

بير ادبياتچى نين دنيا و ملتى نين تاريخيندن معلوماتى اؤلمالى دىر. هابئله جامعە نين اجتماعى- سياسى فكري و سوييه سيندن خبردار اؤلمالى دى. هنر و ادبيات دا يارادىجىلىق دۆشونمك و خيالدايانير. بو دۆشونجه و خيال خارج دنيا نين، انسانين ذهني نده تاثيريندن عمله گلير.

ادبیاتین باشلانقیجدان ایکی وظیفهسی واردیر:

تانیماق و بیلگی وئرملک، بیر ده گۆزلیگ افاده ائتمک. ادبیاتین بیر پیغامی دا اولمالی دیر.

ادبی اثرلر تنقید و تدقیق ایله دیرلندیریلیر.

ادبی اثرلر جامعهده مختلف حادثه لری عکس ائتدیریر. ادبیات تاریخی، مدنیت تاریخی نین مهم بیر حیصهسی دیر. ادبیات سۆزلو (شفاهی) و یا یازیلی (کتبی) دا اولما بیلر.

یازی نین ظهوروندان اول بۆتون ادبیات محصول لاری سۆزلو ایدی و بونلارین دا چۆخو منظوم پارچالار ایدی. سۆزلو محصول لارین چۆخو خلقین اورتاق یاراتدیغی آنونیم (آدسیز) اثرلر دیر. باياتی لار، داستانلار، آتالار سۆزو کیمی بونلار شعر و نثر شکلینده دیر و هامیسینا فؤلکلور دئییلیر. ادبیات دا انسان پرورلیک، وطن پرورلیک و معارف پرورلییه گئنیش یئر وئرلمه لی دیر.

زمانیمیزدا ان یاخشی ادبیات انسانلاری بیرلییه و قارداشلیغا تحریک ائدن حس لری تلقین ائدیر (هوگو و داستلا یوفسکی نین اثرلری کیمی). منجه گله جکده ادبیاتین مضمونلاری انسانی حس لرین افاده سی اولاجاق. گله جه یین ادبیاتی داها ساده و داها کونکرت اولاجاقدیر. ادبیاتچی حیاتدا تجربه ائله - دیی حس لری باشقالارینا داها راحت انتقال ائتدیره جک و محبتی انسانلار آراسیندا عمومی شکلده حاکم ائده جکدیر.

ژان پل سارتر دئیردی کی: - ادبیات و هنر اولماسا، دنیا بیر شئی افاده ائتمز. او، قور تولوش و سعادت ادبیاتدا آختاریردی. اونا گۆره ادبیاتین قصدی بیلگه، حقیقته و آزادلیغا چاتماقدیر. بو سبب دن یازیچی یازی لاری نین قارشسی سیندا مسئول دور. مشهور تۆرک ادیبی احمد قاباقلی «تۆرک ادبیاتی» کتابیندا یازیر کی: - ملی روح، اخلاق و عنعنه نی جانلاندیران یازی لار یازماق لازم.

به نام خدا

خلاصه عقاید سیاسی و اجتماعی من

○ دکتر جواد هیئت

اینجانب دکتر جواد هیئت فرزند مرحوم علی هیئت متولد ۱۳۰۴ شمسی در تبریز، مقیم تهران، استاد سابق جراحی دانشگاه آزاد اسلامی و عضو ایرانی آکادمی جراحی پاریس و مدیر و سردبیر مجله‌ی فرهنگی فارسی- ترکی وارلیق بدینوسیله خلاصه عقاید خودم را بشرح زیر برای بازماندگانم و جامعه ایرانی (اعم از فارس، ترک، عرب، کرد، ترکمن و بلوچ) می‌نگارم تا در مورد افکار و عقاید من دچار اشتباه و انحراف نشوند، خواه موافق آن باشند و یا مخالف.

من در زندگی فردی و اجتماعی تا حد زیادی پیرو پدرم (مرحوم علی هیئت) بوده و از او بسیار چیزها آموختم و او را نمونه کامل برای خودم قرار دادم. تفاوت من با او در صراحت لهجه و تسلط بر اعصاب بویژه در بحث و جدل بوده است. بعلاوه او مجتهد بود.

من معتقد به خدای یگانه و دین اسلام هستم و سالهای زیادی در فرا گرفتن آن کوشیده‌ام. البته معلومات پایه از پدرم بوده. آرزو می‌کنم کشورهای اسلامی ضمن پیشرفت باهم دوست و برادر باشند.

من با تمام وجودم معتقد به استقلال، تمامیت ارضی و پیشرفت ایران هستم، خودم را ایرانی میدانم و ایران را وطن عزیز خود می‌شمارم. در اینجا باید کمی توضیح بدهم تا عقاید من درباره حامعه و وطنم روشن شود. من ایرانی را دوست دارم و برای آن جانفشانی می‌کنم (آرزو می‌کنم) که مردم آن دارای حقوق مساوی و خوشبخت باشند، برادری و برابری عملا هم از ارکان ملیت ما می‌باشد. من حاکمیت یک قوم بر دیگر اقوام را قبول ندارم و به آن افتخار نمی‌کنم. من به مردم و ملت ایران افتخار می‌کنم بدون خود بزرگ‌بینی و شوونیزم!

در ایران اقوام مختلف با زبانها و ویژگی‌های مختلف زندگی می‌کنند. اجداد آنها از شش هزار سال پیش و یا بیشتر در زمانهای مختلف بطور دسته‌جمعی و یا فردی به شکل مهاجرت و یا مهاجرت به این سرزمین آمده و در اینجا ساکن شده و اینجا را وطن خود اختیار نموده‌اند. اینها همه ایرانی و صاحب این آب و خاک هستند. در طول تاریخ هم بسیار قربانی داده و از مرز و بوم ایران عزیز دفاع نموده‌اند. بنابراین باید حقوق مساوی داشته باشند و با مردم‌سالاری و دموکراسی زندگی کنند.

من همان اندازه که به استقلال میهنم علاقمندم به آزادی و دموکراسی برای

همه اقوام ایرانی نیز پای بند هستم (آزادی فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی).

من یک آذربایجانی ترک و یا ترک زبان هستم. ترک و ترک زبان و ترکی هر سه مقوله فرهنگی هستند. بنابراین باهم فرقی ندارند. کسی که از پدر و مادر ترک زبان بدنیا آمده و زبان مادری‌اش ترکی باشد ترک محسوب می‌شود. ترک بودن هم مانند فارس بودن به نژاد مربوط نمی‌شود. نژاد یک مقوله بیولوژیک است و مربوط به رنگ پوست، چهره و موی سر می‌باشد. در دنیا سه نژاد بیشتر وجود ندارد (سفید و سیاه و زرد) ترکان هم از نژاد سفیدند و از شعبه تورانی آن. اگر در چهره ترکان آسیای میانه شباهتی با مغولها مشاهده می‌شود، بعلاوه اختلاط آنها با مغولهاست که از نژاد زرد هستند. نژاد آریائی هم وجود ندارد. آریائی هم مقوله فرهنگی است و به گروه زبانهای هند و اروپائی اطلاق می‌شود که همه آنها ویژگی تحلیلی و یا تصریفی دارند. یعنی در موقع صرف ریشه کلمات تغییر می‌کند (مانند زبان فارسی) برعکس گروه زبانهای آلتائیک و یا اورال آلتائیک که در آنها ریشه کلمات ثابت است. (مانند ترکی).

من معتقدم در کشور چند زبانی ما یک زبان باید مشترک باشد زبان فارسی، ولی زبانهای مادری اقوام دیگر هم باید اقلاناً در مناطق مسکونی خود رسمی و در کنار زبان فارسی در سطح دولتی کار کرد داشته باشند مانند سوئیس، بلژیک، کانادا و هند

... و

زبان مادری یعنی زبانی که بچه در دو سالگی تا شش سالگی از مادر و اطرافیان خود یاد می‌گیرد غیر از زبانهایست که بعداً در مدرسه و یا جامعه می‌آموزد. انسان با زبان مادری می‌اندیشد و اندیشه خود را با آن زبان بیان میکند و یا می‌نویسد. اگر بخواهد به زبان دیگری سخن بگوید و یا بنویسد، باید اندیشه خود را به

آن زبان ترجمه کند. هنگام صحبت چون ترجمه آنی است بی نقص نخواهد بود. بعلاوه ویژگی‌های زبان مادری (لهجه و طرز بیان زبان مادری) در آن منعکس خواهد شد. البته اشخاص دو زبانه واقعی که از کودکی از راه طبیعی هر دو را یاد گرفته‌اند از این قاعده مستثنا هستند.

زبان‌شناسان معتقدند که هر زبانی طرز بیان مخصوص بخود دارد. مثلاً در فارسی می‌گوئیم من سرما خوردم. همین مطلب را در ترکی چنین بیان می‌کنیم: منه سویوق ذیبب (بمن سرما زده) اگر جمله فارسی سرما خوردم را تحت الفظی به ترکی ترجمه کنیم می‌شود: من سویوق یئدیم، جمله بی‌معنی و مضحکی از آب در می‌آید. و ایزنبرگ Leo Waisenberg می‌گوید: ما به اطراف خود از پنجره زبان مادری (شبکه ذهنی) می‌نگریم. و دنیا را از طریق فهم و بیان زبان مادری نامگذاری می‌کنیم.

اوشینسکی پداگوژیست معروف روسیه می‌گوید: شما می‌توانید همه چیز حتی میهن مردم را از دستش بگیرید. مردم می‌توانند همه آنها را پس بگیرند و یا از نو بسازند ولی اگر زبان آنها را از دستشان بگیرید، دیگر قادر به ساختن مجدد آن زبان نخواهند بود، وقتی زبان مردم بمیرد، مردم هم مرده محسوب می‌شوند.

واین رایش Wein Reich می‌گوید: هر کس زبان مادری‌اش را بطور طبیعی دوست دارد زیرا این زبان را همراه محبت و نوازش مادری یاد گرفته و وسیله شناسائی خانواده، جهان و جهانیان گردیده است.

ضمناً باید خاطرنشان سازیم که عشق به میهن بویژه در کشورهای چند زبانه تابع زبان نیست. بلکه بیشتر نسبت به وطن است و گرنه کشورهای چند زبانه مانند سوئیس و امثال آن نمی‌توانستند استقلال و یکپارچگی خود را در برابر حوادث حفظ نمایند.

برای حفظ وحدت ملی و استقلال کشور رضایت ملت از دولت و یکدیگر شرط اساسی است و برای رسیدن به این مقصود باید حقوق اساسی مردم رعایت گردد.

من برای احقاق حق با خشونت و جنگ مخالفم. مردم باید شعور ملی و قوی داشته باشند و هویت خود را چه ملی و چه قومی بشناسند و به آن علاقمند باشند تا

در گرفتن حقوق خود اقدام و ایستادگی کنند. برای اینکار آموزش لازم است، آموزش صحیح.

من با هر جور استعمار چه خارجی و چه داخلی مخالفم. استعمار داخلی بویژه فرهنگی از همه بدتر است زیرا با تحمیل هویت کاذب مردم را از خود بیگانه می‌کند.

مردم از خود بیگانه در ناملایمات اجتماعی و گرفتاری نه بدرد خودشان و نه بدرد وطنشان می‌خورند. بزرگترین آرزوی من دیدن خوشبختی همه ایرانیان است. در خاتمه تکرار می‌نمایم که من یک ایرانی مسلمان می‌باشم و به وطن عزیزم ایران بیش از هر چیز علاقمند هستم و وطن عزیز خود آذربایجان را هم عضو لاینفک ایران می‌دانم و از خداوند می‌خواهم کشور عزیز ما ایران را در پناه خود نگه دارد. آمین.

نامهٔ محمد امین رسولزاده به ریاست وزرا

۴ آبان ۱۳۰۸

○ کاوه بیات

آقای محترم من!

پس از انقراض دولت تزاری روس که در مئابه یک کابوس برای تمامی جهان اسلام بود، دولتی که تأسیس حکومت جمهوری آذربایجان قافقاس را که یکی از حکومت‌های جدیدالظهور ملی خطه قافقاس بود، پیش از دول دیگر دنیا بالحقوق شناخت دولت همسایه ما ایران بود. این خود واقعه‌ای است که یک دم فرخ و فرخنده از روزگار گذشته را به یاد هموطنان ما که اکنون پامال ضربه استیلایند و از این رو دل‌های خونبار دارند می‌اندازد که فراموش نشدنی است.

ملت ما که از یک اسارت صد ساله گریبان رها کرده و مدت دو سال از لذت آزادی و استقلال برخوردار بود بدبختانه بار دیگر دچار صدمه استیلای روس شد. در برابر یک قوه بیگانه که با هزاران رنگ و تزویر سیاسی و به یاری یک لشکر متفوق از حیث شمار راه به درون کشور ما یافته، تمامی مقدسات ما را زیر پای مالیده بود، ملت ما مقاومت‌های خون‌ریزانه کرد و مجادله‌های جانفشانه نمود. این قیام مسلح ملی ماه‌ها بلکه سال‌ها مداومت نمود. اگر چه از طرف مستولی بیگانه به زور و جبر فرونشاندند شد ولیکن کین نهفته ملی که در دل‌ها مانند یک اخگر زیر خاکستر می‌خوابید آنی فرو ننشست و جدالی که در مقابل قوای خارجی به طرز نهانی در غلیان بود، آنی باز نایستاد و برعکس محرک فعالیت و چالاک‌کی نسل جوان امروزی که لذت آزادی و استقلال را در یافته بود گردید. این نسل فداکار که مقابل تعقیبات شیطانی و خونین دیوهای لئیم بولشوویکی که «چکیست»^۱شان می‌نامند از فرستادن فدویان و جان‌نثاران، صد- صد و هزار- هزار به قتلگاه بولشوویکان هراس نداشت و از نفی و تبعید جوانان و فدویان خویش به اقالیم منجمد شمالی نمی‌ترسید. تا کنون در

^۱ - اشاره‌ای است به اعضاء تشکیلات چکا سازمان امنیت شوروی در مراحل نخست تأسیس.

راه غیرت و مردانگی پای فشرد و ثبات ورزید و در سایه این عزم و همت یک نفخه بسیار قوی معنوی در روح و مزاج قوم دمید و بر قوه مقاومت ملت افزود. در اثر این حادثات عده‌ای از وطن‌خواهان آذربایجان قافقاس ترک‌دار و دیار گفته، مجبور به التجا به همسایه‌ها یا به ممالک اروپا شدند. جمع مهمی نیز از اینها بالطبع پناه به کشور ایران برده، خود را در زیر حمایت برادران ایرانی نیکخواه و...^۱ شدند.

اما روح مطلب اینجا است که این رژیم شقاوت و تهدید Terror ترور که روس‌ها آن را در داخل مملکت به مردم بیچاره روا می‌بینند قناعت به آن نکرده باز به طریق تفتین از سلب راحت پناهندگان به ممالکت همسایه باز نمی‌ایستند. از آن جمله می‌خواهند قافقاسیان ملتجی به خاک ایران را و تشکیلات ایشان را در پیشگاه دولت ایران و افکار عمومی ایرانیان خطرناک و غرض‌آلود به قلم دهند. روس‌های سفید که مانند عمال بولشویک^۲ سرخ هرگز نمی‌خواهند که بلاد قافقاسیه را از دست دهند و برخی از فرقه‌ها که آلت سیاست روسند اکنون آزادی‌خواهان آذربایجان قافقاس را اتهام به بدخواهی ایران می‌کنند و این را در روزنامه‌ها و اوراق مطبوعه خویش انتشار می‌دهند.

با وجود این که به خوبی می‌دانم که رجال مدقق دولت ایران چنین نیت فاسدی را درباره مملکت خویش از یک قوم کوچک که امروز درفش جدال برعلیه دشمن قوی در شمال مانند دولت روس برافراشته است و در این جدال می‌تواند استناد به همسایه جنوبی خویش یعنی ایران نماید، لابد حمل بر جنون صرف خواهند کرد و وقتی بدین‌گونه روایات و ترهات نخواهند گذاشت، باز می‌خواهم با مساعدت حضرت اشرف عالی برای آن که رفع هر گونه اشتباه گردد در اینجا توضیحاتی چند درباره پروگرام آن هیاتی که بنده عجالاً نماینده آن می‌باشم، بدهم.

چنان که در سطور فوق اشاره بدان کردم، امروز یگانه مقصود فرقه مساوات که قسماً در داخل مملکت به پنهانی و گاهی در حین مهاجرت به طرزی آشکار فارغ از مجاهده نیست و همچنین مقصود کمیته «مرکز ملی آذربایجان قافقاس» که به

^۱ - عبارت مندرجه اینجا در نسخه اورژینال خوانده نشد.

^۲ - در اصل بولشویک.

واسطه اشتراک فعالانه فرقه مساوات تشکیل یافته، عبارت از استرداد آزادی و استقلال دولت جمهوری آذربایجان است. این دولت جمهوری که عبارت از قافقاس شرقی است بالطبع پارچه‌ای از کشور قافقاس است که خود از نقطه نظر جغرافی و اقتصادی یک . . .^۱ و یک وجود است. آن راه‌های تاریخی که اروپا و آسیا را به همدیگر اتصال می‌دهد و آن گذرگاه‌هایی که استپ‌های روس را به بیابان‌های ایران و آناتولی می‌چسباند در اینجا است. بادکوبه یک سر راه بزرگ ترانزیت قافقاس و باطوم یک سر دیگر آن است. ملل قافقاسیه که مشغول جدال برای استرداد آزادی خویشند، نمی‌توانند آن قواعد طبیعی را که دهر برای تامین زندگانی ایشان در عین یگانگی و اتحاد آماده ساخته است، مهمل گذارند. بارها آزموده شده است که در هر موقع که اهل قافقاسیه خواسته‌اند جداگانه و منفردانه حرکت کنند فوراً به کیفر این عمل رسیده‌اند و دچار استیلای روس شده‌اند. تأسیس یک Confederation کنفدراسیون در قافقاس امروز، هم تشکیلات ملی آذربایجان را، هم فرق ملی انقلابی را که مجاهده به نام حکومت‌های جمهوری گورجستان و قافقاس شمالی می‌کنند مدنظر است. از اینجاست که برای از قوه به فعل آوردن این مقصود «کمیتة استقلال قافقاس» که مرکب از مرخص‌های ملل سالف‌الذکر است به وجود آمده است. تشکیلات ما که هدف آن تخلیص حکومت جمهوری آذربایجان از دست استیلای روس به شرط جدا نشدن از هیات متحده قافقاس است واسطه‌های پروپاغان از قبیل «اودلو یورت»^۲ در اسلامبول و "Promethee" در پاریس و نماینده‌ها در لهستان، در محافل مجلس اقوام در ممالک اروپا و در آمریکا دارد.

با وجود این که تشکیلات ما در ترویج مقاصد خویش مظاهرت از ممالک سالف‌الذکر می‌بیند هیچ شبهه ندارد که بیشتر امید و اعتماد آن بر یاری دول همجوار اسلامی و علی‌الخصوص مملکت ایران است. زیرا که صرف‌نظر از همه چیز دیگر ایران مملکتی است که بیشتر از ممالک دیگر با ما هم حدود بوده و اقتصاداً نیز این دو مملکت به واسطه منافع حیاتی خیلی مهم مربوط یکدیگرند. دولت متحده قافقاس که

^۱ - عبارت مندرجه اینجا در نسخه اورژینال خوانده نشد.

^۲ - ۲۸ - نشریه‌ای به مشخصات ذیل که در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ در استانبول منتشر می‌شد:

روسیه را به آن طرف سلسله جبال قافقاس خواهد انداخت و در میانه ایران و روسیه یک Etat Tampon - [دولت حائل] - خواهد بود بی شبهه از حیث منافع سیاسی و عسکری مطلوب ایران است و فایده این اتحاد که حق ترانزیت مناقلات اروپا را برای مالالتجاره ایران رعایت خواهد کرد نیز محتاج به اثبات نیست. چنان که در عهدنامه معاونت که پیش از این در میان ایران و آذربایجان منعقد گردیده بود یک حق ترانزیت برای مناقلات تجارتي به دولت ایران واگذار شده بود.

ملت ما به واسطه تجربه‌های سابق که اثرات تلخ آن هنوز از اذهان زائل نشده - علی‌رغم تلقینات مفتنانه دشمنان - بر کسانی که در پی پروگرام‌ها و پروژه‌های مخیل که فاقد از قیمت حقیقی و باعث اشکال استخلاص عمومی قافقاس و مجادله استقلال آذربایجان باشد، هستند، قطعاً اعتماد ندارد. برعکس ملت ما با حرارت تمام طرفدار استفاده از تمام آن قوت‌های حقیقی است که لزوم اتحاد را در مقابل قوه امپریالیست روس مدد کند. تشکیلات ما نیز در حرکت سیاسی خود با شعور تمام سالک این راه است که سوق طبیعی ملت در این باب آن را ارشاد می‌کند.

در خاتمه استدعا دارم این معروضات را در نظر اعتنا داشته و برای اخذ تفصیلات و توضیحات دیگر لطف فرموده یکی از گماشتگان دولت ایران را معین فرمایند تا در یکی از شهرهای اسلامبول یا تهران با ما ملاقی گردد.

باقی احترامات خالصانه خود را حضور حضرت اشرف عالی توقیرا عرض

می‌دارم.

رئیس فرقه مساوات و کمیته مرکز ملی آذربایجان قافقاس

محمدامین رسول‌زاده {امضا}

۲۶ اکتبر ۱۹۲۹ اسلامبول

خدمت حضرت اشرف عالی آقای مهدی قلی خان هدایت رئیس الوزرای دولت علیّه ایران

دامه بقائه

(مجموعاً چهار صحیفه است)

{یادداشت تیمورتاش درباره نامه رسول‌زاده}

به آقای فروغی نوشته شود.

دوست عزیزم، مراسله محمدامین رسولزاده را که آقای ...^۱ خدمت حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء نوشته بود و حضرتعالی ارسال فرموده بودند از طرف معظم‌الیه برای مطالعه و عرض به خاک پای مبارک ارسال شده بود و اوامر مطالعه مطابق با نظریاتی است که در موقع تشریف فرمایی در تهران نیز عرض کرده بودم. فرقه مساوات که حالیه لیدر آن محمد امین رسولزاده ابراز دوستی به ایران



می‌کند و ما را تشویق به مخالفت با حکومت شوروی می‌کند و به حمایت از اعضای فرقه مزبور که در ایران هستند تحریص می‌نمایند. مادام که در بادکوبه زمامداری می‌کردند، بزرگترین دشمن ایران و مثل سگ‌های کوچک عوعوشان گوش همه را کر کرده بود. اختراع اسم آذربایجان برای بادکوبه از آثار همین رسولزاده و همراهانش است. مساواتیان آلت سیاسی هستند که ما البته با صاحبان آن سیاست دوست ولی با اصل سیاست آنها مخالف هستیم؛ البته با ترکیه دوست هستیم ولی در این که ترکیه در

قفقاز سلطه پیدا کند موافقت نداریم. ضمناً خوب می‌دانیم که جمهوریت بادکوبه یا ارمنستان و گرجستان که رسولزاده منادی اتحاد آنها است نمی‌توانند مستقلاً زندگانی بکنند و قهراً باید به طرفی جذب بشوند و در فکر رسولزاده آن طرف البته ترکیه است.

به علاوه دولت شوروی با ما دوست است و نسبت به ما کار بدی نکرده است که ما با دشمن‌های دولت شوروی همدست و هم‌آواز بشویم و برخلاف صداقت رفتار نکنیم. اعلی‌حضرت همایونی می‌فرمایند که دولت شوروی برای ایران مفید بوده است و من به هیچ وقت راضی نمی‌شوم که در سیاست ضد شوروی داخل بشویم، این مطلب را برخلاف وجدان می‌دانم. بنابر آنچه عرض شد البته حضرتعالی اعتنایی به اظهارات رسولزاده نخواهید فرمود مخصوصاً که با مخالفت عقیده که در بین است

^۱ - ابهام در اصل.

برخلاف منطق خواهد بود اگر بدون جهت سوءظن دولت شوروی را نیز به خود جلب کنیم دشمنی است. به او بفرمایید که دولت ایران به قدری در داخله مملکت خود کار دارد که مداخله به این قبیل اوانتور^۱های سیاسی را غیر لازم می‌داند.

یادداشت‌ها:

- ۱- برای آگاهی از این موضوع بنگرید به محمدامین رسول‌زاده، گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۷
- ۲- بنگرید به فریدون آدمیت، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۵، صص ۱۵۵-۲۸۰
- همچنین حسین آبادیان، رسول‌زاده، فرقه دموکرات و تحولات معاصر ایران (تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶) که رویکردی انتقادی نسبت به این حضور دارد.
- ۳- سید حسن تقی‌زاده، «محمدامین رسول‌زاده»، سخن جلد ۶ (۱۳۳۴): ۳۴۲-۳۴۴ (به نقل از ملحقات زندگی طوفانی، در تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۲، صص ۴۶۵-۴۶۸)
- ۴- تقی‌زاده، زندگی طوفانی، پیشین، صص ۴۶۵-۴۶۷
- ۵- همان
- ۶- همان، ص ۴۶۷
- ۷- همان
- ۸- برای نمونه بنگرید به محمدامین رسول‌زاده «مختاریت آذربایجان» به نقل از رعد ۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۶ ه.ق و «ایران و ما» روزنامه ایران ۱۵ رجب ه.ق، در آذربایجان در موج خیز تاریخ، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۹، صص ۳۰-۳۶ و ۷۱-۷۶
- ۹- بنگرید به کاوه بیات، طوفان برفراز قفقاز، نگاهی به مناسبات منطقه‌ای ایران و جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در دوره نخست استقلال ۱۹۱۷-۱۹۲۱، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰، ص ۶۷
- ۱۰- در مورد این کتاب که اخیراً تحت نام جمهوری آذربایجان، چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن، (ترجمه تقی سلام‌زاده، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۰) به فارسی ترجمه و منتشر شده است در سطور بعد توضیحات بیشتری خواهد آمد.
- ۱۱- زندگانی طوفانی، پیشین، ص ۴۷۵

- ۱۲- همان
- ۱۳- همان
- ۱۴- سفارت کبرای دولت علیه ایران، اسلامبول، نمره ۱۴۵، مورخه ۷ جوزا ۱۳۰۲، آرشیو وزارت امور خارجه، (۱۳۰۲ ۳۶/۱۵)
- ۱۵- همان
- ۱۶- در حاشیه این نامه یادداشت شده است که «در ۲۳ اسد ۱۳۰۲ به دارالترجمه داده شد و کتابچه برای ترجمه به یک نفر مترجم خارجی داده شد» و در یادداشتی دیگر بر ذیل همان صفحه: «کتابچه در دوسیه ۱/۳۹ ضبط است».
- از سرنوشت ترجمه این کتاب در دوره مورد بحث اطلاعی در دست نیست، ولی در آرشیو دکتر محمود افشار که به لطف آقای ایرج افشار به رویت نگارنده رسید، ترجمه نیمه تمامی از کتاب مورد بحث موجود است که احتمالاً حاصل همین اقدام است.
- ۱۷- افتادگی در اصل.
- ۱۸- سفارت کبرای دولت علیه ایران، نمره ۱۳۱، آنقره، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۵، آرشیو وزارت امور خارجه (۱۳۰۵ ۷/۱)
- ۱۹- متن کامل این یادداشت نیز در پی اصل نامه، ضمیمه شده است
- ۲۰- بیات، پیشبین ص ۶۹
- ۲۱- زندگی طوفانی، پیشین، ص ۴۵۷
- . C. W. Hostler, *Turkism and the Soviets*, George Allen and Unwin, London, ۱۹۵۷, pp. ۲۱۵-۲۱۶
- ۲۲- این مجموعه نامه‌ها به شماره بازیابی ۹۳۹۹ در آرشیو ریاست جمهوری ایران نگهداری می‌شود
- ۲۳- جمعیت پرومته (Promethean League) تشکیلاتی است که در سال‌های بین دو جنگ اول و دوم جهانی از سوی دولت لهستان برای حمایت از گروه‌های ضد شوروی تأسیس شد این تشکیلات که بیشتر از گروه‌های مهاجر و تبعیدی ملل و اقوام اتحاد شوروی تشکیل شده بود علاوه بر فعالیت‌های علنی مانند انتشار کتب و نشریات، کارهای مخفی هم می‌کرد. (نشریه Kurtulus رهایی) به ترکی آذربایجانی، یکی از نشریات تحت پوشش آن بود.

زنگانین آشیق ادبیاتی

○محمد رزاقی

اؤزت

ایکی سؤزله اؤزونو تانیتمدیران «آشیق ادبیاتی» اینانیلماز سویتهده بیر گئنیش و درین دوینغولو ادبیات سایلییر. بو ادبیات گئتل دورومدا بۆتون تۆرک اۆلکهلرینه عایدیدیر. بورادا زنگانین آشیق ادبیاتیندان قئساجا، سیزه سؤز آچماق ایسته ییریک ۱- زنگاندا چالینان آشیق هاوالاری نین سای ۹۳- دن آشیری اۇلاراق، ۷۰ دنهسی آذربایجاندا چالینان اورتاق هاوالار و ۲۳ دنه دن آشیری زنگانین یئرلی و اؤزل هاوالاری دیر. بو یئرلی هاوالاردان ولیجانلی، دو بیتلی، شهریارلی، قافییه، اؤغلان قئیترن، تک هاوا و باشقالارینی آد آپارماق اۇلار. ۲- زنگاندا یاییلان آشیق ناغیل لاری و داستانلاری او بیرری بیچیم لره گۆره و حتی باکی دا و تۆرکیه ده دئییلن روایتلردن فرقلی دیر. بو واریانتلارین نندن دئییشیک اؤلمالاری هله بیزه بللی دئییل. آنجاق اؤلا بیل سین کی، گله جک ده آپاریلان آراشدیرمالار و اینجه له مه لرله آیدینلاشا. بو ایکی اؤزلییه مالک اؤلان زنگانین آشیق ادبیاتی هله ده اؤز یئرینی ایران آذربایجانیندا تاپماییب. آشیق عزت عزیزلی یازیب یایدیغی آشیق داستانلاری ایله و آشیق مسلم عسگری گؤزل سس، یۆکسک باجاریغی و اجراسی ایله زنگانین آشیق ادبیاتیندا چۆخ اؤنملی ائتگی یاراتمیشلار.

آشیق مقدس، بیلجی، بۆیوک دنیا گۆرموش و باشقا اؤزلیکللی بیر انساندیر. آشیق ائلی نین دردینه یانان، شادلیغینا سئوینن بیر تانری بنده سی دیر. آشیقین سینه- سی دولو بیر خزینه دیر. توپلومسال، سیاسیال و... سؤزلر آشیقین سازیندا، سؤزونده یئر سالمیش. بو شخص زمانه سی نین دردینی، کدرینی، سئوینجینی شادلیغینی سازلا، سؤزله بیان ائتمیش. اسکی زمانلاردا آشیق سیز ائل یئتمیم سایلیردی. اوتون سؤزلری اؤز ائلی نین ایللر بؤیو دۆشونجه لری، ایناملاری و ایناندیق لاری دیر. آشیق اؤخویان بایاتی بیر تاریخی بیر ناغیلی ۲۸ هجادا آخیجی، روان، یادلاردا قالان شکلده بیان

اندیر. آشیق سازینی گویه ساری توتوب چالیب اوخوماغا باشلايیر. او الهامی گوی لرده اولان تانری دان آلیر. اونون اوخودوغو شعر ۷-۵-۳- بند اولور. بو شعر بندلری نین سایى تک اولماسی گرگلی دیر. بو تکلیک تانری نین تکلیپینه دلالت ائدن بیر اؤرنک دیر. آشیق سؤزلرینی دیوانی ایله باشلايیر. دیوانی هاواسیندا آشیق تانری دان پیغمبردن و امام لاردان سؤز آچیر و یئری گلدیکجه خلقینه خیر دعا و سئویملی بیر یاشاییش دیله ییر. منجه آشیق (آ ش ی ق): آ: آلاه، ش: شنلیک، ی: یئرق: قوپوز آنلامیندا گله بیلر.

بوردا عرب آلفابه سینده آشیغین نئجه یازیلما سینی آرتیرمالی یام آلاهیین شنلیگینی یئر اوزونده قوپوزلا داغیدان آداما آشیق آدی وئریلر. اسکی چاغلاردا بئله بیر دب وار ایدی. هر کیمسه اوزونو آشیق بیلسه یدی، خلق او آدمی آغ ساققاللاری یانینا آپاراردیلار. ائلین بؤیویو جامین آلتیندا بیر نسنه گیزله دردی. سؤنرا جامین آلتیندا اولان نسنه نین آدینی سؤرardı. اگر شخص او نسنه نین آدینی بیلسه یدی، او شخصه ائلین بؤیویو «آشیق» آدی وئردی. آنجاق دئییه بیلمه سه یدی، گرگ گئدیب یؤکسک مرحله یه چاتانا کیمی چالیشایدی. بو آشیق لاردان اؤرنک: آشیق کرم دیرینی اؤلدورو. ابهرلی آشیق شیرین اؤلونو دیریلدیر و باشقالاری بو درجه یه یتیشن آشیق- لارا حق آشیغی دئییلیر. کئچن یؤز ایلده زنگانین آشیق لاریندان: آشیق نوروز، آشیق زلفعلی، آشیق حمدوللا، آشیق کرامت، آشیق شهریار، آشیق سبزعلی، آشیق علی جارچی لی، آشیق پنجه لی امامی، آشیق آلاه مدد حسنی، آشیق امامعلی میکاییل، آشیق عزت، آشیق میرزه، آشیق زؤهراب، آشیق فیاض، آشیق مسلم و . . . سایماق اولار.

بو ائلین آشیق ساحه سینده چوخلو انسانلار امک وئریب. هر کیمسه الیندن گلن آز چوخ صنعتین بیر بؤلومونده خدمت ائتمیش، اما زنگانین چاغداش آشیق صنعتینده ایکی آشیغین تأثیری باشقالارینا گؤره اؤنملی دیر. بو ایکی آشیق هره سی بیر بؤلومده استعداد و باجاریق اؤزلریندن گؤستریلر.

۱- آشیق عزت الله عزیزى (۲۰۰۶- ۱۹۱۹) زنگانین و دئمک اولاردی آذربایجانین قوجاماق آشیغی ساییلیردی. بو آشیق گنجمیشده اولان آشیق داستانلاریمیزی اوستادلاریندان اؤیرنمیش، سینه سینده ساخلارکن گله جک نسله

دۆزگۆن شکلده یئتیرمک بو آدامین دَیَری ایشلریندن بیرى سایلیر. آشیق عزت اؤیرتدییی و منیمسهدییی دستانلاری یازی یا گئچیریب یایماسایدی. ایندی بیزیم چوخ آز آشیق دستانلاریمیز زنگان ائلینده اولاجاق ایدی.

۲- آشیق مسلم عسگری (دوغوم ۱۹۳۸) اؤز گۆزل سسی و دۆزگۆن دانیشیق، یۆکسک اجراسی ایله بو دستانلاری خلقیمیزین ایچینده یاییب. بیزیم بو گۆنکو فولکلوروموزا و آشیق ادبیتاتینا چوخلو یاردیم یئتیریب. آشیق مسلمین کامل بیر آشیق اولماسی بۆتون زنگان و ایران آذربایجانین موسیقیچی لرینه بللی دیر. مسلم عسگری ناغیل اوخوما بۆلومونده ۱۳۸ کاستله بۆتون آشیق لار ایچینده چوخ اؤستون بیر یئر قازانیبیر. بو ایکی آشیق (عزتین یازیلاری، مسلمین اوخوماسی و سسی) زنگانین یئرلی آشیق صنعتینی گئچمیشدن ایندیکی زمانا قدر آردی کسيلمه دن بیزیم الیمیزه چاتدیریبیلار. قیساجا دئمک اولار زنگانین آشیق ادبیتاتینین ایچ بیناسینی آشیق عزت و دیش بیناسینی آشق مسلم یارادیبیدیر.

آشیق هاوالاری:

بیلدییینیز کیمی آشیق لار اسکی دن ایندی یه قدر چئشیتلی هاوالاری یارادیب موسیقی دن یاسینا اتحاف ائتمیش لر. بو هاوالاری ایکی یئره بۆلمک اولار.

۱- اورتاق هاوالار

۲- یئرلی هاوالار

ایندی آذربایجاندا اولان هاوالارین سایى ۷۰ دن آشیری دیر. بو هاوالاری بیزیم بۆتون آشیق لاریمیز اللریندن گلن چالا بیلیر لر. بو هاوالارا اورتاق هاوالار آدینی وئرمک اولار. گۆنئی آذربایجاندا، قوزئی آذربایجاندا دویون لرده، ییغوالاردا خلقیمیز بو هاوالارلا تانیش اولوبلار. بونلاردان چوخ ایشلک و چالینان هاوالار: دیوانی مجلس، یایلاق، دؤیمه کرمی، دیلغم، جیرانی کرمی، قوربتی، قره چی، قاراباغ شکسته سی، ناخچیوانی و . . . دیر. بو هاوالاردان باشقا هر بۆلگه نین اؤزونه گۆره نچه یئرلی هاواسی واردیر. بو هاوالار یالتیز اؤز بۆلگه لرینده ایشلک اولوبلار. موتلولوقلا بیزیم زنگان ائلیمیزده بو هاوالارین سایى سی آز دئییل. آراشدیردیغیمیزا گۆره زنگانین یئرلی هاوالاری دؤرد منطقه یه بۆلونور. ۱- تاریم ۲- زنگان چایی ۳- هجروت ۴- سوجاسی چایی.

آدلارینی گتیردییمیز دۇرد بۇلگه بیرلیکده زنگانین اۇزل و یئرلی هاوالارینی یارادیر. بو هاوالارین سایى سی ۲۹دور. اما ایندی الیمیزده اولان ۲۳ هاوا مؤلف طرفیندن فیلمه چکیلیب. بو هاوالار زنگانلی آشیق مسلم طرفیندن اجرا اولونوب. الیمیزدهدیر. بو هاوالارین آدی بئلهدیر:

- ۱- ولیجانی ۲- دوبئیتی ۳- شهریارى ۴- قافییه ۵- بالا شهریارى ۶- شیکسته ۷- زنگان چایی شیکسته سی ۸- اوغلان قئیترن ۹- ایسکندری ۱۰- گنجه کرمی ۱۱- دیک عثمانلی ۱۲- یۇرغون کرمی ۱۳- جۇشغون کرمی ۱۴- کسمه کرمی ۱۵- تک هاوا ۱۶- مئشکینی ۱۷- گرمووو ۱۸- هالئیلی ۱۹- اکبری ۲۰- ائیوازی کوراوغلو ۲۱- ساری تۇرپاغی ۲۲- ساللاما گرایلی ۲۳- زنگان کوراوغلوسو.

آشیق ناغیل لاری:

آشیق ادبیاتی نین چئشیتلی بۇلوملریندن بیرى ده ناغیل لاردیر. ائلیمیزین قایدالاری ایله هر تۇیدا آشیق کئچمیش داستانلاریمیزدان بیرینی تۇیون قدرجه قولاق آسانلارا تعریف ائلر. بو داستانلارین سایى چۇخدور. ان یایغین داستانلاران اصلی- کرم، آشیق قوربانى، آشیق عباس تورفارقانلی، آشیق والئه- زرنیگار، طاهر میرزه، آشیق قریب و ... آد آپارماق اولار. سایدیغیمیز داستانلارین چۇخلو واریانت لاری خلق ایچینده سۇیله نیلیر.

زنگان واریانت لاری نین قورولوشو- چرچیوه سی آیری یئرلره گۇره فرقلی دیر. بیزیم آشیق داستانلاریمیز باکی ایله تبریز روایت لارینی یامسیلامیر. اۇزونه گۇره اۇزل بیر قورولوشا مالک دیر. بیر پارا ناغیل لارین ایزی و تاریخی یئرلری ایسه زنگانا عاید دیر. اۇرنک اۇچون طاهر میرزه نین قالاسی زنگانین «قئیزیل اۇزن» چاییندا، عرب زنگی نین قالاجاسی زنگانین دیزه مئلکونده یغرلشیر، بهرام- گول- خندان ناغیلی زنگانین سلطانیه شهرینده اۇز وئریر. بو آرادا ایکی ناغیل شیرین- بیرچک و کلبی ناغیلی تکجه زنگانا عاید دیر و بورانین آشیق لاری نین یاراتدیغی ناغیل لاردان دیر. اصلی و کرم ناغیلی- نین باشلانسی آذربایجاندا دۇغال، تۆرکیه ده آلمادان و زنگان روایتینده آعاج دادن دیر. بورادا قارا ملیک ایستانبولدان گلمه دیر. دده قورقود داستانلاری نین ایزی بوردا گۇرونور. قۇرتولوش بۇلومو بۇتون روایت لرده اصلی و کرمین یانماسی ایله سۇنا چاتیر. آنجاق

زنگان وارياتيندا كرم قارا مليگى اۆلدورور. اسلى ايله تۆى ائدير و ۲۵ ايل ده تۆيلاريندان كئچير. ايكي اؤغلو اۆلور.

اشيق عباس توفارقانلى ناغىلى تبرز واريانتيندا تبرز ساحه سيندن ديشارى چيخمير و بونلار عم اؤغلو، عم اؤغلانى ساييليرلار. آنجاق زنگان روايتينده پرى خانيم عثمانلى پاشاسى نين قىزى دى و ناغىل تۆركيه ايله ايلگى ده دير و باشقا فرقلىر.
ايندى سه زنگانين يئرلى ناغىل لاريندان بير اؤرنك:

كلىبى داستانى:

گئچن زمانلاردا زنگانين گيلان كئشه كندينده ايكي قارداش وار ايدى. بيرى - نين آدى خاجه عينال اؤ بيرى نين آدى خاجه زينال. خاجه عينالين بير قىزى وار. انسان خانيم و خاجه زينالين ايكي اؤغلو وار كلىبى و محمد آديندا. بير قىزى وار سلبى آديندا. كلىبى ايلن انسان خانيم بير - بيرينه آداخلى اۆلورلار. بونلاين تۆيو ياخينلاشير. خاجه عينالينان خاجه زينال تۆى وسايلى آلماق اۆچون شهره، زنگانا گليرلر. كلىبى اؤوچو ايدى. گئدير داغدان اؤو وورا. قيش چاغى داغدان شفە (شپه) سئنيب كلىبى بير آي نين ماغاراسينا دۆشور. بو ياندان خاجه زينال و خاجه عينال شهردن گليب، كلىبى - نين داغا گئديب گلمه مه سيني بيليرلر. اؤنو آختارماغا باشلايرلار. آنجاق هئچ بير ايز كلىبى دن تاپماييب داغا قارقيش ائله يه - ائله يه كنده قايديرلار. انسان خانيم بير ايز ائلچى گلير. سۆز وئريرلر تۆى يازدا اؤلسون. كلىبى اۆچ آي قيشى آي نين يانيندا قالير.
بير اؤو ووروب اتينى يئيب، درى سيني ده گئير آينينه. بير داشين دييينده ياتير. قارداشى محمد اؤو وورماغا داغا چيخير. بير اؤو داشين دييينده ياتميش گؤرور. تۆفنگينه ايكي گۆللە قۇيور. اؤوا سارى گۆللە آتير. گئدير گؤرور اؤز قارداشى كلىبى - دير. بو ايشه دايانا بيلمه ييب اؤزونو اۆلدورور. حضرت على بونلارين باشى نين اؤسته گليب ايكي سينه ده شفا وئرير. آرتيرمالى يام رحمتلىك دده عزت گيلان كئشه يه تۆى چالماغا گئدير. اؤرانين آداملارى كلىبى قالان ماغارانى دده عزته گؤستيرلر.

سۆزلو قايناقلار: رحمتلىك اشيق عزت الله عزيزى (۱۳۸۵ - ۱۲۹۸) اشيق

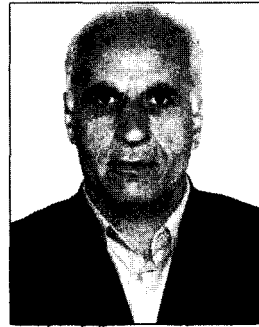
مسلم عسگرى (دوغوم ۱۳۱۷) اشيق ميرز على خدایى، اشيق على خلفى و ...

حكيم محمد ھىدجى

○ حسين محمد خانى «گونئىلى»

فۇلكلور دئىيىن خلقىن اوزاق كئچمىشلردە نئجە ياشادىغى، نەلرە ايناندىغى، نەلرە تاپىندىغى، حيات و طبيعته اولان باخيش و مناسبتى، دۆشونجە، داورانىش و يارادىجىلىغى نىن گۇرونوشوردور.

آچىق سۇز بو كى بىز، خلقىمىزىن فۇلكلورونون ھانسى بىر قۇلونو آراشدىراندا، اولو بابالارىن او ساحەدە اولموش فكر، دۆشونجە، باجارىق و يارادىجىلىغى ايله تانىش اولوروق. اۇرنىك اولاراق، شفاهى خلق ادبىياتىمىزىن بىر قۇلو سايىلان باياتى لارىمىزدا دقت يىتىرنە، اولارنىن يارادان لارى نىن نەلر آرزولادىقلارى، نە- لردن چكىندىكلرى، نەلرى اۇيدوكلرى، نەلرى سۇيدوكلرى و اولارنىن آلكيش و قارغىشلارنى تامامىلە دويا بىلىر و اۇيرنە بىلىرىك؛ مثال اۆچون: ايكى مىن يىددى يۆز ايل



بوتدان اۇنجه دىنانى وداع ائلهين، بعضى خلقلر اىچرە افراسياب آدى ايله تانىنان «آلپ ارتۇنقا» نىن اولومو مناسبتىلە قوشولان آغىنى دىنلەيندە، خلقىمىزىن ايكى مىن يىددى يۆز ايل بوتدان اول اۇز حكمدارىنا اولان مناسبتى گۇز اۇنونە گلير. ھابئله فۇلكلورىك ناغىل لار و دئىيملرە دقت يىتىرنە، آتا- بابالارىمىزىن كئچمىشلردە نەلرە ايناندىغى، نەلردن قاچدىغى، نەلرە حرمت بىسلەدىيى، نەلرى پىسلەدىيى و بىر سۇزلە اولارنىن حياتى نىن بىر چۇخ جەھتلىرىنى باشا دۆشوروك.

بۇتون باشقا خلقلر كىمى، بىزىم دە فۇلكلوروموزون بىر اۇنملى قۇلو آتالار سۇزلىرى دىر. بىز آتالار سۇزلىرىنى ائشيتدىكجە، اۇخودوقجا و اولاردا دۆشوندوكجە اولو بابالار و آنالارىن نە قدر درىن دۆشونجە صاحىبى اولدوغونا، نە قدر مدرىك و ذكالى اولدوغونا اينانيرىق. ھمىن آتالار سۇزلىرى و ضربالمثل لار اۇز يارادىجى لارى نىن يارادىجىلىق قدرتى نىن آرى- دۇزو ايناسى اولاراق، عصرلر اۇتوب، نسل لر دىيشدىكجە

گۆنو- گۆندن آرتیق پارلايیر، اثبات اولونور، ياشايیر، خلقیمیزی ده ياشادیر، يولونا ایشیق ساجیرلار.

ائله بوناگۆره دیرکی، درین مضمونلو شعرلر، حکایه لر و قالارغی عبارتلر یازماق ایسته یین قلم صاحب لری ده حقلی اولاراق، داهی انسانلارین یاراتدیغی و اوزون سۆره- لرین سۆزگجیندن گنچمیش و سینانمیش آتالار سۆزلری، ضربالمثل لر و بو کیمی حکمتلی سۆزلردن غافل اولمايیر، یئری گلدیکجه اثرلرینده اولارلار دان فایدالانیلار. باشقا سۆزله دئسک، خلق یارادیجیلیغیندان فایدالانماقلا، سۆزلرینی زنگین و خلق اوچون دوغما، آنلاشیلان ائتمه یه چالیشیرلار.

همین آتالار سۆزلری و ضربالمثل لریمیزدن چوخ یئرلی- یئرینده و دۆزگۆن فایدالانان شاعرلریمیزدن بیری ده رحمتلیک هیدجلی حکیم ملا محمد دیر. قاجارلار دؤنمینده زنگان ایالتی نین هیدج کندینده دنیا یا گۆز آچمیش، شریعت علملری اوخویاراق عالم اولموش، عمرونون اوزون مدتی نی تهراندا یاشامیش بو عالم شاعرین شعرلری نین بیر چوخ اوزللیکلری باره ده دانیشماقدان واز کئچهرک، سۆزو گئدن فؤکلوریک عبارت لردن شعرلرینده نئجه فایدالاندیغیندان اؤرنک لر گؤسترتمک ایسته- ییرم.

هیدجلی حکیم، بو حکمتلی، اؤیردیجی و عبرت دوغوران سۆزلری، اؤز مصراعلاریندا ایشتلیدیکجه سۆزونه ملاحظت وئرهرک، اؤنو عموم خلقین دیلیله سسلشدیرمه یه چالیشیر.

بونو دا علاوه ائله ییم کی، من بو آشاغیدا وئرجه ییم نمونه لر شاعرین یالنیز تۆرکجه شعرلریندن آلینیپ، سۆزسوز کی، فارسجا شعرلرینده ده چوخلو بئله فؤکلور نمونه لرینه راست گلیمک اولار.

عدالت سنور و حقیق حقلی یه چاتا جاغینا اینانان حکیم هیدجی، «کؤلا کئچی- نین قصاصی بۆینوزلو کئچی ده قالماز»،- کیمی آتالار سۆزوندن فایدالاناراق، آشاغیداکی بیتده بئله سؤیله ییر:

هر اول کئچی کی ووزاردی قویونلاری، گوردوم،

چوبان آغاچین آتیپ، گلدی، دیدی بۆینوزونا

هابئله «صبريله حالوا پيشراى قۇرا سندن»، - كيمى آتالار سۆزونو شاعر هيدجى
 آشاغيداكى بيتده بئله ايشلهدير:

باغلانيب وقتينا هر زاد، نئجه كى باغ آيهسى -

مدت ايستير كى انده مې اوزومو، نې قميشى.

«بسلسن اطلس اولار توت يارباغيندان»، - كيمى آتالار سۆزوندن ده بئله

فايدالانير:

من تا هاچاغا دوزوم كى بير وقت يارباق، اولاجاق قباى اطلس؟

حكيم هيدجى، بو «الگى الهنيب قليبىرى دؤوردان آسيليپ»، - كيمى آتالار

سۆزونو بئله ايشلهديدير:

هيدجى هاردا، تماشا هارا، اول قاره گونون،

اونو چوخدان الهنيب، ميخدان آسيلدى گمەسى.

«دوه اويناسا قار ياغار»، - عبارتى شاعرين شعرينده بئله ترم اولونور.

لؤكله يه قارى ننه بير تويدا دوه اوينار، دئيرلر قار ياغار

حكيم هيدجى بعضاً بير مضموندا اولان ايكي آتالار سۆزونو بير بيتده ايشلهده

بيلير. مثلاً: «چييين چيركه دولانار»، ها بئله «هوزغون جمده كه گلر»، - كيمى افاده

اولماقدا اولان عبارتله هيدجى شعرينده بئله ايشلەنيرلر:

هميشه شيره اولان قابلارا چييين ييغيشير

هميشه لاشه دوشن يئرلره قونار قوزغون.

اؤ، «دیل باشا بلادير»، - مثلىنى آشاغيداكى جملهده بئله يئرینه سالميشدير:

ديليوى ساخلا سنى وئرمه يه آخر اولومه

اولومه وئردى بو سۆزلر نئجه شيخ اشراقى.

«يؤلا يۇلداشيسيز چينخما»، - آتالار سۆزونو بئله ايشلهدير:

بالام، چۆله كى چيخارسان، گۆتور اؤزونله چۆرك،

اگر يولا گئديرين، بير نفر آپار يولداش

هيدجى ديوانيندا بو كيمى سۆزلرين ايشلنمەسى نه قدر دئسن چوخدور.

«كۆينگى نين آستارى يۇخدور»، - مثلى:

دونو اينينده، قالمايب آثار آرخاليقدان قاليبدى بير آستار، - بيتينده،

«بو گونون صاباحى دا وار»، - آتالار سۆزو:

یوخ ائدن بیرى نصیحت، ائیلیسن منى مذمت
مگر ای ائوى بیخیلمیش بو گونون صاباسی یوخدور؟، - بیتینده،
«جین ایمانى اولماز»، - جملهسی ده:
آس جان قولاغینا بو سوزو، تنبل اولما، دورا
گئت ایشله، تاپ چورک، یوخو ایمان خدایه آج، - بیتینده
ایشلهنیر.

«آختاران تاپار»، - عبارتى بو:
وار خبرده کی آدام بیر زادی آختاردی، تاپار
باغلادیم من بو اومیده بنلیمه قوزشاغی، - کیمی بیتده
و «ملائکه شوخلوق گوتورمز» جملهسی باشقا بیر بیتده:
- اول کی دئیر سوزو، عمل ائتمز اوزو، منم
بیلمز مثله وار کی، گوتورمز ملک هئک، - سایاقی قلمه
آلینمیشدیر.

«تى پيشیگین بوغازینا باغلاماق» و «ولو سویانی قبرستانا گوزتچی قویماق»، -
مضمونلو آتالار سوزلری آشاغیداکى مصراعدا:
اونا بنزر کی آدام تاپشیرا قوزدا چیشی، - شکلینده جلوه لنیر.
ائلهه بیر گۆلمهجه - مثل وار، دئیرلر: «دوهیه دئدیله: - بؤینون نییه آیری دیر؟ او دئدی:
هارام دؤزدور کی بؤینومدا دؤز اولما؟»
هیدجی بو گۆلمهجهنى فارس دیلینده بئله قلم آلییدیر:
یکی با شتر گفت کی بد جنم
چرا گردنت چون کمان است خم
بگفتا کجایم درست است و راست؟

تو می پرسى از گردنم خم چراست!
بییه سینه آهو توتماق اوچون آهو دالینجا سالینان تازیا، آهونون دؤنوب دئدیگی
بو: - سن منی توتابیلمزسن، چۆنکی، سن اوزگه اوچون قاجیرسان، من اوزوم اوچون، -
سؤیله مینی، هیدجی فارسجا بیر بیتینده بئله ترنم ائدیر:
تو از بهر دیگر کسانى دوان ولی من برای خود از ترس جان

شاعر بعضاً فارس دیلینده ایشله نین آتالار سؤزلری و ضربالمثل لردن ده اؤز دیلیمیزه کئچیریب و گؤزل مصراعلار یارادیب دیر:

مثلاً: «ب رفته به جوی باز نمی گردد»، «تربیت نا اهل را چون گردگان برگنبد است»، «گندم از گندم بروید، جو ز جو»، «ز کوزه همان برون تراود که در اوست»، «سالی که نکوست از بهارش پیداست» آتالار سؤزلری و مثل لر آشاغیداکی بیت لرده بئله ایشلنمکده دیر:

گنتسه قاییدار گننه جوانلیق گر آرخا گله گننه کئچن سو

من یول تاپارام او بارگاهه گر گنبدین اوسته دوزسا گردو

هر نه اکیلیب، گرگ — ویرسین اولماز کی، من اکدیم، اؤزگه درسین

ظاهر اندر، نمه نهنی؟ کوزه اؤز سو یون بللی اولور، نمه نهن، ایل بهاردن.

بئله- بئله نمونه لر حکیم هیدجی دیوانیندا نه قدر دئس چؤخدو، آنجاق ائله بو

قدره قناعت ائدیلدی.

آنا دیلی

○ یازان: کونستانتین دیمیتريئوچ اوشینسکی

چئویرن: پروفئسور فخرالدین و. یادگار

دنیا پداقوژی ادبیاتی نین اینجی سی سایلان بو مقاله نی ک. د. اوشینسکی ایلک دفعه «خالق تحصیلی ناظرلییی» ژورنالیندا (۱۸۶۱- جی ایل، نۆمره ۵) چاپ ائتدیرمیشدیر. مقاله اؤز مضمونو اعتیباری ایله او دؤوره ده کی روسیا مکتبلیرینده حکم سؤرن کلاسیک تحصیل سیستمینه قارشى یؤنلمیشدیر. ک. د. اوشینسکی اؤز علمی- پداقوژی کونسپسیاسیندا آنا دیلینی اؤن پلانا چکیر، خارجی دیلترین آنا دیلیندن قاباق اؤیرتیلمه سی نین اوشاق پسیکوژی سینه وورا بیلجه یی زبانی آچیب گؤستریر. سؤنرالار اؤ، «آنا دیلی» درسلیینده ابتدایی مکتبده تحصیلین آنا دیلی اساسیندا قورولماسی ایدئاسی نین دؤزگؤنلویونو بیر داها تصدیق ائدیر.

فلسفی باخیمدان دیله بؤتؤو کیمی یاناشان ک. د. اوشینسکی اؤنو خلقین معنوی حیاتی حساب ائدیر، و. ق. بلینسکی نین «فردلر دیل یارادا بیلمز، چؤنکو اؤنو خالق یارادیر» فکرینه تام شریک اؤلدوغونو بیلدیریر. گؤرکملی پئداقوق، زادگان «اشراف» عایله لرینده خلقه اعتناسیزلیغی کسگین تنقید ائدیر، چار مطلقیتی (تزار استبدادی) طرفیندن ملی آزادلیق حرکتی نین تعقیب اؤلدوغونو پیسله ییر، خلقی کئچمیشدن آیرماغا چالیشانلاری حدت له قامچیلاییر.

ک. د. اوشینسکی نین (آنا دیلی) مقاله سینى ترجمه ائدیپ اؤخوجولارا تقدیم ائتمکله دؤشونورم کی، بو مقاله ده قالدیریلان مسأله لرین بیر چؤخو بو گؤن بئله اؤز یئرینی ایتیرمه دیییندن هموطن لریمیز اؤچون مارقلی اؤلاچاق.

«دیل اؤیرتمه، دیلیری اؤیرنمه یه نسبتاً داها یؤکسک شئی دیر. تدریس واسطه سی کیمی قدیم دیلترین پایینا دؤشن تعریفلر ایکی قات آنا دیلینه عاید دیر، اؤنو دیلترین آناسی آدلاندیرماق داها دؤزگؤن اؤلاردی» ژان پول بئش یاشلی اوشاق «لاکین»، «حالبوکی»، «اؤزو ده» (یعنی) «یالنیز» «بونون عکسینه اؤلاراق»، «البته»

سۆزلىرىنى باشا دۆشور. آنجاق اۋنلارى بىر كرە اوشاغا يۇخ، آتاسىنا ايضاح ائتمە يە چاليشىن. تىكجە «يەنى» سۆزۈندە درين بىر فىلسفە گىزلەنير» ژان پول.

من فرانسىز دىلىنى اۋيرنيم مى؟ بونا دَيرمى؟ . . . آخى ياد دىلدە سن اۋزونو ھمىشە عاجىز حس ائدىر، دائما سۆنسوزلۇغا قدر اۋنا اويغونلاشماغا چاليشىرسان. اۋ دىلدە ان عمومى، ان كوپود جىزگى لرىنى افادە ائدە بىلرسن. ى. و. گۆتە.

من خوشلايىرام كى، روس روس اۋلسون، انگلىس دە انگلىس؛ اگر پروسدا پروس لى اۋلماق لازم دىرسا، اۋندا گرک فرانسادا دا فرانسىز اۋلسون". برانزە.

انسان اوزون مدت نفس آلير، آنجاق ھاوانىن موجودلۇغوندا ان اۋنون خبىرى اۋلمور. اوزون مدت ھاوانىن وارلىغىنى بىلير، لاکن خاصەلرىنى، ترکىيىنى، اورقانيزمىن حياتىندا اۋنون نە كىمى اھمىتە مالک اۋلدوغونو بىلمير. انسانلار اوزون مدت آنا دىلى نىن خىزىنەسىندىن استفادە ائدىبلر، آنجاق اۋنون طبيعتى نىن مرکىلىيىنە، درىنلىيىنە فکر وئرمەيىبلر، اۋز معنوى حياتلارىندا اۋنون معناسىنى قىمتلندىرمەيىبلر. گۆرەسن ايندى اۋنو لايقىنچە قىمتلندىرىلرمى؟ معلوم اجتماعى فکرىن، پئداقوژى پراكتىكادا قبول اۋلونموش اصوللاردان، مختلف مۇسسەلردە تدرىس حصەسى نىن قورولوشوندا چىخش ائتسک، درک ائتمە چتىن دئىيلدىر كى، لايقىنچە قىمتلندىرمە يە داھا چۇخ قالىب.

انسان دىلىنىن باشلانغىجى عمومى لىكدە بو و يا ديگر خلقىن دىلى نىن ازلى باشلانغىجى بشرىت تارىخىندە بۆتون بۇيوك خلقلرىن يارانماسى نىن باشلانغىجى كىمى كئچمىشىن قاتلارىندا ايتير، لاکن بوندان آسىلى اۋلماي اراق بىزدە بئله بىر قطعى قناعت واركى، ھر بىر خلقىن دىلى نىن يارادىجى سى باشقاسى دئىيل، ائله ھمىن خلقىن اۋزودور. بونو آكسىوم كىمى قبول ائتسك دە تئزلىكلە ائله شئىين شاهدى اۋلوروق كى، او بىزى اىستر- اىستەمز مات قۇيور؛ دۇغرودانمى خلقىن دىلىندە افادە اۋلونموش ھر شئى، خلقىن اۋزوندى گىزلەنير؟ دىلدە چۇخلو درين فىلسفى فکرى، اصىل پوئتىك حس، اينجە واله ائدىجى ذوق، گۆجلو شىكلدە عمومى لشمىش فکرىلرىن افادەسىنە چكىلن زحمتىن ايزلرى، زنگىن مشاهدەچى لىك، آن جدى منطق، يۆكسك معنوى ھنر، فکرىلر اۋىناغى واركى، بونلارا آن قدرتلى شاعر، درين دۆشونن فىلسوف بئله گۆجلە نايل اۋلور. بىز قطعى اينانا بىلمىرىك كى، بۆتون بونلارى گۆرۈندويو كىمى

فلسفەيەدە اينجە صنعتە دە، پوئزىايا دا بو قدر ياد اولان ذوقوندا هئچ بير اينجەلىيى - ايله سئچىلمەين، جد- جەھدىندە هئچ بير يۆكسكىلىك و بدىيىلىك بىلمەين بو كوبرود، بيسواد خلق كۆتلەسى ياراتمىشدير.

انجاق بيزدە يارانان شېھەيە جاواب اولاراق، همين بو عاغىل سىز، نادان، كوبرود كۆتلەدن ائله گۆزل خلق ماھنىسى چاغلايىركى، بوندان هم شاعر، هم صنعتكار، هم دە بستەكار اۋز الھامىنى آلير، دقيق و درين معنالى ائله سۆزلر ائشيدىلىر كى، بونو علمين و ان چۆخ انكشاف ائتمىش عاغلىن كمگى ايله فيلولوق و فيلسوف تحليل ائدير. ان قديم، ال چاتماز و نادانلىق دۇوروندىن گلن بو سۆزلرين درينلىيىنە و حقيقى لىيىنە تعجبونو گىزلەدە بىلمير. بو هر هانسى بير حادثەيە نسبتاً بيزە اۋز بىليگىمىز، ساوادىمىز و انكشافىمىزلا شخصاً فخر ائتمەيە داھا چۆخ اساس وئيرير، هر هانسى حادثەيە نسبتاً بيزە خاطرلادىركى، آيرى- آيرى شعورلو شخصىتلردن، آيرى- آيرى انسانى اورقانىزملردن باشقا يئر اۋزوندى نەنگ اورقانىزملر واركى، اونلار يەر بيرىنە انسان اۋز بدىنىدە قار دنەجىيى نين بۆتون اورقانىزما بىلەدىيى مناسبتدە اولور. اۋز ساوادىمىزلا فخر ائدەر ك بىز آشاغى و گئنىش خلق كۆتلەلىرى آراسىندان چىخمىش سادە، آز ساوادلى آداما عادتاً يوخارىدان باخىرىق، لاكن بىزىم حقيقتاً ساوادىمىز وارسا، منتدارلىقلا همين خلقين تارىخى وارلىغى قارشىسىندا باش ايمەلى، اونون سۆنسوز، هئچ وقت يامسىلايا، بىلمەدىيىمىز يارادىجىلىغىنا حيران قالمالىيق. اگر اۋز عمللىرىمىز اوچون خلقين سۆى- كۆكوندە سىر كىمى گىزلەنن معنوى حيات قايناقلارىندان گۆچ و روح آلا بىلسك، اوندا خوشبخت اولارىق. بلى، خلقين بيزە بخش ائتدىيى دىل اۋزو گۆستىرير كى، هر بير شخصين نە قدر ساوادلى، انكشاف ائتمىش اولورسا اولسون، او خلقين بۇيوك وارلىغى قارشىسىندا حدسىز درجەدە كىچىكىدير.

خلق اۋز دىلىنى نئجە، هانسى قانونلار اساساً يارادير، هانسى نىتتارە اساسلانير، كىمدن و نە دن درس آلير، چايىن مى دانىشىغىنا، كۆلەيىن مى نفسىنە قولاق آسىر؟ نىيە دىللىردە بو قدر دۇغمالىق، هم دە يادلىق وارا؟ هارادا، هانسى اوزاق زمانلاردا، هانسى اۆلكەلردە اونلار دۇغمالاشدىلار و يادلاشدىلار؟ نە ايدى بير دىلى بير طرفە، او بيرىنى باشقا سمتە يۇنلدىن كى، نتيجهدە دۇغما قارداشلار راستلاشاندا بير- بيرىنى تانىمادىلار؟ بۆتون بو سوآلار فيلسوفون و تارىخچى نين قارشىسىندا سۇنو

گۇرۇنمەين مۇسئالەر كىمى دورور. اۇز آنا دىلى حقىندە آز- ماز دۇشونە بىلن يقين اندر كى، دىل خلقىن اۇزنون ايچىندن گلن وارلىق دىر، خلق روحونون درىنلىيىندە گىزلىنىش بۇتون خلق خصوصىتلىرىنى اۇزوندە احتوا ائدن بىر تۇخومدان يارانمىشىدەر. خلقىن دىلى اۇنون اۇز تارىخى حدودلارىندىن چۇخ- چۇخ اول باشلانان، بۇتون معنوى حياتى بۇيو ھىچ وقت سۇلمايان، ھىمىشە يئنى دن پارداقلانان ان ياخشى چىچكىدەر. دىلدە بۇتون خلق، اۇنون سۇى- كۇكو جانلانير، اۇندا خلقىن روحو يارادىچى قوۋەايەلە فكىردە اريبير، وطنين سماسى اولور، اۇنون ھاواسى، فىزىكى حادثەلرى، اقليمى، چۇلر، داغلار، درەلرى، مئشەلرى، چايلار، قاسىرغا و طوفانلار شىكلە و سسە چئوريلير. بونلار دۇغما نغمەلردە شىرىن ماھنىلاردا، شاعرلرىن دىلىندە نە قدر شاقراق (اۋدلو- آۋولو) و آيدىن سىلىنير. لاکن خلق دىلى نىن ايشىقلى- آيدىن گۇرونون انگىنلىكلرىندە تىكجە دۇغما وطنين طبيعتى دئىيل، ھمچىن خلقىن معنوى حياتى- نىن بۇتون كئىچىمىشى عكس اولونور. نىلر گلىب- گئدىر، بىر- بىرىنى عوض ائدىر. آنچاق دىلدە ھر نىلىن اۇز حيات گئىچكىلىكلرى ارث كىمى گلەجك نىلرە قالير. آنا دىلى خزىنەسىندە نىلرلىن درىن اۋرک چىرىپىنتىلارنى نىن ايزى قالير، تارىخى حادثەلرىن، اينام و گۇروشلىرى نىن محصولو قالير، بىر سۇزلە، خلق اۇز معنوى حياتى- نىن بۇتون ايزىنى آنا دىلىندە قۇرويوب ساخلايىر. دىل خلقىن ياشامىشلارنى، ياشايانلارنى و گلەجك نىلرلىن ان گۇجلو، زنگىن و محکم نىلرلە تارىخاً جانلى بىر بۇتۇدە محتشم شىكلدە بىرلىشىدىر و اسطەدەر. اۇ، تىكجە خلقىن حياتىنى ياشاتمىر، اۇ، عىن زماندا بۇتون حياتىن اۇزودور. خلقىن دىلى يۇخدورسا، اۇ خلق داھا ياشامىر. محض بوناگۇرەدە بىزىم غرب قارداشلارىمىز ياد ائللىلرىن ھر جۇر تعقىبىنە معروض قالدىقدا و بو زۇراكىلىغىن دىلە دە تطبىق اولدوغونو گۇردوكدە باشا دۇشدرلر كى، صحبت خلق اۇچون اولوم، يا اولوم مۇسئالەسىندىن گئدىر. خلقىن دىلى موجوددورسا، خلق دە ياشايىر. و ان دۇزولمز زۇراكىلىق دە- بابالارىن سايا گلمز نىلرلى نىن ياراتدىغى مىرائى خلقىن اليندىن آلماق اىستەمكىدەر. خلقىن اليندىن ھر شئىين الين، اۇ دۇزر: لاکن اۇنون دىلىنى اليندىن آلسانىر، اۇ ھىچ وقت بىر داھا اۇنو يارادا بىلمز. خلق حتى يئنى تۇرپاقدا مسكونلاشا بىلر، لاکن دىلى تزدەن يارادا بىلمز، ھىچ وقت! خلقىن دىلى آغزىندا اۇلدوسە، دئمەلى، خلق اۇزو محو اولدو. اگر انسان روحو اوزون عمر

سۆرمەين بىر آدامىن اۆلوموندىن سارسىلىرسا، بس بو روح خلقىن چۇخ عصرلىك تارىخى طالعىنە- يئر اۆزوندە تانرىنىن ياراتدىقلارىندىن ان محتشمى اۆلان دىلە قصد ائىدىلىككە، هانسى حسلىرى كئچىرمەلى دىر.

بئىلەلىككە، خلقىن معنوى و چۇخ عصرلىك حياتىنىن تام و دقيق سالنامە سى(كارنامەسى) اۆلان دىل عىن زماندا هلە كتاب و مکتب اۆلماياندا خلقى اۆىردىن، تارىخ بۇيو اۆىرتمككە داوام ائىدىن ان اولو (مقدس) «خلق معلمى» دىر. آنا دىلى آسانلىقلا بۇيوك زحمت چكەمدىن هر بىر نسل، عىن زماندا چۇخدان تۇرپاقدا ياشايان، اۆزۈ دە راين-ين، دنپر-ين يۇخ، هيمالايىن آلتىندا اويويان مىنلرلە اۆزۈندىن اولكى نسلين فكرىنىن محصولونو و حسلىرىنى منىمسەيىر. بابالارىن بو ساياگلمز نسللىرى- نىن بىر- بىرر- بىرر دۆشۈندۈكلرى، حس ائىدىكلرى، ياشادىقلارى هر شئى آسان، زحمتسىز يىنىجە ايشىقلى دنيايا گۆزونو آچان اوشاغا اۆتورولور (منتقل اۆلور) و آنا دىلىنى اۆىرنىن بو اوشاق حياتا اۆلچويه گلمز محبتلە گلير. آنا دىلىنى اۆىرنمككە اوشاق تىكجە شرطى (قراردادى) سسلرى اۆىرنمىر، اۆ، هم دە آنا دىلىنى دۇغما دۇشۈندىن معنوى حيات و گۆج آلىر. آنادىلى اونا طبيعتى ائلە ايضاح ائىدىركى، بونو هئىچ بىر طبيعتشوناس باجارا بىلمز. اۆنو احاطە ائىدىن آداملارىن كاراكتىرلە تانىش ائىدىر، ياشادىقى جمعىتلە، تارىخى سعىلرلە ائلە ياخىنلاشدىرىركى، بونو هئىچ بىر تارىخچى ائدە بىلمز: آنادىلى اوشاغى خلق ايناملارىنا و پوئزياسىنا ائلە باغلايىركى، بونو هئىچ بىر ائستىتىك ائدەبىلمز، نهايت، آنادىلى ائلە منطقى آنلايىشلار و فلسفى گۆروشلر آشلايىر (اۆىردىر) كى، بونو هئىچ بىر فىلسوف باجارماز.

زۆر- گۆجايەلە انكشافى پۆزولمايان اوشاق، ان اوزاغى ۵-۶ ياشىندا اۆز آنا دىلىندە جسارتلە؛ دۆزگۆن دانىشىر. آنجاق تصوور ائىدىن كى، آز- ماز عاغلى اۆلان ۶ ياشلى بىر اوشاغىن اۆز آنا دىلىندە دانىشىدىقى كىمى هر هانسى باشقا دىلدە دانىشا بىلمەسى اۆچۈن نە قدر بىلىگى، حسى، تفكرو، منطقى و فلسفەسى اۆلمالى دىر. اوشاغىن اۆز آنا دىلىنى بوجور منىمسەمەسىندە يالنىز يادداشى اساس گۆتورنلر چۇخ سھو ائىدىرلر. هئىچ بىر يادداش(حافظە) نە ايسكى هر هانسى بىر دىلىن بۆتون سۆزلىرىنى، حتى بو سۆزلىرىن ممكن بىرلشمەلرىنى و دىيشىكلرىنى دۆزلىتمەيە نايل اۆلابىلمز؛ يۇخ، اگر دىلى يالنىز يادداشلا اۆىرنسەيدىلر، اۇندا هئىچ بىر دىلى دۆز- عمللى

اۋىرنە بىلمىز دىلەر. خلقىن ياراتدىغى دىل اوشاقدا اۋنو حئىواندان فرقلندىرن سۇز ياراتما قابلىتىنى انكشاف ائتدىرير.

سىز حسّ ائدىرسىنيز كى، اۋز فكىرىنى افاده ائتمك ايستەين اوشاق گاه بىر افاده، گاه دا باشقا افاده ايشلەدىر و ايستر- ايستەمز تعجولنىر، دئيه سن كى، بىر- بىرىنە چۇخ ياخين اولان ايكى سۇز آراسىنداكى اينجه فرقى حددن آرتىق ياخشى حس ائدىر. سىز همچىن حس ائدىرسىنيز كى، اوشاق يئنى سۇز ائشىدندە اكثر حال- لاردا اۋنو دۆز حال لاندىرير(صرف ائدىر) تصريف ائدىر و باشقا سۇزلرلە بىرلشدىرير. اولابىلىردىمى كى، آنا دىلىنى اۋىرنر كىن اوشاق خلقە دىل ياراتماق امكانى وئرمىش يارادىجى قوۋەنن حصەجىكلىرىنى منىمسەمەسىن؟ باخين، خارجى دىلىن بو اينستىكتىنى (غريزه سىنى) خارجى لىر نئجه چتىنلىكلە منىمسەيىرلر، اصليندە بو هئچ منىمسەنىلمىر. روسيادا ۲۰ ايل ياشايان. آلمان حتى ۳ ياشلى روسون اۋز دۇغما دىلىندە بىلدىكلىرىنى قازانابىلمىر.

بو غرىبە پنداقوق- آنا دىلىنە نە اينكى چۇخ شئى اۋىردىر، هم دە آسان و غير عادى راحت بىر متودلا اۋىردىر. اوشاغا ۵- ۶ نامعلوم آد وئىرىك، ۷- ۸ خارجى سۇز، ۲- ۳ آنلايىش، بىر نئچە مرگب حادثە اۋىردىرىك و بونا چۇخ چتىنلىكلە نايىل اولوروق. اوشاق اۋچون ايسە بو داها چتىن اولور. او، گاه ازىرلەيىر، گاه دا اۋنودور. اگر وئىرلن آنلايىشلار آز و يا چۇخ درجەدە مجرد اولورسا، هر هانسى بىر منطقى و قراماتىك اينجهلىك افاده ائدىرسە. اوشاق قطعى شكلدە اۋنلارى منىمسەيە بىلمىر، حالبوكى بىزىم اۋنا عبث يئره صرف ائدەر ك آيدىنلاشدىرماغا چالاشدىغىمىز اينجهلىكلىرى اۋ تجروبه دە آسانلىقلا، سربست شكلدە منىمسەيىر. بىز اۋزوموزو اۋنونلا ساكتلشدىريرىك كى، اوشاق آنا دىلىندە ائله بئله فكىرلشمەدن دانىشىر، آنجاق بو فراز (عبارت) هئچ نە اىضاح ائتمىر. اگر اوشاق بو و يا ديگر قراماتىك دۇنومو يئرىندە ايشلەدىرسە، دانىشىغىندا سۇزلرلە قراماتىك فۇرمالار آراسىنداكى اينجهلىكلىرى گۇرەبىلىرسە، دئمەلى اۋ، بونلارى حس ائدىر. اۋلا بىلسىن كى اۋ بىزىم ايستەدىيىمىز يۇل لا گئتمىر. آنا دىلىنى اۋىرنندە اوشاق تىكجە سۇزلرىن و سۇز بىرلشمەلىرىن يارانماسىنى، دىيشىكلىيە اوغراماسىنى يۇخ، همچىن سۇنوسوز مقداردا آنلايىشلارى، اشىالارا مناسبتلىرى، فكىرلىرى، حسلىرى بدىعى اۋبرازلارى، دىلىن منطقىنى و فلسفەسىنى

اۋىرنىر. اۋزو دە اۋنلارا آسان و تئز، جمعى ايكى - اۋچ ايل عرضىندە يىبەلەنير. سعى و مئتودىك جانفشانلىق گۇسترمكلە آدم ۲۰ ايل عرضىندە ھىچ بونلار يارىسىنا دا يىبەلنە بىلمز. بودور آنا دىلى نىن - بو بۇيوك خلق معلمى نىن - گۇجوا سۇروشا بىلرلر، بس نىبە بىز آنا دىلى دئىيرىك، مگر اوشاق عىنى آسانلىقلا خارچى دىلى اۋىرنە و بوندان آنا دىلى نىن اۋنا وئردىگى خىرى گۇتورە بىلمزمى؟ فرانسىز و آلمان دىللىرى دە روس، لاتىن و يونان دىللىرى كىمى بو خلقلىرىن اوزون عصرلىك معنوى حياتى نىن نتيجهسى دىر. دئمك، آدم اوشاقلىقدان ھر ھانسى بىر خارچى دىلدە دانىشماغى اۋىرنىرسە، اۋنون معنوى انكشافى بوندان ھىچ نە ايتىرمىر، عكسىنە اۋدور. كىچىك فرانسىز، اينگلىس، ايتاليياى اۋز دۇغما دىللىرىندىن روس كىمى بلکہ داھا چۇخ خزىنە قازانىر. بونلار يىن ھامىسى دۆزدور. اگر روس اوشاقى لاپ اوشاقلىدىن، فرانسىز جا و يا آلمانجا دانىشارسا، كىچىك فرانسىز و يا كىچىك عىنى ايلە او يوللا، اۋلا بىلسىن كى، آشاغىدا گۇرەجە يىمىز كىمى مىلى كاراكتىرلىرىن شىبە دۇغورمايان، ارئە كئچمەسى فاكىتىنى قبول ائتمەسك، تامامىلە ھمىن يول لا گئتمە - سىن.

دىلىن، خلقىن معنوى حياتى نىن نتيجهلىرىنى افادە ائىدىيىنى، فكر و خس - لرىن اۋرقانىك وارلىق اۋلدوغونو قبول ائتسك، اۋندا البت كى، نە اۋچون ھر خلقىن دىلىندە اۋنون خصوصى كاراكتىرلىرى نىن عكس اۋلدوغونو، دىلىن خلقىن ان ياخشى سچىتەسى اۋلدوغونو باشا دۆشرىك. يۇنگول، جىنگىلىتىلى، كىسگىن، تىسۇملو، كوبودلوق چالارلىغى ايلە ياناشى، نزاكتلى، چۇزەلەنن، پروانە كىمى پرواز ائىن فرانسىز دانىشىغى، آلمانىن آغىر، دومانلى فكرلىرىنە غرق اۋلان، گۇتور - قۇى ائىن دانىشىغى، آيدىن، يىنغىجام، غىر معىتلىبە محل قۇيمايان، بىر باشا ايشە باشلايان برىتانيالى نىن پراكتىك نطقى، ايتاليياى نىن نغمەلى، پارلاق، رنگارنگ و بلاغىلى نطقى، سۇنسوز چاغلان، داخلى حسلىرى تىلاطمە گتىرن و ھردن بىر برک گورولتوسو ايلە سئچىلن ايسلاويان نطقى - بۆتون و ممكن مزىتلىردن، بعضاً، خلقىن اۋزونون او قدر دە ياخىندان اشتىراك ائتمەدىيى تارىخىن اۋزوندىن بو دىللىرى يارادان خلقلىرىن كاراكتىرلە داھا ياخشى تانىش ائىدىر. محض بوناگۇرە دە، خلقىن كاراكتىرىنە بلد اولماق اۋچون

داھا ياخشى، بلكە دە، يگانە دۆزگۆن يۇل اۋنون دىلىنى اۋيرنمك دىر و بىز خلقىن دىلىنە درىندن وارد اۋلدوقدا اۋنون كاراكتىرنە داھا درىندن بلد اۋلوروق.

دىل لرىن بو شېھە دۇغورمايان سىجىھلرىندن نىتىجە چىخارماغا حقىمىز وار كى، ادامىن اوشاقلىقدان ھانسى دىلدە دانىشماغى، اۋنون معنوى انكشافي اۋچون ھىچ دە اھمىتسىز دىيىلدىر. ھەر اوشاغىن معنوياتىندا و انكشافىندا اۋنو احاطە ائدن طبيعتىن، اداملارىن، اۋتاغىندا اسیلمىش شكىل لرىن، حتى اۋنون اۋيونجاقلارنىن دا تاثيرى اۋلدوغونو اعتراف ائدىرىكسە، اۋندا بىز بو و يا دىگر خلقىن مزىت لرىلە دۇلو دىل كىمى بىر حادثەنىن مناسبتىن اىلك يۈزۈجوسونون، ھەر شئىى گۇرن، دویان و باشادۇشن بو اينجە اتموسفرىن تاثيرىندن امتناع ائدەبىلرىك مى؟ دئىھك سىنىز كى، بو اتموسفر روس دىلىندە يۇخ، ھەر ھانسى بىر اجنبى دىلدە اۋلسا، نە فلاكت گتيرەبىلر كى؟ دۇغوردان دا ھىچ بىر بلا اۋلمازدى، اگر:

بىرىنجىسى، اگر دىل اوشاغىن اۋرقانىزمىندە ارتىق اۋزۈنە حاضرلانمىش دۇغما يووا تاپىرسا، اىكىنجىسى، اگر اوشاق دۇغوردان دا، دىلى اىلە دىيانى شرح ائتدىبى خلقىن محىطىنە تامامىلە دۇشورسە، اۋچونجوسو، اگر طالعىن حكمو اىلە اوشاغىن اىچرىسىندە ياشادىغى و فعالىت گۇستردىگى خلقىن دىلى اۋنون انا دىلىنى عوض ائدىرسە، بىر سۆزلە، اگر كىچىك روس بالاسى بۆتون جھت لردن فرانسىز، آلمان و يا اىنگلىس اۋلماق مجبورىيتىندە قالىرسا، لاکن بلا بوراسىندادىر كى، بو شرط لردن بىرىنجىسى قىطعى يىرنە يىتتىرىلە بىلمز، اىكىنجىسى او زمان اۋلابىلر كى، روس اوشاغى خارجدە بۇيوسون و يا تربىه آلسىن، اۋچونجوسو او زمان اۋلار كى. والدىن لر اوشاغىن وطنىنى دىيشدىرمەبىى قارارا آلسىنلار.

ملى كاراكتىرن اوشاغا ارثا كىچمەسى حقدە دانىشماق اۋلار مى؟ بىز دىئىرىكسە كى، اوشاقلارا والدىن لرىندن فىزيونومىانىن چۇخ بۇيوك چىزگى لرى- گۇزون رنگى، بورنون، دۇداق لارىن، ساچ لارىن فۇرماسى، قد- قامت، يىرىش طرزى، مىمىكا كىچىر، اۋندا، البتە، گمان ائتمك اۋلار كى، اوشاقلارا والدىن لرىندن داھا اينجە و درىن سىجىھوى خصوصىت لر كىچىر. چۆنكى انسانىن خصوصى مزىت لرىنىن سببى داھا درىن و گىزلى اۋلدوقدا، او، ارثا چۇخ دۆزگۆن كىچىر. كور والدىن لردن گۇرن اوشاقلار دۇغولور، عىلىل و قىچى اۋلمايان انا بو ناقصلىبى ھىچ وقت اوشاغىنا اۋتورمور،

لاكن بونونلا ياناشى سىبى عصب سىستىمىنىن درىنلىيىندە كۆك سالمىش و حكىمىن آختارىب تاپايلىمەدىيى خستەلىكلرى مثلاً اۆرك كىچمە/ ائپى لىپسىا، ارثى دىلىك و سايره والدىن لردن اوشاقلارا كىچىر و بعضاً بىر نسل اۆتور، او بىرىندە تظاهر ائدىر. مېمىكا كىمى ھىچ بىر شئى ارثاً بو قدر دۆزگۆن و ئرىلمىر، ھىچ بىر مىكروسكوپلا گۆرونمەين داخلاً گىزلى علامتلىرىن، تظاهرودور و اكثر حال لاردا دۆشونجە طرزىنىن و حرىكتلىرىن تائىرى آلتىندا دىيشىكلىيە اوغرايىر.

كاراكتىرىن مىلى خصوصىتىنىن دىگر باشقا علامتلىرە نىسبەتاً والدىن لردن اوشاقلارا داھا دۆزگۆن اۆتورولمەسىنى بىز مباحثە دۇغورمايان، اۆزۈ دە چۇخ كىگىن شىكلدە تظاهر ائدن، بو سىبدن دە شىبە دۇغورمايان فاكت كىمى قبول ائدەبىلىرىك. بئىلەلىكلە، كاراكتىرىن بو ارثى اساسى، باشقا مقالەدە گۇستردىگىمىز كىمى، انسانىن وقت اۆتدو كجە بۆتون كاراكتىرىنى تشكىل ائدن ان محكم خصوصىتە چئورىلىر. آنادان گلمە مىل لرىمىزە اوغون گلن شئىي آسانلىقلا و محكم منىمسەبىلىرىك، بو اساسلاردا ضد اۆلان و يا اۆنلاردا ياد اۆلان شئىي چتىنلىكىلە اۆىرنىب، ضعيف ياددا ساخلايىب و يالنىز اوزون سەي لردن سۇنرا اۆز دۇغما كاراكتىرىمىزە چئورەبىلىرىك. بورادان آيدىن اولور كى، اگر اوشاغىن دانىشماغا باشلايدىغى دىل اۆنون آنادان گلمە كاركتىرنە ضد دىرسە، بو دىل ھىچ وقت اۆنون معنوى انكشافىنا آنا دىلى قدر گۆجلو تائىر گۇستربىلىمىز، ھىچ وقت اۆنون معنوى انكشافىنا آنا دىلى قدر گۆجلو تائىر گۇستربىلىمىز، ھىچ وقت اۆنون روخونا و بدىنە بو قدر درىن كۆك سالابىلىمىز، ھىچ وقت اۆنون زنگىن و ھر طرفلى انكشافىنا كمك ائدە بىلەجك قدر درىن و ساغلام كۆك سالابىلىمىز.

لاكن بو آزدىر. يوخارىدا گۆردويوموز كىمى، خلقىن دىلى، وطنى و معنوى حىياتى تام عكس ائتدىرىر، عىن زماندا اۆ، اوشاغى احاطە ائدن محىطىن و حىياتىن شرحچىسى دىر. اوشاغىن آنا دىلىنى عوض ائدن دىل اۆنا يابانجى محىطى و حىياتى تىلىغ ائدندە نە باش وئرىر؟ ھىچ نە، يالنىز اوشاغىن چۇخ چتىن، كۆت بئىن اۆلماسى، طبعىتىن و حىياتىن درىنلىگىنە جزئى شىكىلدە وورماسىندان باشقا ھىچ نە! باشقا سۆزلە، اۆ، داھا لنگ و داھا ضعيف اۆلور.

فرانسانىن و اينگىلىترەنىن طبعىتىنى روسيادا ياراتماق اۆلماز، يوخ، اگر اۆز ائويندە حىياتا ضد محىط ياراتماق مەمكىن سە، بو و محىط نە قدر مسكىن، نە قدر جلىز

اۇلار، ھەر آددىمدا ئۇندا دېيىشكە كىلىكەر، ئۇنۇن آراسىندا بىزىم ملىتىمىز بۇيلانىر، بونو دا باشا دۆشمك و افادە ائتمك اۇچون اوشاق آنا دىلىندە اولمادىغىنا گۇرە باشا دۆشوب افادە ائدە بىلىمىر.

خارجدن دايەلر و نەلەر، قوونئرلر، قوونئرانن قادينلار، حتى خادىملر گتىردىرىدىلر، آتا- آنا بىر كلمەدە اولسون روسجا دانىشمىر، بىر سۇزلە ئودە بىر تىكە فرانس، اينگىلترە و يا آلمانىا، بعضناً دە بىر تىكە اوندان، بوندان بىر آز دا اۇچونجودن يارادىلار. آنجاق بونلار نە قدر مسكىن دىر، نە قدر مختلف ملتلرېن پارچالارېن بى آبىر جاسىنا قارىشى دىر! اۇز ملى مارقلارىندان آىرى دۆشموش بو شىخصلر نە بى و نئجە اۇىردىرلر؟ بوچۇر مسكىن صئعى آتموسفرلە سۇنسوز درېن و قىدا وئرىجى خلق آتموسفرىنى عوض ائتمە يە چالشىرلار. آنا و آتا فرانسىزجا، آلمانجا، انگلىسىجە دانىشىرلار، اۇزۇ دە چۇخ سلىس دانىشىرلار، اۇنلار اينانىرلامى كى، بو دىللىرى اۇز اۇلكەلرىندە بۇيوموش فرانسىز، آلمان و يا اينگلىس كىمى دانىشىرلار؟ يۇخ، اگر پوشكىن روس دىلىنى مۇسقىۋا كلىسە خادىملرېندن اۇىرنىبسە، بىزىم فداكار فرانسىزلار و آلمانلار دا فرانسىز و آلمان كندلىلرېندن اۇىرنمە يە شى تاپابىلر. بىز دىل داخلىندە فعالىتدە اولوروق، لاکن ھىچ وقت اۇنۇن مېن ايللرېن داوامى اۇلاراق ھىمشە جوان حىاتى و قوۋە قايناقلارىنا باش وورمامىشىق و وورا دا بىلمرىك، ھىمىن قايناقلار اۇزۇندە وطنىن طبعىتىنى، خلقىن معنوى و ھىمشە يانار حىاتىنى عكس ائتىدىرىن بو خلق درياسىنى قۇروماغا و لىلنمە يە قۇىمور. بس حىاتىن بۇتون وضعىتى، بس دىن، انسانلارنا مناسبت، حسلر، آنلايشلار؟

بىز ھىچ وقت حىاتىمىزېن بۇتون ساحەسىنى دېيىشە بىلمرىك كى، اۇنۇن آراسىندان ملىتىمىز و ياشادىغىمىز خلق آتموسفرى گۇرنمەسىن. دئمك اوشاغىن آنا دىلىنى اجنبى دىل ایلە عوض ائتمكە ياشايا- ياشايا بىز ھر دفعە اۇنا حقىقى و زنگىن بولاق عوضىنە و ساختا و كاسىب بىر قايناق تقدىم ائتمىش اولوروق.

فرض ائدك كى، ھر ھانسى بىر وارلى آدم فرانسىن و يا اينگىلترەن بىر پارچاسىنى اۇز ائويندە يارادا بىلدى، ئودە بۇتون شرايط، حىات بورادا دانىشىلان دىلېن كاراكتىرنە اويغون گلېر، حتى فرض ائدك كى، قاچىلماز اۇلاراق بو ئودە ياشايانلارېن دىنى ھىمىن دىلە اويغون گلېر، اۇندا دنىادا بو جور ھفتى بئجاردان پىس اۇلان

پراووسلاو ایکی اۆزلولویون فرانسیز شیوه سیله عیبه جر قاریشیغی یۆخدور، فرض ائدک کی، بیز سۆزله، بو خوشبخت غایله لردن اولان اوشاقلار فرانسادا فرانسیز عایله لرینده و یا اینگیلترده اینگیلیس عایله لرینده اولدوغو کیمی انکشاف ائدیرلر، اوندان نه اولار؟ تکجه اوشاغین دیل ایله بیرلیکده اۆزونه فرانسیز و یا اینگیلیس کاراکترینی آشیلاماقدان و والدین لرین شیلتاق لیغی ایله، مودانین (mode) آخماق طلبی ایله خلقین زنگین معنوی ارثی نین اۆزونه چاتان حصه سیندن، او حصه دن کی، وطنه و خلقینه اۆولاد ائتمیشدیر. امتناعدان باشقا هئچ نه دئییلدیر. قوی او، سؤنرا خارجی دیل کیمی روسجا دانیشماغی اۆیرنسن، بو هئچ وقت اۆنون قلبیندن ایلك بئشیکده آلدیغی تاآثرات لاری سیله بیلمز. اۆنون دانیشدیغی دیلین و بو دیلی یارادان خلقین روحو اوشاغین قلبینده درین کۆک سالیر، اۆنون قانینا و جانینا هۆیور، خلقین دیلی اۆز موقعینی (دورومونو) تاپیر و یاد کۆکلری قۇپاریب آتمیر، چۆنکی عادی پسیکولوژی قانونا اساساً اۆزونه بیرینجی یئر تاپان هر بیر تاآثرات بۆتون سؤنراکی لاردان درینده اولور. بو یۆل لا تربیه آلمیش انسانین حیاتا قدم قۇیاندان اۆزونون کۆکلرین آراسیندا یاد اولماغی، اۆز کیمی بدبخت لرین آراسیندا اولارین یاراتدیغی و صنعی شرایطده یاشایاراق، بلکه ده بو حیاتدا پاریلدا یا جاغی، لکن همیشه خلقه یابانجی قالا جاغی و اۆنون اۆز قانیک حیاتینا بیر ذره ده خیر و ثرمه یه جه یی تعجبلو دورمو؟ بئله آدامین ادبیات و دولت فعالیتی ساحه سینده ایشلری اجنبی بزهی ایله دامغالانا جاقسا و خلقین خۇشونا گلمه یه جکسه، اۆنون بۇینوندا آغیر یۆک کیمی قالارسا و یا هئچ کیمه لازیم اولمایان و باشا دۆشولمه - ین شئی کیمی رد اولونارسا، بورادا تعجبلو نه وارکی؟ بوجۆر تربیه آلمیش آدام خلق ارثینه هئچ بیر شئی وئره بیلمه یه جک، اجنبینی اۆز خلقی نین مالی ائده بیلمیرسه، هئچ وقت باشا دۆشمورسه و خلق طرفیندن آنلاشیلیمیرسا، جمعیتین و خلقین یاراماز عضو، بعضاً ان آغیر یۆک کیمی قالیرسا، اۆزونه وطنپرور ماسکاسینی نئجه تر تۆکه - تۆکه گئیسه بئله، وطنسیز یازیق کیمی گۆرونورسه، بورادا تعجبلو نه وارکی؟

داها پیس اودور کی، اوشاق عین زماندا بیر نئجه دیلده دانیشماغا باشلا ییر و نتیجه ده اولارین هئچ بیر اۆنون اۆچون طبیعی دیل یئرینی توتابیلیمیر. اوشاغین انکشافیندا انا دیلی نین اهمیتی نین بیز ایضاح ائده بلیریک، لکن هئچ بیر اۆنون دؤغما آدلاندریا بیلمه یه جه یی دیل لرین اوشاقلیقدا بوجۆر چارپازلاشماسی نین (توققوشماسی -

نېن) نە كىمى نتيجهلەر وئرهجه يىنى اىضاح ائتمه يە احتياج يوخدو. اؤزلويونده آيدىن- دىر كى، بئله چارپازلاشمادا انسان جمعيتى نېن ان بؤيوك مرشدى اولان دىل، دئمك اولار كى، اوشاغىن انكشافىنا تاثير گؤسترمه يه جك، آنجاق بو پئداقوقون (دىلىن) كمگى اولمادان هئچ بىر پداقوق بىر شئى ائده بىلمز. بىز بوچؤر تربيه آلمىش اوشاقلارى گؤرموشوك. اولنار يا تام، هرچؤر كاراكتردن حتى ان آز انكشاف ائتمىش آداملارداكى هرچؤر يارادىجى قوه دن محروم اولموش، لاكلن تربيه سى پوزولمايان كؤت بئىين لردىر، اولنارى خلاص ائدىجى عبرت درسى اؤچون جمعيته نمونه گؤسترمه يه دىردى. يازىق اوشاقلار، چؤخ قايقى كىش والدىن لر ينىز سىزى نئجه دهشتلى اولومه محكوم ائدىبلر: اولنار نە اينكى سىزى وطنداش كاراكترىندن، پونزىدان، معنوى حياتدان محروم ائدىب، اوزونو گؤلونج وضعيته سالماق اؤچون، مودانىن قربانى اولماقلا، خلق حياتىندا بؤتون محصولدار فعاليتدن كؤنوللو شكلده امتناع ائدن جمعيته ايلنجه وئرمك اؤچون اويونجاقلارا چئور يلىبلر. بونون هامىسى نەدن و نە اؤچون ائدىلير؟

خارجى دىللىرى مختلف باخىمدان اؤيرنمك اولار:

بىرىنجى سى، دىلى اؤيرنىلن خلقىن ادبىياتى ايله تانىش اولماق مقصدى ايله، ايكىنجى سى، عاغلىن منطقى انكشافىنا امكان وئرمك اؤچون. چؤنكى هر بىر يئنى دىلى منىمسەمك، بو معنادا عقلى مشغوليت اؤچون ان ياخشى واسطه دىر، خصوصيله بو دىل روم و يونانىستاندا اولدوغو كىمى اورقانىك جهتدن انكشاف ائدىب سە، اؤچونجوسو، خارجى دىل لر شفاهى و يازىلى شكلده دىلىنى اؤيرندىيىمىز ملتىن نماينده لربله علاقه يه گىرمك اؤچون واسطه دىر و نهايت دؤردونجوسو، پراكتىك جهتدن همىن خارجى دىل لردن استفاده ائدىب و اؤز هموطن لرىمىزله دانىشماق و يازىشماق اؤچون.

دىله باشقا خلقىن اؤز زنگىن ليگى نېن آچارى كىمى ياناشان بىرىنجى حالين زنگىن و مھم نتيجهلر الدهه ائتىدىگى شېهه دؤغورمور، آنجاق آخىرىنجى نېن معناسىز، بوش شئى اولدوغو دا شېهه سىزدىر، چؤنكى بورادا بىر غرىبه و وحشى بىر مودانىن طلبىنى يئرىنه يئتىرمىش اولوروق، اؤز هموطن لرىمىزله خارجى دىلده دانىشىرىق، عىن زماندا معلومدور كى، محض يئنى خارجى دىل لرىن اؤيرنىلمە سىندە آخىرىنجى غرىبه و يابانجى مقصد بىزىم اكثر ساوادلى لارىمىزدا، همچىن بىر چؤخ مکتبىمىزده

اۋزونه يئر توتوب و بو مقصدە نائل اولماق اۋچون حاضردا ان چۇخ «پاپاشا» و «ماماشا» لاريميز، اينستيتوت و پانسيونلاريميز چاليشيرلار.

خارجى دىل لرى اۋيرننده بيزى عقلى ژيمناستيك ماراقلانديرىسا، و اۋندا لاتين و يونان دىل لرىنى اۋيرنمەلى يېك، بيزى غرب خلقلرى نين زنگين حياتى ماراقلانديرىسا، اينگليس و آلمان دىل لرىنە اۋستونلوک و ئرمەلى يېك. بيز ايسە داها چۇخ فرانسىز دىلينە و اۋنون نىسبتاً كاسيب و باشقالارى ايله مقايسەدە روحاً داها چۇخ يابانجى اۋلان ادبىياتىنا جان آتيريق. بيزيم دېدە اۋلان مکتب لرىمىزدە فرانسىز ادبىياتى اۋيرنيليرسە، بو دىلدە داها چۇخ پراكتيكا الدە ائتمك، همچنين اساس مقصدىن بۇشلوغونو و معناسىز اولدوغونو قىسماً اۋرت- باسدیر ائتمك اۋچون ائدیلير. بو و يا ديگر خارجى دىلى هانسى مقصدلە اۋيرنمە يېمىز چۇخ واجيبدير، چۈنكى اۋ، دىل اۋير- نمەنين مئتودونو معيتلشديرير. خارجى دىلى خلقين ادبىياتىنا بير اچار كىمى اۋير- ندىكدە، اساس دقت يازيچى لارين اۋخونماسينا يۇنلير. دىل عقلى ژيمناستيك كىمى اۋيرنيليرسە، دىل اۋيرنمەنى اساسن دىلين منطقينه يۇنلديرلر و ادبىياتدان بۇيوك نمونەلر يامسىلاماقلار عقلى مشق ائتمەيه مجبور ائدیليرلر. دىلە پراكتيك جهتدن يېيە- لنمك ايسته ييريكسە، اۋندا بۆتون دقتيمىز مضمونا دئييل، پراكتيك ورديش لرين الدە ائدىلمە سينە، دۆزگۆن دانىشماغا، قيراماتيك جهتدن دۆزگۆنلويه، افادەلرين چئويكلييىنە و عمومى ايشلكلييىنە يۇنلدىلمەلى دير. دىل اۋيرنمەنين مقصدىندن آسىلى اۋلاراق، معلمى، درسلييى و اوشاغا خارجى دىلى نە وقت اۋيردە جه يېمىزى سئچيريك.

دىل اۋيرنمە ادبىياتا و منطقە يېيە لنمك مقصدى گۆدورسە، اۋندا اثركن ياشلاردان اوشاغين اۋز آنا دىلىنى تام اۋيرتمەدن باشلاماغا احتياج يۇخدور، بو اصليندە ضرر گتيرر. اگر بيز دانىشيق دىلىنى اۋيرنمگى قارشىمىزدا مقصد قويموشوقسا، و آن چۇخ دانىشيقىمىزىن تمىزلييىنە چاليشيريقسا، اوشاغا فرانسىزجا دانىشماغى مجبور ائتمە يېمىز آيدىن دير. چاليشمالى ييق كى، بيزيم دۇغما دىلیمىز اۋنا دانىشماغا مانع اولماسين، بورادان دا فرانسىز تربيه چىلرىنى و قۇوئرئئرلرىنى توتماغىمىزىن مقصدى آيدىنلاشير، روس دىلى ايله ياناشى مکتبىن ايلك صىنيفلرىندين فرانسىز دىلىنى اۋيرنمك طلبى و ساير آيدىن اولور. فرانسىز دىلىنى مکتب لرىمىزدە و خصوصيله قادىن

مكتبلىرىدە ادبىيات و يا عقلى انكشاف خاطرینه اۇيرنىلمەدىيى يقين كى، ھىچ كسدە شېھە يئرى دۇغورمور. بىر باخىن، بو مكتبلىرىن تربىھەچىلىرى اوشاقلارا فرانسىز ادبىياتىندان ھىچ بىر شئى وئره بىلمىرلر و اۇنلار عادتاً مختلف مۇلفلردن پارچالار تۇپلانمىش، اكثرأ اهمىتىنى ايتىرمىش و يالنيز سۇز گۇلشدىرمك خاطرینه، ترتيب اولونموش عادى مسكىن منتخباتلار تكليف اندىرلر. دۇغوردان دا، اۇغلانلار وولترى، روسونو، ھوقونو (آلكساندر) دومانى، برانژنى توصيه ائتمك اولارمى؟ ھم والدىن لىرمىز، ھم دە تربىھەچىلىرىمىز ناراضى قالاردىلار كى مكتبلىرىمىزدە تربىھە آلان اۇغلان و اۇغلانلار دىل ايلە ياناشى فرانسىز ادبىياتىنىن ياخشى نمونەلىرىنىن فكر و روھونو منىمسەسىنلر محض بوناگۇرە دە عادتاً اۇغلانى عىبەجر كۇرنل، راسىن اوپرازلارى و مولىئرىن كىچىك پارچالارى ايلە تانىش ائدەرك اۇنلار ان چۇخو اورتاباب اثرلىرى تقدىم اندىرلر كى، بونلار دا حقيقى تىمىز حسلر كىمى فكر آزدىر، سۇنرا دا اۇنلاردان اساساً بىزىم ماغازالارىمىزى، تأسف كى، قادينلارىمىزىن كىتابخانالارىنى دۇلدوران فرانسىز ادبىياتىنىن جلب اندىجى اثرلىرىنى گىزلەدىرلر، بو عجابى تربىھە ايشىندە نە قدر يازىق، گۇلمەلى، نە قدر آز دۇشونولموش، درىندن حس اولونان جھتلىر وار.

وضعيت آلمان دىلىندە دە عىنى ايلە بئلەدىر، آنجاق آلمان دىلى ايكىنچى سىرادا دورور. اۇناگۇرە دە اۇنون اۇيرنىلمەسى نتيجهلىرى داھا آجىناجاقلى دىر. بىر نىچە عمومى ايشلك افادەلىرىنى بىرلشدىرمەيى سھوسىز بىر قىد يازماغى باجاران، دىدە اولان مكتبلىرىمىزدە تحصيل آلان اۇغلان و اۇغلانلار امتحاندا گۇتەنى، شىللىرى، لئسىنگى گۇجلو تنقىد آتشىنە توتوب، ھىبىلونقلار و ساير حقىندە دانىشىر، معلم-لىرىندن انشىتدىكلرى ھر شئى طوطو قوشو كىمى تكرر اندىرلر، لاکن شىللىردن، بىز ھلە گۇتەنى دنمىرىك، بۇتۇو بىر صحىفەنى باشا دۇشمورلر، اۇدور كى، آلمان ادبىياتى- ايلە مشغول اولماغا اۇنلاردا نە ھوس، نەدە امكان اولور. روس جمعيتلىرىندە آلمان دىلى اۇيرنىلمەدىيىندىن، ايشلنمەدىيىندىن بو دىلىن اوزون- اوزادى اۇيرنىلمەسى چۇخ گۇزل بھرە وئرىر، جوان اۇغلان و يا قىز آلمان چۇركچىلىرى و چكەچىلىرى ايلە دانىشابىلىر، خارجه گىتدىكدە ايسە عىنى ايلە اۇنون كىمى بلکہ دە اۇندان ياخشى اۇچ و يا دۇرد اروپا دىلىندە دانىشابىلن ھر ھانسى بىر مھمانخانا كىلنىرىنى (نظافتچى- سىنى) اۇز آلمان دانىشىغى ايلە واله ائتمك امكانى الدە اندىر.

اگر خارجى ديلىرى اۋيرنمەنن بو گۈزل بەرەلرى ان ياخشى جوانلىق ايللىرى حسابىنا، تحصيل وقتىنن چۈخ حصەسىنى توتماق، انا دىلى ايله مشغول اۋلماقدان محرومىتلىرى باھاسىنا باشا گلەسەيدى. «انا دىلىندە دانىشان لار جزالاندىرىلر و يا جريمە اۋلونور، ائلبىل نەسە نالايق سۇز ايشلەيدىر. نەسە آخماق ايش گۇروب». بۇتون بونلار كدر دۇغورماسايدى گۈلمەلى گۇرونردى. اوشاق اۋز روحنا اويغون دانىشماغا جان آتير، بو اۋنا چۈخ آسان گلير، اۋنون انكشافىنا شرايط يارادير. آنجاق تربىەچى دئير: اۋلماز- بو اۋنون معنوى انكشافىنى نە اينكى لنگيدير، حتى اۋنو انكشافتان ساخلاير و بو دا سۇسوز اۋنون بۇتون انكشافىنن حياتىنا اۋز تائيرىنى گۇسترير. عاغلىن و حسىن كۇتليو، داخلى، صميميتىن و پوئزيانين اۋلماماسى، فيرازانين فكره آغالىق ائتمەسى- بودور تربىە قايفىسىنن نتيجهلرى.

البتە، تعجبلى اۋلسا دا بير شئى آيدىن دير كى، خارجى ادبىياتلا بيزدە اۋ اداملار مشغول اۋلورلار كى، اۋنلار اۋزلىرى خارجى ديلىرى اۋيرنيرلر، هر هانسى بير گىمنازىست و يا سمينارىست فرانسىزجا قىمىلداسا، هئچ بير فرانسىز اۋنون نە دئمك اىستەدییىنى باشا دۇشمز. روسيانى اينگلىس ادبىياتى خزىنەسىلە آز- چۈخ تانىش ائدن اينگلىسجەدن ترجمه ائندىلریمىزىن چۇخو بو دىلدە نە اىنكى اۋن سۇزو بير- بيرىنە جالایا بىلير، حتى سئودىكلرى و درىندن باشا دۇشودوكلرى مۇلفدن بيرجە سطرى بركدن اۋخويا بىلسەرلر، اۋنلارین اۋزلىرى، فكرىمىزجە، چىخاردىقلارى يابانى سسدن قۇرخويا دۇشرلر. البتە، بير فۇرمايا بوچۇر تام بىگانە قالماغا حق قازاندىرميرىق، چۇنكى دىلین بير خصوصيت و گۇزلىگى سسلرین اۋزونده گىزلىنير، آنجاق آچىق اعتراف ائدك كى، سئچكى قارشىسىندا قالدىقدا، باشقالارنا تعجبلى گۇرونسە دە، هر حالدا قۇزون لپەسىنى (ايچىنى) قابىغىندان اۋستون توتاردىق. اگر اوشاق ياشلاریندان چتىنلىك چكمەدن بير نچە دىل اۋيرنن هر بير كس اۋز بىلىك لرىندىن آز استفادە ائدىرسە، بونون اساس سببلرىندىن بيرى انا دىلىنن اۋنون معنوى انكشافىنا كفايت قدر تائير گۇستره بىلمەسەيدىر. بو يۇلا خارجى دىلى اۋيرنمك آدمى مدنى ائتمير ...

لاكىن اومود ائدىرىك كى، دئىلنلردن هئچ كس ائلە نتيجه چىخارماز كى، بىز، عمومىتلە، خارجى ديلىلرین اۋيرتيلمەسىنن علئيهينه چىخىرىق، عكسىنە،

سوادلى آدمالارین يئتیشمه سینده خصوصيله بیزیم روسیادا بونو واجب حساب اندیریک. داها قطعی دئسک، أوروبا دیل لرینی، خصوصاً معاصر دیل لر ی بيلمک روسلارا تام، سربست و هر طرفلی انکشاف اؤچون امکان وئریر، بونلارسیز اؤنلارین علمه بیر باشا گئنیش یولو همیشه لیک باغلی دیر. غرب علمی و مدنیته خزینه سینده آچار تاپایلمه یین آداما معلومات و آنلایشلارین یاریمچیلیغی، قارانیق قالماسی، ناتماملیغی، بیر طرفلی لیبی و ثبوت اؤلونمازلیغی همیشه آغیر یۆک اولوب بؤینوندان آشاغی باساجقدیر. بیز نه اینکی دیلچی لیبین علئیهینه چیخیش اندیریک، عکسینه، بئله حساب اندیریک کی، تدریس موسسه لریمزده دیلچی لیک هله ده لازیمی سویته ده دئییلدیر، نه اینکی گیمنازیالار، سمیناریالار و تدریس کورپوس لاریندا، حتی، بیر و یا ایکی خارجی دیلده پراکتیک جهتدن یاخشی دانیشماغی باجاران گنج لرین اؤخودوقلاری تکنیکوم و اینستیتوتلاردا دیلچی لیک هله ده لازیمی انکشاف سویته-سینه چاتماییب. حساب اندیریک کی، تدریسین تکمیل لشمه سینده جان آتان بۆتون مکتبلرده اینگلیس، آلمان و فرانسیر دیل لرینه برابر سویته ده اؤیرتیلمه لی دیر. بیز عین زماندا آشاغیداکی لاری واجب ساییریق.

۱- هر بیر اجنبی دیلی اؤیرتمکده اساس مقصد ادبیاتلا تانیش اؤلماقدیر، سؤنرا عقلی ژیمناستیک و نهایت، اگر امکان وارسا اؤیرتیلن دیله پراکتیک جهتدن بییه لنمک دیر، بیزده ایسه ایش تمام عکس استقامتده گئدیر.

۲- خارجی دیل لر ی اؤیرنمک هئچ وقت اثرکن وقتدن باشلانمالمالی دیر و آنا دیلی نین اوشاغین معنوی دنیا سینا درین کۆک سالدیغینی حس ائتمه ینه قدر هئچ وقت بو ایشه باشلاماق اولماز. بعضی اوشاقلار خارجی دیلی ۷ و یا ۸ یاشیندان (آنجاق هئچ وقت بوندان تئز اولایلمز) باشقالارینا ایسه ۱۰ و ۱۲ یاشیندان اؤیرتمه یه باشلامالی بیق، حددن آرتیق ضعیف درک ائتمه قابلیته اؤلان اوشاقلارا هئچ خارجی دیلی اؤیرتمک لازیم دئییل، خارجی دیل اؤنون اؤنسوز دا ضعیف انکشاف ائتمیش قابلیته یینی تاماميله محو ائده بیلر. یاخشی اولمازمی کی، انسان باشقا دیلده اؤزونون سؤن درجه سفیه لیبینی گؤسترینجه، اؤز آنا دیلینده فکرینی دؤز- عمللی افاده ائتسین؟ بیلیریک کی، فرانسیر دیلی قسماً آدامین گیج لیبینی گیزله دیر، اؤنا عاغلی نمایش ائتدیرمه یه، چئویک و کسگین افاده لرله دانیشماغا امکان وئریر. آنجاق بو جنابی روسجا

دانیشیدردیقا، او ساعات آیدین اولور کی، او نه قدر سفیه دیر، آنجاق بو قیلدن اولان تربیه مقصدلری پئداقویکایا عاید دئییلدیر.

۳- خارجی دیل لری هئچ وقت عین وقتده یوخ، بیر- بیرینین آردینجا اؤیر- نمک لازیمدیر، بو دا دیل حقیقنده ایره لی ده انکشاف ائتدیردیییمیز آنلایشدان ایره لی گلیر.

بیرینجی خارج دیلده سربست دانیشیغا بییه لندیکن سوئرا، اوشاق ایکنجی- نین اؤیرتیلمه سینه باشلاپایلر. نظامنامه لرده سیستملیگه جان آتماق مکتب لریمیزین اکثریتینده عین وقتده، تامامیله پارالل شکلده گئدن ایکی خارجی دیل اؤیرتمه ثیه اساس وئریب لکن نتیجه لر چوخ آجینا جاقلی دیر.

ایکی دووشان دالینجا قاچان، عادتاً هئچ بیرینی توتا بیلمز، اوشاق مکتبی هر ایکی دیلده بیر نچه قیراماتیک فورما و بیر نچه یۆز سۆز بیلمله بیتیریر. بو بیلک لر اؤنلارین نه یینه گرک اولور کی، آدام بو دیلده هئچ اولماسا سربست اؤخوسون، عکس تقدیرده بو تامامیله معناسیز بیر شئی دیر.

ایندی بو یا دیگر مکتبه ایکی خارجی دیلی یاخشی اؤیرتمک اؤچون وسایط یؤخدورسا، یاخشی اولمازمی کی، بیز تکجه آلمان دیلی ایله کفایتلنک، ایکی دیلدن هئچ بیرینی بیلمه مکدنسه، بیرینی یاخشی اؤیرتک؟ گؤروندیو کیمی، حقیقت گؤز قاباغیندادیر، آنجاق عبث یئره دؤرد ایل عرضینده بیز بونو پئداقوقا ایضاح ائتمه یه چالیشدیق، اونا گؤره ده، قوی اؤخوجو بیزی باغیشلا سین، بورادا آیدین بیر حقیقتی سؤیله مه یی قرارا آلدیق.

۴- بو و یا دیگر خارجی دیلین اؤیرنیلمه سی امکان داخلینده سرعتله گئتمه- لی دیر، چؤنکی بورادا اؤنوتمانی خبردار ائدن آرا کسپلیمز مشغله لر و تکرارلار قدر هئچ بیر شئی اولابیلمز.

بیزده تئز- تئز مشاهده اولونان هفته ده ایکی ساعتلیک آلمان و ایکی ساعتلیک فرانسیز دیلی درس لری، بونلاری تعیین ائدن لرین قطعی پئداقووی سوادلاری نین اولمادیغینی گؤستریر. اگر اوشاقلاریمیزین دیل اؤیرتمه سینده یاخشی نتیجه لر الده ائتمک ایسته بیریکسه، وقتی بوش- بوشونا کئچیرمک ایسته میریکسه اجنبی دیل لره هفته ده ایکی یوخ، حتی دؤرد یوخ، آلتی، یئددی، سگیز ساعت

آيىرمالى يىق. هر بير اجنبى دىلىن اۋىرتىلمەسىندە ايلكىن مرحلە چۇخ دارىخدىرىجى و چتىندىر، بونلارى اوشاق امكان داخلىندە تئز آرادان قالدىرمالى دىر. اۋ، آز- ماز بير شئى باشا دۆشندە، آسان شئى لرى بير تەر اۋلسا دا اۋخوماغا باشلاياندا، مشغله اۋنون اۋچون مارقلى اۋلور، اۋندا آرتىق اوشاق اولدە اتتىدىي بىلىكلرى آرتىرماق و انكشاف اتتىدىرمك اۋچون او قدر دە وقت صرف اندىب سعى گۇسترمىز. محض اۋندا غىبطە دۇغوران ايكىنجى دىلىن اۋىرتىلمەسىنە باشلاماق اۋلار. خارجدە هميشە بئله اۋلور. اۋرادا دىل اۋىرنمك ايله، نه اينكى وئرىلن پروقرامى يئرىنە يئتىرمك، هم دە معىن مقصدە نايل اۋلماق اىستەيىرلر. بىزىم بير سىرا مکتبلىرىمىزدە يئددى و سگگىز ياشلى اوشاقلارن فرانسىز و آلمان دىللىرىندە ايندى يە قدر فعلىن تصريفىنى اۋىرنمە- لرىندن دە گۆلمەلى، معناسىز و منطقسىز نه اۋلار بىلر؟

۵- اوشاقلا نئجە غىبطە اندىجى بير طرزده،- خارجى دىل اۋىرتمك اۋچون مشغول اۋلوروقسا، ائله جە دە آنا دىلىنى اۋىركندە حركت ائتمەلى يىك.

بونولا خارجى دىل درسلىرىندە ايلك مشغله لردە چالشماسى ايله اوشاغىن معنوى انكشافى اۋچون يارانا بىلەجك قاچىلماز ضررى كئار ائتمك اۋلار. اوشاق خارجى دىلدە چتىن اۋلمايان بير شئى كفايت قدر سربست شكلدە باشا دۆشمك امكانى الدە اتتىكدە، او ساعت بو بىلىكدن خارجى دىلدىن روس دىلىنە ترجمەدە روس دىلى معلمى نىن رهبرىيى آلتىندا آنا دىلىنى اۋىرتمك اۋچون استفادە ائتمەلى دىر، خلق ادبىياتىندان، خلق ماهنى لارىندان، خلق يازىچى لارى نىن يارادىجى ليغىندان، جانلى دانىشىقدان روس دىلى نىن اۋىرتىلمەسى ايسە يابانى ائلمئنتلرە قارشى دورمالى و اۋنلارى روس روخونا چئویرمەلى دىر.

بىزە اعتراض اندىب دئيه بىلىرلر، بئله اۋلدوقدا اوشاقلار هئچ وقت گۆزل سلىس فرانسىز دانىشىق طرزىنە يىپه لنه بىلمز، نئجە كى، اۋنلار بونو، غىرى دىلى اۋز آنا دىلى كىمى حتى اۋندان دا قاباق اۋىرتىركن الدە اندىرلر. بو مباحثە اۋلونماز حقيقت- دىر. كىمىن اۋچون سە اوشاقلارن دۆزگۆن عقلى انكشافى، معنوى حياتى نىن بۆتۈلۈيۈ، اۋرىيندە فكرىن، حسىن و پوئىزىانن انكشافى، اۋنون مليتى، وطنە خىر وئرمك يارارلىغى، اخلاقى و حتى دىنى، ياخشى پارىس لهجەسىندە دانىشماقلا مقايىسەدە هئچ نە دىرسە، اۋندا بىزىم مقالهنى اۋخوماغا ناحق يئره جەد گۇستىرىلر.

مقاله نى ترجمه ائدن پروفئسور «فخرالدين و. يادگار» اۋزو دنيا شهرتلى ديلچى عاليم و ژرمانىست دير. ۷۸ - ۱۹۷۷ - جى ايل لرده برلين ده «هومبولت» اۋنيوئرسىتتئىنده «معاصر آلمان ديلينده صايت فونئملرين وارياتىولى» آدلى دكتورلوق رساله سىنى تامملايىب، اۋنو لىنىگراددا اوغورلا مدافعه ائديب و ژرمانىستكا اۋزره ايلك فيلولوژى علم لرى دكتورو اۋلموش دور. ۱۹۸۰ - جى ايلدن پروفسوردور. چۈخلو كتاب و دنيانين مختلف علمى ژورنال لاريندا چاپ اۋلموش ۵۰ - دن آرتيق مقاله و رساله لرين مولفى دير.

SIYASI- ƏXLAQIN FUNKSIONAL PRINSİPLƏRİ

Roşən Roşenzadə○

AMEM-nın Fəlsəfə, Sosiologiya və Hüquq İnstitutu Politologiya və siyasi sosiologiya şöbəsinin doktorantı

Açar sözlər: əxlaq, siyasi əxlaq, prinsiplər.

I. Siyasi inam və dövlət maraqlarının qorunması siyasi əxlaqın ən mühüm prinsiplərindəndir. Bütövlükdə insan həyatının əsas stimulu sayılan inam həm də ictimai həyatın, xüsusən də demokratiyanın zəruri perspektividir. Ona görə də siyasi inam ictimai-siyasi rəy kimi dövlətin durumunu müəyyənləşdirir, siyasi sistemin fəaliyyətini qiymətləndirir, idealların qorunmasında və hakimiyyətə münasibətdə sosial-psixoloji təəssürat yaradır, vətəndaşlıq mövqeyini gücləndirir, dövlətin marağını, mənafeyini hakimiyyətin bürokrat maraqlarından və kontekstdəki mümkün təzyiqlərdən qoruyur. Corc Vaşinqton öz "Vida müraciəti"ndə demişdir: " Dövlət özündə güc və təhlükəsizliyi birləşdirir, fəaliyyətini yaxşılaşdırmaq haqqında müddəaları daşıyır. Onun hakimiyyətini tanımaq qanunlarına tabe olmaq və onun hərəkətləri ilə razılaşmaq ümumi borcumuzdur və bu vəzifə həqiqi azadlığın tələblərindən irəli gəlir. Qüvvədə olan konstitusiya - xalqın iradəsi ilə dəyişdirilənədək hamı üçün müqəddəsdir. Xalqın dövlət yaratmaq hüququ haqqında ideyanın özü hər vətəndaşın yaradılmış dövlətə tabe olmaq vəzifəsinin ehtiva edir(1, ۳۳۴).

II. Siyasi borc və məsuliyyət Aristotelin əsərlərində "Könüllülük" prinsipləri kimi göstərilmişdir. O, insanın davranışlarının, hərəkətlərinin ümumiyyətlə, bütün əməllərinin könüllü olduğuna görə məsuliyyət daşmasına dair geniş və izahlı şəkildə mülahizələr irəli sürmüşdür. Hətta vurğulanmışdır ki, "şərab içənlər cəzalandırılmalıdırlar, həm də ona görə ki onlar bu hərəkəti istəyərək edirlər.(۲, ۲۷۰

Subyektiv xarakterə malik siyasi məsuliyyət şəxsiyyətin əsasən ailə, ictimai mühit və dövlət qarşısında təcəbilyi, onun fəaliyyətində qanunlarla müəyyənləşdirilmiş normativlərə münasibəti ilə şərtlənir. bu prinsipə açıq cəmiyyətdə mümkündür: "Açıq cəmiyyətin məğzi təfəkkürdə və əməldə, fərdlərdə və bütöv toplumda, vətəndaşlarda və dövləti idarə edənlərdə yüksək məsuliyyət hissini yəni vicdanın olmasından ibarətdir. Məsuliyyət və vicdan cəhətdən kasıblaşan cəmiyyət get- gedə heyvaniləşər , ağa qara, qaraya ağ deməyə vərmiş edər, riyakarlıq, yalan, məddahlıq, əxlaqsızlıq gölməçəsinə çevrilər, bir qrup harınlamış mənəb sahiblərinin talançılığına , qəddarlığına düçar olar" (۳, ۸۳). *Siyasi məsuliyyət siyasi subyektin sosial-mənəvi səviyyəsindən asılı olaraq siyasi obyekt sisteminə münasibətində ziddiyyətin qarşıya çıxardığı hər hansı hadisədə onun mənəviyyatında baş verən elə mücərrəd hadisədir ki, davranışın, fəaliyyətin düzəlişinə, nizam-intizama səbəb olur.*

Siyasi proseslərdə mənəvi ehtiyac və zərurətlərin ümumi əlaqələrinin lazımi qaydada əsaslandırılması üçün siyasi məsuliyyət olduqca həlledici amildir. Bu anlayış daha çox Maks Veberin "inandırma və uğur etikası" adlı nəzəriyyədə yer almışdır. Nəzəriyyəyə əsasən, inandırma və uğur dedikdə, öncə düşünülmüş məqsədi, şüurlu seçimi rəsonal siyasi fəaliyyət kimi başa düşmək lazımdır, Yəni insan öz fəaliyyəti ilə yaratdığı pozitiv, yaxud neqativ dəyişikliklərin bilavasitə müəllifi olduğunu qəbul edir. Veber cəmiyyətin, dövlətin əsaslarının təşkilindəki siyasi fəaliyyətlərin məsuliyyətini qanuni hərəkətlərlə izah edir və bu davranışları etik xüsusiyyətlərlə şərtləndirir. Onun fikrincə, ifrata varan inandırma prinsiplərinə əsaslanan insan etik-kosmik rəsonalistdir. Ona görə də o, öz fəaliyyətini fəvqəladə hesab edərək baş verə biləcək nəticənin xarakterini nəzərə ala bilmədiyindən zorakılığa doğru istiqamətlənir. Məhz Makiavelli də əxlaqi dəyərləri göz ardına atmaqla ifrat rəsonallığa qapılmış, "məqsəd vasitəyə haqq qazandırır" qənaətinə gəlmiş və hər növ zorakılığı tələqin etmişdir. *Maki avellinin tam əksinə olaraq hesab edirəm ki, "vasitə nəticəyə cavab verməlidir". Siyasi fəaliyyət daha çox inandırmaqdır, siyasi nəticə uğurun özüdür. Ona görə də seçilən vasitələr nəticənin qiymətləndirici faktlardır.*

III. Siyasi azadlıq və müstəqillik şəxsiyyətin konstitusion qaydalar əsasında ümumi hüquqlarını ehtiva edir. "Azadlıq məcburiyyət olmadan, müstəqil, mahiyyəti bilərəkdən seçmə, qərar vermə və icra etmə imkanındır. Azadlıq insanın və ya sosial birliyin özünü təyin etməsi şərtilə mümkündür. Yalnız müstəqil surətdə özünü dərk edən və özünü reallaşdırən şəxs və ya ictimai birlik azaddır" (۴, ۲۶). Burada söz və informasiya azadlığı, dövlət qulluğunda vəzifə tutmaq, hansısa siyasi

partiyaya daxil olmaq və ya siyasi partiya yaratmaq, siyasi hərəkatlarda iştirak etmək, seçilmək və digər hüquqlar nəzərdə tutulur.

Siyasi azadlığı şərtləndirən ən başlıca amil fikir və söz azadlığıdır: "Fikir və söz azadlığının ona görə müstəqil dəyəri var ki, onun sayəsində mənəvi muxtariyyət, əxlaqi dəyərlərin azadlığı və ləyaqətlə yaşamaq imkanı təmin edilir" (۵, ۶۲); "Azad ölkələrdə partiyalar hakimiyyətin qarşısını alan yeganə mühüm mexanizmdir və azadlıq ruhunun dəstəklənməsinə xidmət göstərir" (۱, ۳۳۵).

Qeyd etmək lazımdır ki, siyasi azadlıq ۱۹۴۸-ci il dekabr ayının ۱۰-da BMT -nin Baş Məclisinin qəbul etdiyi universal xarakterli insan hüquqları haqqında ümumi Bəyannamədə öz əksini tapmışdır. *Siyasi azadlıq bilavasitə dövlət quruluşundan, siyasi rejimin funksional tipindən və onun struktur mexanizmini təşkil edən siyasi faktorların keyfiyyət dərəcəsindən asılıdır. Yalnız demokratik dəyərlərə malik olan konstitusiyalı respublika şəraitində siyasi azadlıq və müstəqillikdən danışmaq olar. Bunun əksinə olaraq, vətəndaşların ictimai hadisələrə təsir göstərən, siyasi iradəsini sındırmaqla siyasi fəaliyyətlərini məhdudlaşdıran və zora əsaslanmaqla imperializmə istiqamətlənən totalitar-diktatura şəraitində siyasi azadlıq ümumiyyətlə mövcud olmur.* Belə rejimlərdə konstitusiyaya olsa belə hakimiyyətin qərarları xalqın iradəsini deyil, ya tək şəxsin, ya da bir qrup azlığın maraqlarını ifadə edir, beləliklə qeyri-əxlaqi siyasət yürüdüldü: "Oliqarxiya rejimində biznes ölkənin iqtisadiyyatını idarə etdiyindən, hakimiyyət onunla müstəsna şəkildə sıx əlaqələr saxlamağa məhkumdur" (۶, ۴۷۳). Hətta bəlkə də "kөнüllü məcbur"dur. Bu səbəbdən "vətəndaşların siyasi tədbirlərə, yaxud hadisələrə cəlb edilməsi də ayrı-seçkilik və zor işlətmə siyasətilə həyata keçirilir. Lakin bu da realıqdır ki, "demokratik dövlətin rəhbərləri heç də həmişə yetərincə namuslu və ağıllı olmasalar da, onun vətəndaşları bilikli və süurludurlar" (۱, ۸۷).

Vətəndaş, azadlıq, mülkiyyət və digər hüquqlar siyasi azadlığın əsas sütunlarıdır. Bu azadlığın ən mühüm şərti konstitusionalizmdir. Konstitusiyaya hakimiyyəti qanunla məhdudlaşdıran doktrina olduğundan, burada hakimiyyət yalnız dövlət idarəçiliyinə xidmət göstərir, beləliklə də dövlətin vətəndaş üçün mövcudluğu öz əksini tapır. Məhz elə söz və mətbuat azadlığı, şəxsiyyət toxunulmazlığı, hamının qanun qarşısında bərabərliyi prinsipi, istər siyasi elita, istər vəzifəli, yaxud mülki şəxslərin hər hansı qəsdindən qorunma hüququ da siyasi azadlığa təminat yaradan əsaslardır. "Azadlıq odur ki, fərd qanun əleyhinə olmayan hər şeyi edə bilər. Demək, azadlıq qanunla, insanların isə bu qanun qarşısında bərabərliyi ilə məhdudlaşdırılır" (۷, ۲۹۲)

Bu şəraitdə hakimiyyət tərəfdən vətəndaş yalnız könüllü siyasətlə maraqlanmağa, siyasi məlumatlara malik olmağa, siyasi proseslərdə iştiraka və hökumətin fəaliyyətini qiymətləndirməyə cəlb edilir. Bununla da dövlətdə siyasi bərabərlik mühiti formalaşır. əks təqdirdə vətəndaşların azadlığı iqtisadi qruplaşmaların, yeni oliqarxların manipulyasiyasına məruz qalacaqdır. çünki "oligarxların qarşısına qoyduqları bir məqsəd var: onların "azadlığına" maneçilik törədənləri azadlıqdan məhrum etmək.

Var-dövlət hakimiyyətin ən həlledici resursudur. O, hər yerdə üstünlük yaradır və digər vasitələrdən istifadə imkanı verir. Var-dövlətin cəmiyyətdə bölüşdürülməsi nə geniş, nə də dəyişkəndir" (۶, ۴۶۹).

Lakin söz azadlığının hüdudları məsuliyyət və vicdan hissinin, amal və niyyət paklığının sərhədlərini aşmamalıdır və yaxşı olar ki, insan bunu özü anlasın, azadlığı sui-istifadə alətinə çevirməsin, beləliklə, inzibati təsir üsullarına və kənar müdaxiləyə ehtiyac qalmasın. Yox, əgər bu yoxdursa, kimlənsə sərsəm, destruktiv hərəkətlərinə, görüntü xarakterli davranışlarına, elm, təhsil və mədəniyyəti daxilən çürütmək tendensiyalarına nə cəmiyyət özü, nə də dövlət dözməli deyildir. Neqativlərə, naqisliklərə dözümlülük, həqiqi demokratiyaya uyğun gəlmədiyi kimi, həm də başa düşülən adekvat tolerantlıqdan uzaqdır (۸, ۶۰).

Siyasi əxlaq nəzərindən bu azadlıqları iki qismə ayırmaq mümkündür:

I. "Kütlə psixologiyasına arxalanan, onun səviyyəsinə enən, fikirdən deyil, istəkdən, emosiyadan, ehtirasdan qaynaqlanan söz azadlığı. Burada hikmətlə cilovlanmamış hiss hələ çox güclüdür" (۶, ۲۸۰).

II. "Sosial gerçəkliyin elmi təhlilindən doğan yeni, həqiqi, fikir azadlığı. Burada söz fikirdən sonra gəlir. Ona görə də bu azadlıq düşünmədən danışan çoxluğun deyil, düşünüən azlığın payına düşür. Lakin bu təqdirdə çoxluğun söz sahibi olması çətinidir. Buna çatmaq üçün əvvəlcə əksər toplumun təfəkkür səviyyəsi yüksəldilməli, siyasi şüur mədəniyyəti formalaşmalıdır" (۹, ۲۸۰).

H. İmam Əlinin (ə) fikrincə, "kim sözünü əməllə əsaslandırarsa, bəşəriyyətə qərar gətirəcək və əhəmiyyət verdiyi məsələdən başqa az danışar" (۱۰, ۸۲۲).

IV. siyasi bərabərlik və ədalət hər vətəndaşın siyasi təşkilat yaratmaq, istədiyi təşkilata və ya partiyaya daxil olmaq imkanlarına sahib olmasıdır. Bununla yanaşı, vətəndaşın subyektiv rəyini bildirmək azadlığı, səs vermək, hakimiyyət strukturlarına seçilmək, siyasi liderlərin açıq rəqabət aparmaq, alternativ informasiya mənbələrindən istifadə etmək, azad və ədalətli seçkilərə qatılmaq, həmçinin seçkili hökumət

institutlarının mövcudluğu və hakimiyyət bölgüsü prinsipidir. əks təqdirdə, hakimiyyətin gördüyü tədbirlərin əksəriyyəti böyük sərmayəçilərin siyasi-iqtisadi maraqlarına uyğunlaşdırılır, beləliklə açıq-aşkar hüquq bərabərsizliyi və sosial ədalətsizliyə yol verilir: "Əgər hər hərəkət ədalət və əxlaqa uyğunlaşdırılsa (əslində belə də olmalıdır), ilk növbədə, qarşıya qoyulan məqsədin özü əxlaqi imkanlarla müəyyənləşdirilməlidir... **siyasət əxlaq məhkəməsindən qaça bilməz, əxlaq isə siyasətsiz yaşaya bilməz**" (۱۱, ۱۳۰-۱۳۱).

Adam Seliqmanın siyasi bərabərlik haqqındakı fikirləri diqqətəlayiqdir. Burada İNSAN ucalığına verilən qiymət Uca Yaradanla nisbətdə dərk edilir, yalnız tanrı müqayisədə aşağı, insanlar arasında isə tam bərabər tutulur. "Hər kəs bərabər və müstəqil olduğundan, heç kəs başqasının həyatına, səhhətinə, azadlığına, mülkiyyətinə ziyan vurmamalıdır." Çünki insanların hamısı yalnız hər şeyə qadir və son dərəcə müdrik Xalığın məhsuludur. Onların hamısı bir Mütləq Sahibin xidmətçiləridir... Biz biri-birimizin istifadəsi üçün yaradılmamışıq." (۱۲, ۳۶).

Aristotel ədaləti mükəmməl məziyyət adlandıraraq, onu iki hissəyə ayırmış, bir hissəsini qanunauyğun şəkildə ortaya qoymuşdur. Bu baxışa əsasən ədalət bütün xeyirxahlıqları həyata keçirməyi hökm edən qanunun tələblərindən irəli gəlir. Buna uyğun hərəkət edən mükəmməl ləyaqətə yetişəcəkdir.

Ədalətin ikinci forması isə qanunun tələb etdiyi səviyyədə bərabərlik prinsipi ilə birinin digərinə münasibətdə həyata keçiriləndir: "Digərinə münasibətdə olan ədalətlilik, əslində, bərabərlikdir. Doğrudan da **ədalətsizlik bərabərsizlikdir...**" (۲, ۳۴۶). Aristotel təkcə ictimai münasibətlərdə deyil, əmlak və mülkiyyət məsələsində də ədaləti bərabərliyin yaradıcısı kimi göstərir və bildirirdi ki, "cəmiyyətin idarəsi qanunauyğun və azad diskussiyalarla həyata keçirilməlidir" (۱۳, ۳۰).

Siyasi əxlaq kontekstində baxanda belə qənaətə gəlmək mümkündür ki, "öz haqqına laqeyd yanaşan kəs, məzəmmət edilməz. **Qınaq o kəs üçündür ki, başqasının haqqına toxunur**" (۱۰, ۷۵۱).

ƏDƏBİYYAT

1. Melvil İ. ABŞ demokratiyası haqqında əsas mətnlər, İqtisadi və Siyasi Araşdırmalar Mərkəzi (FAR CENTRE), 2005.
2. Aristotel. "Siyasət. Böyük etika." Bakı XXI əsr. "Yeni nəşrlər evi", 2006.
3. Abbasov Ə . İdarəetmənin sinigetik fəlsəfəsi. M.B.M Poliqrafiya mərkəzi. Bakı, 2006.

4. əhmədli C. "Azadlıq və tərəqqi". İnam plüralizm mərkəzi.
5. Dahl R. Demokratiya.
6. Parenti M. Seçilmişlər üçün demokratiya. Bakı, 2008.
7. İsmayılov D. Azərbaycanın transformasiya prosesində ideologiyalar: konservatizm, liberalizm, sosial demokratiya. Bakı, "Ağaoğlu" nəşriyyatı, 2005.
8. Müasir fəlsəfə və Azərbaycan: tarix, nəzəriyyə, tədris. Bakı, "Elm", 2011.
9. Xəlilov S. Mənəviyyat fəlsəfəsi. Bakı, "Azərbaycan Universiteti" nəşriyyatı, 2007.
10. İmam əli (ə). Nəhcül Bəlağə. Bakı, "Nurlar", 2007.
11. İsmayılov İ. Siyasət xalqın taleyidir. Məqalələr, çıxışlar, müsahibələr və yazılanlar. Bakı, Qanun, 2007.
12. Seliqman A. Vətəndaş cəmiyyəti ideyası (ingilis dilindən tərcümə) Bakı, "Nurlar", 2005.
13. Мауеа-Зае N. В6еәһue 6 omuky baky, "Myallim ", 2004

مسئله آموزش زبان مادری کودکان خلیج در خلیجستان و خطر مرگ انقراض زبان ترکی خلیجی در ایران

○ علی اصغر چمراسی - ۱۳۹۱/۱/۲۵

مقدمه

اهمیت و نقش زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور ایران و وسیله ارتباطی مشترک همه ایرانیان بر کسی پوشیده نیست. با وجود این نباید از خاطر برد که در کنار این زبان، زبان‌ها و گویش‌های محلی متعددی در کشورمان وجود دارند که شمار گویشوران برخی از آنها از سی میلیون هم فراتر می‌رود. هر یک از این زبان‌ها و گویش‌ها به عنوان زبان مادری یکی از اقوام ایرانی، بخشی از فرهنگ و هویت قومی آنان به حساب می‌آیند و منعکس کننده آداب، رسوم، ارزش‌ها و باورهای آن قوم و ملت و در عین حال وسیله‌ای برای انتقال این ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگرند.

یکی از این زبان‌ها، ترکی خلیجی است در مرکز ایران بنام قوم خلیج زندگی نموده و شبیه به ترکی قدیمی «آرغو» خلیجی سخن می‌گویند. اما امروزه متأسفانه نه تنها شاهد تغییری تدریجی، که زوال یا موجبات آن را فراهم آورده و هر روزه با تغییر شیوه‌های زندگی و گسترش ارتباطات جمعی و رسانه‌های گروهی، این روند سرعت و شدت بیشتری به خود می‌گیرد. رفته رفته با نزول ارزش و پایگاه اجتماعی این زبان در مقابل زبان فارسی، کاربرد آن در حوزه‌های مختلف کمتر می‌شود و با ادامه وضع موجود بیم آن می‌رود که این زبان ترکی خلیجی برای همیشه به دست فراموشی سپرده شود.

در این مقاله، نگارنده قصد دارد ضمن اشاره‌ای گذرا به پدیده انقراض یا مرگ زبان‌ها، بررسی اجمالی مسئله آموزش زبان مادری فرزندان خلیجستان ایران و خطر انقراض تدریجی زبان خلیجی در ۲۰ سال آینده بپردازد.

کلید واژه‌ها: زبان مادری، زبان رسمی، زبان فارسی، نمودار، مرگ زبان؛ تعویض زبان، خلیج، خلیجستان، آموزش.

مدخل

۱. ارزش و اهمیت زبان در حیات بشری:

زبان شناسان و روشنفکران، زبان را در حال تعویض دانسته و معیارها و چارچوب آن را مشخص کرده‌اند. زبان در میان، انسان‌ها وسیله‌ای طبیعی جهت درک و فهم می‌باشد، که دارای قوانین منحصر بفردی (مخصوصی) است.

زبان ثروت فرهنگی یک ملت است، زیرا در رأس عناصر خمیر مایه فرهنگ زبان وجود دارد. زبان ثروت یک جامعه است، و جوامع را از هم جدا می‌کند. فیلسوف آلمانی «هایدگر» می‌گوید: «زبان خانه انسان است، زبان همراه انسان و عنصری برتر و مقتدر از انسان است» آنگاه اهمیت این وسیله ارتباط جمعی را مورد بررسی قرار داده و در جای دیگر می‌گوید: «زبان هم فهم و هم احساس ما را در زندگی روزمره قوام می‌دهد، زبان مثل پلی است که گذشته را به آینده ارتباط می‌دهد. این پل توسط کلمات برپا می‌شود. سلامتی این پل با استفاده بجا و درست از کلمات امکان‌پذیر است». این نویسنده در جای دیگر می‌گوید: «ما با زبان سخن نمی‌گوییم این زبان است که با ما سخن می‌گوید».

زبان بزرگترین سلاح در جنگ فرهنگی میان ملل می‌باشد. چون که زبان امروز و فردایمان را شکل می‌دهد. ارزش و اعتبار زبان با کلمات آن سنجیده می‌شود در یک زبان شمار کلمات مورد استفاده برای درک مطلب هرچه قدر بیشتر باشد آن زبان معتبرتر است.

آنچه فرهنگ گذشتگان را به نسل حاضر پیوند می‌زند، زبان است و آنچه آیندگان را از ارزش‌ها و باورهای نسل حاضر مطلع می‌سازد، همین زبان است، زبان

^۱ - مفاهیم بنیادین متافیزیک، مارتین هایدگر، ترجمه نشر پرش، تهران ۱۳۸۹.

بخشی از هویت قومی و نژادی یک ملت به حساب می‌آید و به قول ساموئل جانسون «زبان هر ملت شجره‌نامه آن ملت است»^۱

۲. علل زوال و خاموشی زبان‌ها:

از قرن نوزدهم به این سوی، دانشمندان علوم اجتماعی و به ویژه زبان شناسان، غالباً زبان را یک ارگانیسم یا موجود زنده می‌دانند که پس از زایش و پشت سر گذاشتن دوران طفولیت، به رشد و بالندگی می‌رسد و ممکن است بنا به دلایلی، با طی روندی از زوال تدریجی، رو به خاموشی رود و زبان دیگری جانشین آن شود. از این فرآیند با عنوان «تعویض یا تغییر زبان/ Language shift» یاد می‌شود.

تغییر زبان حالتی است که افراد یک جامعه دو زبانه یا چند زبانه از زبان بومی خود به نفع زبان دیگری دست بکشند که گاه از آن با عنوان «مرگ زبان/ Language death» یاد می‌شود به ویژه زمانی به کار می‌رود که اعضای آن جامعه زبانی، تنها گویشوران آن زبان در دنیا باشند^۲، بدیهی است، مرگ یک زبان با مرگ آخرین گویشور آن زبان محقق می‌شود.

نقطه‌ی مقابل مرگ زبان، پدیده‌ی بقا یا حفظ زبان است و این زمان اتفاقی می‌افتد که اعضای یک جامعه زبانی تصمیم می‌گیرند به استفاده از زبان آبا و اجدادی خود ادامه دهد. اصولاً حفظ یا نگهداری زبان در جامعه‌ی دو یا چند زبانه مفهوم پیدا می‌کند، چرا که برای اعضای جامعه‌ای که تنها یک زبان می‌دانند و زبان دیگری را نیز نمی‌آموزند، معنایی ندارد.

زبان شناسان تخمین می‌زنند که در حال حاضر حدود ۶۸۰۰ زبان زنده در جهان وجود داشته باشد که ۹۰ درصد آنها دارای کمتر از ۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر گویشور هستند و ۳۵۷ مورد از این زبان‌ها کمتر از ۵۰ نفر سخنگو دارند و حتی تعدادی از این زبان‌ها حدود ۴۶ زبان تنها یک گویشور دارند و در نتیجه به شدت در معرض خطر انقراض هستند.

^۱ - Aitchson, Jean ۱۹۹۳. language change. Progress or decay? Cambridge: Cambridge University Press.p.۱۹۷.

^۲ - Aitchson, Jean. Ibid.p.۱۹۷ - ۱۰۰

طی پانصد سال گذشته، حدود ۴/۵ در صد از کل این زبان‌ها ناپدید شده‌اند. از میان ۱۷۶ زبان موجود که از سال ۱۶۰۰، قبایل آمریکای شمالی به آن زبان‌ها صحبت می‌کردند، ۵۲ زبان تاکنون خاموش شده‌اند.

براساس هشدار جدی زبان‌شناسان مبنی بر احتمال نابودی ۴۰ درصد از زبان‌ها در قرن حاضر، سازمان ملل متحد و یونسکو طرحی را برای حفظ زبانهای موجود تدوین کرده‌اند که نامگذاری روز دوم اسفند (۲۱ فوریه) به نام «روز جهانی، زبان مادری/ Mother language Lovers of the World» از موارد این طرح می‌باشد. زبان‌شناسان، عوامل متعددی را در بقا یا زوال یک زبان موثر می‌دانند که عمده‌ترین آنها.

۱. مهاجرت.

۲. شهرنشینی

۳. صنعتی شدن.

۴- محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت‌ها.

۵. زبان آموزش و علم آموزشی در نظام آموزشی کشور.

۶- اعتبار اجتماعی زبانها و تعداد گویشوران آن زبان هستند.

آنچه امروزه در میان علل مرگ زبان در مرکز توجه قرار دارد، پدیده‌ای است که با عنوان (globalization) جهانی شدن از آن یاد می‌شود و خود معلول تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سال‌های اخیر و به ویژه گسترش وسایل ارتباط جمعی و توسعه رسانه‌های گروهی و ابزارهای اطلاع رسانی در سرتاسر دنیاست.

اگرچه نمی‌توان زمان مرگ زبان‌ها را به دقت تعیین کرد. شاید بتوان راز مرگ آنها را دریافت. شرط لازم و اساسی برای حذف یک زبان وجود دو زبانگی (bilingualism) در سطح یک جامعه است، اما این شرط به تنهایی کافی نیست، زیرا جوامع دو زبانه‌ای هم بوده‌اند که برای دهه‌ها و قرن‌های متوالی به صورت دو زبانه باقی مانده‌اند.

اصولا تمامی موارد حذف زبان‌ها، بین دو نسل مختلف اتفاق می‌افتند، به این معنی که یک نسل دو زبانه، یکی از دو زبان را بر حسب شرایط موجود به نسل بعد انتقال می‌کند.

از این رو می‌توان خانواده را نقطه آغاز فرآیند مرگ زبان دانست، زیرا این والدین هستند که یکی از دو زبان را برای آموزش به فرزندان و انتقال به نسل بعد بر می‌گزینند.

با این توضیحات، یک زبان اقلیت و محلی که فاقد نظام نوشتاری و آثار ادبی و هنری قابل توجه است، در مقابل زبان اکثریت و رسمی که آثار ادبی و هنری فراوان دارد، شانس کمتری برای بقا می‌یابد.

نگرش‌های منفی حتی می‌توانند مانع از اقبال گویشوران یک زبان به ادبیات و به ویژه شعر آن زبان شوند و این خود می‌تواند یکی از عوامل تسریع کننده زوال آن زبان باشد.

زبان شناسان، نقش شعر و آثار ادبی را در حفظ و پویایی زبان تعیین می‌کنند. یک محقق ایرانی راز مرگ زبان‌ها را «در رکود و نازایی شعر آن می‌داند^۱. هر زبانی آنگاه می‌میرد که آخرین شاعرش مرده باشد». براساس این نگرش تغییر زبان زمانی آغاز می‌شود که افراد گروه کوچکتر حاضر شوند از هویت خود به عنوان یک گروه اجتماعی فرهنگی مستقل دست بکشند و به عضویت گروه بزرگتر درآیند^۲.

۳. مسئله آموزش زبان مادری کودکان خلیج در خلیجستان و خطر انقراض زبان

خلجی در ایران

خلج نام قومی از اقوام ترک و خلیجستان نام محلی ست برای این قوم که در ۲۰۰ کیلومتری جنوب غربی تهران پایتخت ایران ساکن هستند. زبانی که این قوم کهن با آن سخن می‌گویند خلجی خوانده می‌شود این زبان فاقد آثار و نوشته است. به ترکی باستان و به ترکی مادر شباهت بسیار دارد. مورخین احتمال می‌دهند که همواره با سلجوقیان به ایران آمده باشند.

^۱ - دکتر حق شناس استاد زبان در دانشگاه‌های زبان.

^۲ - حسین بشیرنژاد، زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض، مجله فرهنگ مردم ایران شماره ۵ و ۶.

پرفسور گرهارد، دورفر و دانشجوی او پرفسور سمیح تزجان در خصوص زبان خلجی تحقیقات ارزنده‌ای به عمل آورده و این زبان را مجدداً کشف نموده‌اند. حسب پژوهش‌های بعمل آمده از سوی دورفر و تزجان زبان خلجی و آواهای مورد استعمال آن بسیار اصیل بوده و به نوع خود یکی از لهجه‌های مستقل ترکی همانند لهجه‌های زیر شمرده می‌شود.

۱- گروه چوواش،

۲- گروه جنوب غربی و یا گروه اوغوز

۳- گروه شمال غربی و یا قبیچاق.

۴- گروه جنوب شرقی و ایغور.

۵- گروه شمال شرقی و یا سبیری

۶- گروه یاقوت

۷- گروه خلج

حدود ۴۳ سال پیش وقتی کودک بودم، در محیطی که زندگی می‌کردم نه تنها والدین و اقوام بلکه تمامی ساکنین یک روستای ۱۵۰۰ نفری، همگی به زبان ترکی خلجی سخن می‌گفتند و هیچ ضرورتی برای فراگیری زبان دیگری احساس نمی‌شد. درست یادم است که در این سالها از بین ۱۵۰۰ نفر تنها ۱۰ نفر می‌توانستند به زبان فارسی سخن بگویند. در این سالها یک کودک خلج از دو طریق زبان مادری را می‌آموخت:

(۱) از طریق والدین، اقوام و دوستانی که با آنها زندگی می‌کرد.

(۲) از طریق آموزش در مکتب‌خانه یا هوقماق.

مکتب محلی برای تحصیل علم بود در رأس آن یک نفر بنام ملا یا میرزا وجود داشت، برخی از میرزاهای ترک زبان حتی خودشان نیز به راحتی به زبان فارسی مسلط نبودند. در مکتب خانه‌های خلجستان به دانش آموزان علاوه بر آموزش قرائت قرآن کریم، آموزش زبان ترکی، ادبیات ترکی بویژه قرائت کتاب اشعار مرثیه به زبان ترکی مثل قمری و دخیل. اشعاری به زبان فارسی چون خزینه الاشعار و گلستان سعدی، نصاب، تمرین خط و عریضه نویسی را می‌آموختند.

این مکتب‌خانه‌ها در سطح روستاهای خلیجستان فعال بودند. به عنوان مثال در سال ۱۳۴۷/۱۹۷۰ در روستای ۱۵۰۰ نفری ما «تلخاب» سه مکتب‌خانه به امر آموزش فعالیت می‌کردند. در پایان دوره آموزشی ۵ ساله در این مکتب‌خانه‌ها دانش آموز خلیج به امور ذیل اشراف پیدا می‌کرد:

۱. قرآن کریم را بخواند.
 ۲. متون ترکی از قبیل اشعار قمری نسخه‌های تعزیه و ... را بخواند.
 ۳. متون فارسی از قبیل گلستان سعدی را بخواند.
 ۴. نحوه مکاتبه با یک مسئول مملکتی و یا نامه به والدین را بداند.
- در این مکتب‌خانه‌ها هیچ محدودیت جنسیتی وجود نداشت و کودکان بصورت مختلط به تحصیل علم می‌پرداختند اما در همان سالها ۱۳۴۴ صدای پای سرباز معلم که به فارسی «سپاهیان دانش» معروف بودند از طرف دولت وقت (محمدرضا پهلوی) شنیده شد.

این افراد به دنبال انقلاب سفید شاه و ملت مأموریت داشتند مکتب‌ها را ببندند و مدارس دولتی دایر کنند. چون مردم مخالف فرستادن کودکان خود به مدارس بودند لذا آنها متوسل به زور می‌شدند.

در سال ۱۹۶۵ اولین مدرسه دو کلاسه را در روستای ما دایر کردند. و دانش آموزان سه مکتب‌خانه را با زور و ارباب به این مدرسه بردند. در واقع شیپور آغاز جنگ میان زبان مادری و آموزش زبان رسمی کشور توسط سپاهیان دانش نواخته شد.

هنوز بخوبی یاد دارم که در دیوار کلاس درس یک تابلوی توسط سرباز معلم نصب شده بود و در این تابلو زبان فارسی را به تصویر یاد می‌داد معلم یک ساعت تلاش می‌کرد تا به دانش آموزان خلیج زبان تفهیم کند که این تصاویر (شتر، اسب، آب، لاک پشت و درخت) گویای چیست؟ او یکی یکی اسم این اشکال را از دانش آموزان می‌پرسید.

دانش آموزان با صدای بلند می‌گفتند: توه/ *Təvə*، هات/ *Hat*؛ سوو/ *Suv*، باقا/ *Baqa*، هاغاچ/ *Hağaç*. معلم می‌گفت: نه «این توه نیست. این شتر است. این هات نیست اسب است، سوو نیست آب است، باقا نیست لاک‌پشت است و هاغاچ

نیست درخت است» سرانجام بعد از یک ساعت تلاش در پایان درس وقتی از تک تک دانش آموزان می‌پرسید این چیست؟- دانش آموز می‌گفت که توه، هات، سوو، باقا و هاغاج و معلم با صدای بلند و با عصبانیت داد می‌کشید نه احمق این شتر است و ... و اکنون بعد از ۴۰ سال از آن تاریخ گذشته است باید اعتراف کنم، اگر همان تابلو را بر دیوار مدرسه ابتدایی در یک روستای خلیج زبان نصب نماییم و از دانش آموزان به پرسیم نام اینها را به زبان خلیجی بگویید، او قطعاً نمی‌تواند لذا به فارسی خواهد داد: شتر، اسب، آب، لاک‌پشت و درخت. و این یعنی شکست و زوال زبان ترکی خلیج و پیروزی زبان رسمی بر زبان مادری. و اما علت اینکه چرا این پاسخ را خواهد داد چیست؟

بعد از انحلال مکتب‌خانه‌ها اندک اندک آهنگ علاقه به آموزش زبان رسمی یا زبان دوم در بین کودکان شروع شد و در این میان یکی دو نفر از اهالی خود روستا توسط دولت و بصورت غیر رسمی در محافل عمومی شروع به سخن گفتن به زبان فارسی نمودند چنانکه گویی این افراد از اول فارس بوده‌اند نه خلیج حال آنکه فرزندان این افراد خلیج بودند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و باز شدن فضای آزادی در بین مردم دگی مردم با سیاست عجین شد و نشریاتی به زبان فارسی به روستاها آمد و با توسعه و گسترش ارتباط از قبیل رادیو، تلویزیون و پخش سریال‌هایی که همگی به زبان فارسی بودند کم کم زبان مادری به عقب رانده شده و در محافل عمومی نیز زبان فارسی جای آن را گرفت.

از مهمترین عواملی که باعث سست شدن پابندی افراد به ارزش‌های گروهی و قومی و در نتیجه انحطاط زبان خلیجی شده است می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

- ۱- از دست دادن استقلال اقتصادی.

برای نمونه، از دست رفتن شغل و حرفه سنتی و وابستگی به گروه بزرگتر برای اشتغال و کسب درآمد یکی از عوامل اقتصادی موثر در این زمینه است.

- ۲- عامل دیگر عوامل اجتماعی فرهنگی است. برای نمونه زبان آموزشی می‌تواند یکی از عوامل فرهنگی مهم باشد. از آنجا که زبان آموزشی در مدارس همان زبان فارسی می‌باشد، این احساس را در افراد گروه کوچکتر به ویژه کودکان این گروه به

وجود آورده است که زبان مادری (ترکی خلجی) آنها هیچ کاربردی ندارد و در نتیجه یادگیری آن نیز ضروری نیست که همین امر، مقدمه‌ای برای آموزش زبان فارسی به فرزندان در محیط خانواده شده است.

در واقع، آموزش زبان فارسی به فرزندان در محیط خانواده را باید از نشانه‌های تغییر زبان دانست نه از عوامل آن، چرا که این امر تحت تأثیر عوامل بیرون از خانه، یعنی جامعه قرار دارد. امروزه خیلی از جوانان که به تازگی زندگی را شروع می‌کنند و دارای فرزند می‌شود اولین کاری که می‌کنند با زبان فارسی با کودک خود حرف می‌زنند وقتی از ایشان می‌پرسی در جواب می‌گویند برای آینده کودک بهتره که به زبان فارسی آشنا باشد.

پژوهشی که به تازگی (اوایل سال ۱۳۹۱) توسط نگارنده راجع به پایبندی افراد خلج زبان به زبان مادری و فرهنگ و سنت خویش با استفاده از پرسشنامه و جامعه آماری ۲۵۰ نفری و با بهره‌گیری از شیوه تحلیل حوزه‌ای به بررسی میزان استفاده از زبان فارسی و خلجی در برخی از روستاهای خلجستان بعمل آمده نشان دهنده انحطاط سریع این زبان در ۲۰ سال آینده است.

تأثیر شاخص‌هایی نظیر سن، جنسیت، تحصیلات، عرق بومی بودن، خلج بودن والدین در خانواده، به عنوان عوامل اجتماعی موثر در کاربرد دو زبان در حوزه‌های مختلف بررسی و مشخص شد که هر یک از این عوامل در میزان کاربرد دو زبان مؤثرند.

برای نمونه کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های مختلف در بین جوانان بیش از بزرگسالان و در بین دختران بیش از پسران است. در ضمن کاربرد زبان ترکی خلجی در موقعیت‌ها و حوزه‌های غیر رسمی مانند مراسم مجالس ترحیم و خانواده بیش از میزان آن در حوزه‌ها و موقعیت‌های رسمی‌تر است.

دستاورهای این پژوهش نشان می‌دهد که میزان کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های مختلف و آموزش آن به فرزندان در خانواده‌های خلجستان روز به روز به فزونی است و در مجموع، زبان خلجی با کاهش میزان کاربرد در حوزه‌های مختلف و خروج تدریجی از این حوزه‌ها جای خود را به زبان فارسی می‌دهد و این نشان دهنده روند زوال تدریجی است.

نکته قابل توجه در این بررسی که زبان شناسان از آن به عنوان نشانه‌ای از تغییر یا حذف زبان یاد می‌کنند، همان کاربرد زبان فارسی در حوزه‌هایی است که قبلاً حوزه مطلق زبان خلیج بوده‌اند.

تحقیقا انتظار می‌رود در چنین جوامع دو زبانه‌ای، یک زبان معتبرتر برای امور رسمی، اداری و آموزشی به کار رود و در حوزه‌ها و موقعیت‌های غیر رسمی مانند ارتباطات خانوادگی و داخل کوچه و خیابان از زبان محلی استفاده شود.

شواهد نیز حکایت از آن دارند که در گذشته‌ای نه چندان دور، واقعیت امر نیز چنین بوده است، اما امروزه این زبان رسمی است که به تدریج جایگزین زبان محلی در حوزه‌های غیر رسمی امثال مساجد، و خانواده می‌شود. از سوی دیگر، آموزش زبان فارسی به عنوان زبان اول به فرزندان در بین خانواده خلیج زبان رو به فزونی است و این خود شاهدی دیگر بر روند زوال زبان خلیجی است.

نتایج نظر سنجی:

۱- نتایج نظر سنجی نشان می‌دهد که ۵۱ درصد از مردم خلیجستان زبان مادری خود را دوست دارند و مجموعاً ۴۹ درصد از مردم نسبت به زبان مادری (خلیجی) خود بی‌تفاوت و یا آن را دوست نمی‌دارند و به همین سبب این گروه زبان فارسی را به عنوان زبان گویش خود و فرزندان خویش انتخاب نموده و با کودکان خود با زبان فارسی سخن می‌گویند.

نمودار شماره ۱: میزان علاقه مردم نسبت به زبان (مادری) خلیجی

شایان ذکر است از بین ۵۱٪ درصدی که زبان مادری را دوست دارند تنها ۳۹٪ درصد از آنها مسلط به زبان خلیجی بوده و ۱۶٪ نیز صرفاً اندکی می‌توانند صحبت کنند، در مقابل ۲۹٪ صرفاً آشنا به زبان مادری خود هستند.

نمودار شماره ۲

براساس این پژوهش گویشوران و علاقمندان به زبان خلیجی حسب جنسیت

افراد عبارتند از:

۳۷ درصد پدران، ۲۷ درصد مادران ۱۶ درصد فرزندان تشکیل می‌دهند.

نمودار شماره ۳

۲- مسئله دیگری که از هرگونه امیدواری برای بقا و حفظ زبان خلجی در بین گویشوران آن می‌کاهد سن و جنسیت و میزان سواد و شغل افراد علاقمند به زبان فارسی است.

در این نظر سنجی مشخص شده که افراد زیر ۳۵ سال سن دارد و یا دارای مدرک دانشگاهی هستند و یا دارای شغل دولتی هستند و نیز دختران بیشتر از سایرین به زبان فارسی علاقه نشان داده و به فرزندان خود نیز در درجه اول زبان فارسی می‌آموزند.

در ضمن، میزان کاربرد زبان فارسی در بین افراد تحصیل کرده، در قصبه‌ها و روستاهای همجوار شهرهای قم، آشتیان، تفرش و فراهان رو به افزایش است و از آنجا که با سواد و شهرنشینی رو به گسترش هستند، می‌توان پیش بینی کرد که در آینده نه چندان دور قصبه‌هایی که در شرف شهر شدن می‌باشند مثل تلخاب ۴۰۰۰ هزار جمعیت کاربرد زبان فارسی افزایش بیشتری پیدا کند.

۳- همچنین در تجزیه و تحلیل پاسخ این سوال که چه مقدار در محل زندگی به زبان خلجی سخن می‌گویید؟ می‌توان گفت که افرادی که سن آنها بالای ۴۰ سال است و از سواد چندان بهره‌مند نیستند و در محل زندگی از شغل سنتی مثل کشاورزی و دامداری برخوردارند به زبان خلجی بیشتر تسلط داشته و علاقه بیشتری به سخن گفتن با زبان مادری در محل و محیط خانواده از خود نشان می‌دهند.

اما در میان همین گروه نیز شایع شده چنانچه قصد دارید فرزندانان در آینده شغل مناسبی داشته باشند باید به آنها زبان رسمی (فارسی) بیاموزید.

لذا همین افراد نیز همانطور که نمودار زیر نشان می‌دهد صرفاً ۲۰٪ شان دائم در محافل عمومی به زبان مادری سخن می‌گویند و ۳۳٪ علی‌رغم اینکه قادر به سخن گفتن به زبان مادری هستند، اما گاهی اوقات سخن می‌گویند. همین افراد نیز ترجیح می‌دهند زبان اول فرزندانشان زبان فارسی باشد نه خلجی.

نمودار شماره ۴

بنابراین بیشترین علاقه‌مندان به زبان خلیجی افرادی بالا ۳۵ سال و بیشترین علاقه‌مندان به زبان فارسی را دختران جوان تشکیل می‌دهند. و این به منزله افزایش آموزش زبان فارسی به فرزندان در آینده است، چرا که این دختران به عنوان مادران آینده نقش عمده‌ای در زبان آموزی فرزندان بر عهده دارند.

۴- بررسی‌ها نشان می‌دهد که اغلب جوانانی که تشکیل خانواده می‌دهند و صاحب فرزند می‌شوند اعم از اینکه دارای تحصیلات دانشگاهی باشند یا نه و دارای شغل سنتی یا دولتی داشته باشند به محض اینکه صاحب فرزند می‌شوند در محیط خانواده با فرزندان خود به زبان فارسی صحبت می‌کنند و فرزندان این خانواده‌ها با یک لهجه جدید زبان فارسی را از والدین و محیط زندگی می‌آموزند، هنگامی که از این افراد می‌پرسیم چرا به فرزندان خود زبان فارسی می‌آموزید:

الف) ۲۹٪ درصد پاسخ می‌دهند: زبان خلیجی در محل زندگی آنها از اعتبار و اهمیت چندانی برخوردار نیست.

ب) ۲۵٪ درصد می‌گویند: زبان خلیجی باعث عقب ماندگی علمی برای فرزندانشان در آینده می‌شود.

ج) ۲۱٪ درصد بر این عقیده‌اند که زبان خلیجی در محل زندگی آنها کارایی ندارد.

د) ۲۵٪ درصد نیز بر این عقیده‌اند که زبان خلیجی باعث ایجاد لهجه در زبان فارسی می‌شود.

نمودار شماره ۶

به عبارت دیگر افراد جوان بیش از بزرگسالان و زنان و دختران بیش از مردان و پسران از زبان فارسی استفاده می‌کنند.

۵- حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که فرزندان خلیجستان برای آموزش زبان مادری خلیج با مشکل جدی مواجه هستند و تاکنون ۳۶٪ از طریق پدران و ۳۲٪ از ناحیه مادران و ۱۸٪ نیز از طریق خواهر و برادر و ۱۶٪ از طریق سایر اقوام و دوستان با زبان خلیجی آشنا شده‌اند.

اما این منابع نیز بتدریج کاهش یافته نتیجه اینکه فرزندان خلیج برای آموختن زبان مادری خود با کمبود منابع مواجه می‌شوند.

نمودار شماره ۷

۶- بررسی‌ها نشانگر آن است ۶۸٪ درصد مردم خلیجستان هنوز علاقمند به زبان مادری خود بوده و بعضا دوست دارند فرزندانشان هر دو زبان رسمی و محلی را بیاموزند. و همچنین ۱۹٪ درصد از این جمع از عدم آموزش زبان خلیجی به فرزندانشان در مدرسه اظهار نارضایتی می‌کنند این افراد جهت تقویت و حفظ زبان مادری پیشنهاد می‌کنند:

(الف) ۲۹٪ می‌گویند باید با فرزندان به زبان خلیجی صحبت نمود.

(ب) ۲۵٪ اظهار داشته‌اند باید کتاب آموزش خلیجی تدوین نمود.

(ج) ۲۵٪ گفته باید موسیقی خلیجی ایجاد کرد.

(د) ۲۱٪ نیز گفته‌اند اهمیت ندارد.

در محیط‌های آموزش مانند مدرسه نیز زبان فارسی نه تنها به عنوان زبان آموزش بلکه به عنوان تنها زبان ارتباطی بین معلم و دانش آموز به کار می‌رود و این می‌تواند زبان خلیجی را در نظر کودکان و جوانان بی‌اهمیت جلوه دهد.

بنظر نگارنده، عامل بی‌سوادی و فقدان تحصیلات و دوری از شهر باعث ماندگاری زبان خلیجی در برخی از روستاها شده است، طبیعی است که در دراز مدت، با گسترش سواد و افزایش سطح تحصیلات افراد، سلامت زبان خلیجی مورد تهدید قرار می‌گیرد.

میل به دو زبانی در محیط‌هایی که با زبان‌های رسمی برخورد زیادی دارند، بسیار است از جمله اکثر خانواده‌های خلیج زبان که در ۳۰ سال گذشته به شهرهای همجوار مثل قم و آشتیان کوچ کرده‌اند، در خانواده با دو زبان (فارسی و خلیجی) سخن می‌گویند و با فرزندان خود با زبان فارسی و این امر کم کم به روستاها نیز سرایت نموده و اغلب خانواده دو زبانی را به عنوان عامل پیشرفت و ترقی فرزندان خود در آینده می‌دانند.

چه باید کرد؟

اغلب محققان به هنگام گزارش پژوهش‌هایشان درباره زبان‌های ایرانی، بر حسب حقایق و وضعیت موجود راه حل‌ها و پیشنهادهایی را برای تغییر وضع موجود و کمک به حفظ و بقای این زبان‌ها ارائه کرده‌اند که هر یک جای تأمل دارد. این اقدامات اگرچه در کوتاه مدت چندان اثربخش نیستند، ولی در درازمدت می‌توانند در تغییر نگرش‌ها و در نهایت افزایش کاربرد و آموزش این زبان‌ها موثر باشند.

چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، تغییر زبان نتیجه حرکت جمعی و طولانی مدت افراد یک جامعه زبانی در جهت انتخاب و کاربرد زبان است و انتخاب و کاربرد زبان در درجه اول تحت تأثیر نگرش‌های زبانی افراد است. از این رو، هر گونه اقدامی در جهت تغییر وضع موجود باید به صورت جمعی، مستمر، طولانی مدت، و در جهت ایجاد تحول در احساسات، نگرش‌ها و باورهای افراد نسبت به نقش، کاربرد، اهمیت و اعتبار زبان خلجی باشد. این روند به طرق زیر می‌تواند محقق شود است:

(۱) رواج و کاربرد زبان ترکی خلجی در موقعیت‌ها و حوزه‌هایی که می‌توانند و باید به کار گرفته شوند.

(۲) آگاهی بخشی و اطلاع رسانی به گویشوران از طریق دادن اطلاعات درست درباره نقش، کاربرد و جایگاه واقعی زبان و زدودن باورها و برداشتهای نادرستی که در این باره وجود دارند.

(۳) برگزاری مراسماتی چون، شب شعر، مسابقه خلیج نوشتاری در بین جوانان.

(۴) ایجاد و تدوین ترانه‌های خلجی و پخش کاست و یا سی‌دی‌ها در میان روستاهای خلیجستان و تشویق از استفاده اینگونه موسیقی‌ها در جشن‌ها و عروسی‌ها.

(۵) البته مسئولان مملکتی متولیان امر آموزش و پرورش و آموزش عالی، دست اندرکاران امور فرهنگی، صدا و سیما، مطبوعات، افراد تحصیلکرده، شخصیت‌های معتبر و صاحب نفوذ، محققان و نویسندگان به ویژه زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان و خود والدین هر کدام می‌توانند سهم مهمی در این امر داشته باشند.

(۶) علاوه بر مدرسه، استفاده از زبان خلجی از سوی افراد تحصیلکرده و شخصیت‌های صاحب نفوذ و مورد علاقه مردم نظیر آخوندها، پزشکان، اساتید،

هنرمندان، ورزشکاران و ... می‌تواند نقش بسزایی در تغییر نگرش‌های مردم و ترغیب آنها به استفاده از این زبان‌ها داشته باشد.

(۷) رادیو و تلویزیون‌های استانی به عنوان پرتعدادترین و مناسب‌ترین رسانه، راه مطمئنی برای تبلیغ و گسترش زبان خلیجی بطور خاص و زبان محلی محسوب می‌شوند در این مسیر می‌توانند کمک زیادی بنمایند.

(۸) مطبوعات، اعم از روزنامه‌ها و مجلات محلی می‌توانند سهم عمده‌ای در انتقال دیدگاه‌های زبان شناسان و گویش شناسان به مخاطبان داشته باشند. علاوه بر آن، استفاده از زبان خلیجی در نگارش مطالب، خود عاملی برای تقویت و به کارگیری این زبان‌ها خواهد شد.

(۹) با عنایت به وضع موجود، اکنون زمان آن فرا رسیده است که مسئولان، رسانه‌های گروهی، نویسندگان و محققان به جای پرداختن به توصیف ساختمان و واژگان زبان خلیجی و یا تاریخ و پیشینه آن، مسئله مهمتر، یعنی تقویت جایگاه زبان خلیجی و کمک به ادامه حیات آن توجه نشان دهند. تمامی تلاش‌ها باید در جهت دادن اطلاعات و آگاهی‌های درست به مردم باشد، زیرا زمانی شاهد رشد و شکوفایی زبان و رواج آن در یک منطقه خواهیم بود که مردم درک و شناخت درستی از نقش‌ها و کارکردهای زبان داشته باشند و مسلماً هر برنامه‌ای در این جهت که از جنبه تحمیلی برخوردار باشد، موفقیتی نخواهد داشت.

نقش اولیه زبان برقراری ارتباط بین گویشوران است باید به این درجه از درک و شناخت نایل شوند که: استفاده از زبان خلیجی مایه خجالت و شرمندگی و نشانه عقب ماندگی نیست و در مقابل صحبت کردن به زبان فارسی نمی‌تواند به تنهایی مایه افتخار و نشان از تمدن و فرهیختگی باشد. در ضمن باید احساس کنند که حفظ و حراست از زبان آبا و اجدادی به عنوان میراث گذشتگان این سرزمین بر همگان واجب است، زیرا زبان هر ملت با فرهنگ، آداب و رسوم، باورها و ارزش‌های گذشته و امروز او گره خورده است.

در خاتمه نظر خود را بدینگونه خلاص می‌نمایم: در کشور ایران باید یک زبان مشترک برای همه وجود داشته باشد که همان فارسی است ولی زبانهای قومی و منطقه‌ای نیز لااقل در محل کاربرد رسمی داشته باشند.

منابع

- ۱- مفاهیم بنیادین متافیزیک، مارتین هایدگر، ترجمه نشر پرسش، تهران ۱۳۸۹.
- ۲- Aitchson, Jean. ۱۹۹۳. *Language change: Progress or Decay?* Cambridge: Cambridge University Press. P. ۱۹۷.
- ۳- Fasold, Ralph, ۱۹۸۷. *The Sociolinguistics of Society*. Cambridge. Cambridge University Press p. ۲۱۳.
۴. <http://www.commondreams.org/headlines>.
- ۵- دکتر حق شناس استاد زبان در دانشگاه‌های ایران
- ۶- حسین بشیرنژاد، زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض، مجله فرهنگ مردم ایران شماره ۵ و ۶
- ۷- Gerhard Doerfer, *Irlandaki türk Dilleri, Türk dili Ara ştımları* Yıllığı Belleten, Ankara ۱۹۶۹.

نخستین روزنامه تبریز

○ محمود محمودزاده

مسئول نشریات کتابخانه ملی تبریز

چکیده

روزنامه «ملتی آذربایجان»، نخستین روزنامه‌ای است که در سال ۱۲۷۵ هـ.ق، با چاپ سنگی در تبریز منتشر شد. این روزنامه اولین نشریه فارسی شهرستانی و چهارمین نشریه ادواری چاپی ایران می‌باشد که نخستین خبر انتشار آن در روزنامه وقایع اتفاقیه درج شده است. با توجه به عدم وجود این روزنامه در آرشیوهای داخل و خارج کشور، در کتاب‌ها و منابع مختلف مطالب کلی از این روزنامه بیان شده است. شماره‌هایی از این نشریه در کتابخانه ملی تبریز موجود است که در این نوشتار به معرفی آنها پرداخته شده است.

مقدمه

نخستین نشریه ایران روزنامه کاغذ اخبار است که در سال ۱۲۵۳ هـ.ق (۱۲۱۶ هـ.ش / ۱۸۳۷ م.) در دوره پادشاهی محمد شاه قاجار توسط میرزا صالح شیرازی انتشار یافت. دو شماره از این روزنامه؛ شماره‌های مورخه ربیع‌الثانی و جمادی‌الاول سال ۱۲۵۳ هـ.ق در کتابخانه بریتانیا موجود است. کتابخانه ملی تبریز نیز فایل و کپی این

شماره‌ها را از کتابخانه بریتانیا تهیه کرده است. دومین نشریه، روزنامه سریانی موسوم به «زاراریت بارا» است که در ارومیه از طرف مبشرین آمریکائی برای کلدانی‌های ساکن آذربایجان چاپ شده است. «تلفظ صحیح اسم روزنامه «زاریری دی باهرا» به معنی طلوع روشنائی، که از سوی مبلغان مسیحی آمریکایی به صورت ماهانه با چاپ سربی در ارومیه منتشر شده است. شماره اول آن به تاریخ ۱۶ صفر ۱۲۶۷ (اول ژانویه ۱۸۵۱، ۱۲۳۰خ) دومین سال حکومت ناصرالدین شاه انتشار یافته و به مدت ۶۳ سال تا سال ۱۳۳۱ق (۱۲۹۲خ/م) ادامه یافته است هدف اصلی روزنامه تبلیغ دین مسیحیت (پروتستان) بین کلدانی‌ها و ارمنی‌های آذربایجان بوده است» (مجیدی، ۱۳۸۲ ص ۱۱۳-۱۱۴). سومین روزنامه ایرانی و دومین روزنامه فارسی «روزنامه وقایع اتفاقیه» است، اولین شماره این روزنامه در ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۷ (۱۸ دی ۱۲۲۹/ ۸ ژانویه ۱۸۵۱) سال سوم پادشاهی ناصرالدین شاه به چاپ رسید (ر.ک. رفعت، ۱۹۲۱، ص ۱۱۴). «بعد از این روزنامه جراید متعدده در طهران و تبریز دائر شده و تا آنجا که ما اطلاع داریم قدیمی‌ترین روزنامه ای که در ایران بعد از روزنامه «وقایع اتفاقیه» دایر شد روزنامه‌ای است که در تبریز منتشر گردیده و خبری از آن در شماره‌های سنه ۱۲۷۵ از وقایع اتفاقیه دیده می‌شود. (روزنامه وقایع اتفاقیه، ش ۴۲۰، ۱۳ رجب ۱۲۷۵؛ ش ۴۳۳، ۱۵ شوال ۱۲۷۵) و از آن اشارت معلوم می‌شود در حدود ماه رجب و شعبان از سال مزبور در تبریز انتشار یافته» (رفعت، ۱۹۲۱، ص ۱۱۴-۱۱۵). این روزنامه به نام‌های مختلف از جمله روزنامه «ملتی مملکت آذربایجان»، روزنامه «اخبار دارالسلطنه آذربایجان»، روزنامه «وقایع شهر مملکت محروسه آذربایجان» نامیده شده است (ر.ک. ناهیدی آذر، ص ۱۶).

«وجه تسمیه این روزنامه به «ملتی» این است که چون «وقایع اتفاقیه» چاپ طهران روزنامه رسمی و دولتی بود که حوادث و وقایع کشور و اخبار درباریان را منعکس می‌کرد و دیگر اقشار مردم امکان اظهار نظر و درج مقاله در آن نداشتند، لذا

ناصرالدین شاه به زعم خود برای آزادی نگارش، اجازه انتشار روزنامه ملتی را صادر کرده است». (ارغنون، ص ۲۶۸)

نوشتارهای موجود در منابع

در بیشتر منابع، از جمله در فهرست رایینو نامی از روزنامه ملتی نیامده است؛ «قدیمترین روزنامه چاپ آذربایجان که در فهرست رایینو آمده، ناصری چاپ ۱۳۱۱ هـ.ق است. بسیاری از دیگر منابع، نخستین روزنامه آذربایجان را تبریز ذکر کرده‌اند که در ۱۲۹۶ چاپ شده است» (پروین، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸).

در نوشته‌ای از سیدحسن تقی‌زاده که اولین خبر از محل آرشیو روزنامه ملتی می‌دهد، آمده است: «یک نسخه روزنامه فارسی به اسم «آذربایجان» در کتابخانه برلین محفوظ است که صفحه اول ندارد، ولی از مطالب آن صریحا استنباط می‌شود که بتاریخ اوایل سنه ۱۲۷۶ چاپ شده و خیلی محتمل است که این روزنامه «آذربایجان» همان روزنامه‌ای باشد که روزنامه وقایع اتفاقیه بدان اشاره می‌کند که در سنه ۱۲۷۵ دائر شده» (رفعت، ۱۹۲۱، ص ۱۱۴). صدر هاشمی در نوشته مختصری از این روزنامه بیان کرده است: «چون از این روزنامه تاکنون نگارنده نمونه به دست نیاورده و شاید در ایران نسخه‌ای از آن نباشد. لذا به طور تحقیق نمی‌توان نامی برای آن معین کرد» (صدر هاشمی، ۱۳۲۷، ج. اول، ص ۶۲). در کتاب اولین‌های مطبوعات ایران آمده است: «نسخه‌ای از این نشریه که از آن باید به عنوان چهارمین نشریه ادواری چاپی ایران در عهد قاجار یاد کرد، در کتابخانه‌های معتبر ایران در دست نیست. گویا یک نسخه آن در کتابخانه دولتی برلین می‌باشد که می‌گویند امروز اثری از آن نمانده است» (قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۷).

با توجه به نوشته‌های مرحوم محمدعلی تربیت می‌توان گفت که شماره‌های متعددی از این روزنامه در اختیار ایشان بوده است. «از مطبوعات مهمه تبریز اولین روزنامه آنجاست که در هر پانزده روز و گاهی در یک ماه شماره‌ای از آن در چهار صحیفه به عناوین: اخبار دارالسلطنه آذربایجان، روزنامه وقایع شهر مملکت محروسه آذربایجان، روزنامه ملتی مملکت آذربایجان، و غیر آنها مشتمل بر اخبار آن ایالت در

حدود سال ۱۲۷۵ هـ ق تأسیس یافته است که نمرات عدیده‌ای از این روزنامه دیده و دارم». (ارغنون، ص ۲۷۹)

شماره های موجود در کتابخانه ملی تبریز

کتابخانه مرکزی (ملی) تبریز در سال ۱۳۳۵ ش. به همت خیرین فرهیخته و مساعدت مردم تأسیس شد؛ و با کتب اهدایی برادران نخجوانی و دیگر شخصیت‌های علمی و ادبی شروع به کار کرد. این کتابخانه با آرشیو غنی از نشریات، از زمان شروع روزنامه نگاری در ایران یکی از مراکز مهم آرشیو مطبوعات کشوری به شمار می‌رود.

در آرشیو نشریات کتابخانه ملی تبریز، جزء نشریات اهدایی حاج محمد نخجوانی، هفت شماره از این روزنامه موجود می‌باشد. این شماره‌ها، نمره ۴۲ تا ۴۸ است. شماره ۴۲ در «پانزدهم شهر رجب‌المرجب ۱۲۷۸» و شماره ۴۸ در «پانزدهم شهر ذیقعدہ الحرام» همان سال انتشار یافته است. شماره ۴۳، ۴۴ و ۴۵ با فاصله یک ماه در غره شعبان، غره رمضان، غره شوال ۱۲۷۸ ق و بقیه با فاصله ۱۵ روز منتشر شده‌اند. هر کدام از این شماره‌ها در چهار صفحه و در اندازه ۲۱×۳۳ می‌باشند. نام این روزنامه در شماره‌های ۴۲ و ۴۳ «روزنامه ملتی» است که از شماره ۴۴ تا ۴۸ واژه آذربایجان بر آن افزوده شده و به صورت «روزنامه ملتی آذربایجان» آمده است. هر چهار صفحه شماره ۴۲ به صورت ۳ ستونی، و شماره‌های دیگر تک ستونی می‌باشند. در پایان شماره ۴۲ محل فروش روزنامه به صورت «فروش روزنامه در حجره حاجی عبدالله تاجر تبریزی در کاروانسرای عبدالملک است» آمده است.

سر لوحه این شماره‌ها در سه ردیف سه ستونی می‌باشد که در ردیف اول تاریخ، شماره روزنامه، نام روزنامه و در دو ردیف دیگر قیمت روزنامه، محل چاپ و قیمت اعلانات چاپ شده است. در این نسخه‌ها «قیمت روزنامه هر نسخه چهارصد دینار» و «قیمت اعلانات هر سطری سه شاهی» درج شده است.

اغلب مطالب احوالات مظفرالدین میرزا و «اخبار دول خارجه» می‌باشد که با این تیتراها در شماره‌های مختلف آمده است.

- شماره ۴۲: «اخبار متعلقه بوجود مبارک حضرت والا»، «سواد حکم نظامی»، «دارالسلطنه تبریز»، «اخبار دول خارجه»
- شماره ۴۳: «اخبار متعلقه بوجود مبارک حضرت شاهزاده اعظم والا تبار مظفرالدین میرزا صاحب اختیار مملکت آذربایجان»، «اخبار دول خارجه»، «قیمت اجناس دارالسلطنه تبریز از قرار صورتیکه احتساب آقاسی داده».
- شماره ۴۴: «اخبار متعلقه بوجود مبارک حضرت شاهزاده اعظم والا تبار صاحب اختیار مملکت آذربایجان»، «اخبار دول خارجه»، «ساعت لیالی شهر رمضان المبارک را میرزا علی منجم باشی از این قرار تشخیص داده است برای استحضار عامه خلق در این روزنامه سمت تحریر یافت».
- شماره ۴۵: «اخبار دارالسلطنه تبریز»، «سایر ولایت»، «اخبار خارجه».
- شماره ۴۶: «وقایع اتفاقیه دارالسلطنه تبریز»، «اخبار خارجه».
- شماره ۴۷: «اخبار متعلقه بوجود مبارک»، «اخبار سرحد ساوجبلاغ مکری»، «خوی»، «ترجمه اخبار خارجه».
- شماره ۴۸: «حالات متعلقه بوجود مبارک»، «امور دارالسلطنه تبریز»، «ترجمه اخبار خارجه».
- دو شماره روزنامه دیگر با صفحه آرایبی متفاوت همراه روزنامه ملتی موجود است که نمی‌توان گفت ادامه روزنامه ملتی مملکت آذربایجان باشند، ولی اینها نیز در تبریز منتشر شده‌اند. یکی از این شماره‌ها در ۹ صفحه و دیگری تنها صفحه‌های ۶ و ۷ یکی از شماره‌ها می‌باشد. در بالای صفحه نخست واژه آذربایجان و در ذیل آن «روزنامه وقایع اتفاقیه بقیه شهر ذی‌الحجه الحرام سنه ۱۲۸۲ و شهر محرم‌الحرام مطابق سال فرخنده فال بارس نیل خیریت تحویل ۱۲۸۳» نوشته شده است. در صفحه‌های ابتدایی اخبار متعلق به ولیعهد و دارالسلطنه، سپس به اخبار ولایات جزو: «اردبیل، ارومی، خوی و سلماس، مراغه، سراب و گرم‌رود، صاینقلعه» پرداخته و در انتها نیز اخبار خارجه و «نرخ ماکولات دارالسلطنه تبریز» نوشته شده است.
- صفحاتی از «روزنامه ملتی آذربایجان» را در ادامه مشاهده می‌فرمایید.

عزّه شهر ذیقعدّه احرام	مزه ۴۷	روزنامه ملتى آذربايجان
قیمت روزنامه هر نسخه	در اول الطباعة والتسطير	قیمت اعلانات هر سطر
چهارصد تنار	سنة ۱۲۷۸	سه شاهی
<p>— اخبار متعلقه بوجود مبارک —</p>		
<p>بجمله الله تعالى فرج مبارک حضرت شاهزاده اعظم والاینا صاحب جبار ملک آذربایجان در کمال صحت و اعتدال سپساشد و پوسته اشطام امر ملک و رفاه و رعیت را و چه قیمت فرموده اند و مستر اراده اند که بر همه روز بچشند. اپرون شهر حوالی باغ شمال تشریف می برند و در حضور مبارک مشق قوب و تیر اندازی بشود در باب قله مرحوم شهیدی عساکر و قد غنمای سر دار کل عساکر قافله نظام و غیر نظام در روزنامه ای فستل اشاره شده بود امروزه بجز خنجر که آن اسم انشاء الله تعالی پیدا خواهد شد همه آنها دستگیر شدند و الان در حبس مشغولند بعد از در حقیقت آنها از دیوان هاپون حکم صادر شد و با مضار رسید در اخبار آتی مرقوم خواهد گشت میرزا عبد الوهاب خان نایب الولا یاره و کارکنان عمام خارج ملک آذربایجان در انجام خدمت و جهات خارجه کمال استقامت و مراقبت بعمل می آورد و امور افتخاریه بنسبه اول محابله چنانکه مضامین اصول دولتی است با حسن وجود قطع و فصل مسناید و تجار کمال رضامندی از حسن سلوک و رفتار محسنی الهی دارند چون در انجام خدمات مقرر در دیوان قدر نشان هاپون مجاهد موفور و مساعی مشکوره از اذخا مسر می شدند از جانب حضرت والا صاحب جبار ملک آذربایجان با عطای یکویب جبهه تریه کشمیری معطر و سرهنه از کردید چون جنرال فونسل دولت بنه رویه مسواره اوقات خود را به امید قواعد و داد و نشنیدد با نی اتقاد و دلین علیستین مصروف داشته و بابت هر دو دولت قومی شوکت بحسن سلوک روش روزده بود و مراتب ارادت و عقیدت و خدمتگذاری منبرگی مروض و مشهور و خاکسای مرحمت همشای علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خدایه ملک و سلطان افشاده و رای جهان ارای هاپون مشهرا ریاض بود که القات و مرحمتی در پاداش خدمات منبری ایسه بندول کرد و لند از جانب سنی ایجاب هاپون با عطای یک قنده نشان از درجه اول سر سنی و بکر شده حامل مصلحت</p>		

ان قرین بیانات کردید میفرمود که کمال امید و آری آورده پیکر اعتبار و حمال کرد
 افکار خود کرده شرایط شکر گذاری را بمجلس آورد این روزها که عید مولد
 اعلیحضرت امپراطور دولت پهنه روسیه بود بقاعده و قافوسیکه همیشه در اندو
 مند اولت جزال توصل از روز خود را بوشاح نشان و حمال محنتی دولت
 عیته موشح ساحه در مجلس جشن نشانی شرایط تبیین و مبارکباد که از جانب حضرت
 والا صاحب اختیار مملکت اذربایجان و سردار کل عساکر قافیه لازم بود بهمل آ
 نایب الوزاره کار گذارند مملکت اذربایجان نیز بقاعده مستداوله باشان و حمال بر
 قوشکوی رفته شرایط تنبیه را بمجلس آورد چون میسر زصادق خان غلام
 پشخودت از خدمتگذاران شایسته دیوان هایون بود و همیشه در انجام
 خدمات مرجوعه مراقبت کاظم بمجلس میاورد بوجب رقوم مبارک حضرت والا
 صاحب اختیار مملکت اذربایجان منصب یوزباشیکری غلامان ممتزین رکاب
 مبارک معتمدی افزاز کرده در نهایت اهتمام مشغول خدمتگذاری می باشد

اخبار سرحد ساوجبلاغ کبری

از تشریح اخباری که از آن سرحد رسیده ابراهیم آقا و عمر آقا که از اقا بان پشدر
 باشند از اجارات دیوانی انجاء عملی را از محمداقای نورالدینی حاکم پشدر
 قسبل کرده چون در ادای آن کوتاهی کرده بودند و حاکم پشدر بحکم حاکم سیلیمانیه
 آنها را محبوسا سیلیمانیه فرستاده و اقا بان پشدر بحکمایت آنها جمعیت کرده از ابر
 منگور هم بواسطه قوم و خویشی امدادی بانها شده قتل و غارت را از پنجه در پشدر ارفاق
 افتاده است حاکم سیلیمانیه با عسکر دولتی برای تنبیه آنها حرکت کرده مراتب را
 بشجاع الملک حاکم ساوجبلاغ کبری نوشته بود که در تادیب ایل منگور از جانب ا
 هم افتد امی بشو بقصد ایل انقزات در دار السلطه تبریز بحضور مبارک حضرت
 والا صاحب اخبار مملکت اذربایجان عرض شد سردار کل عساکر منصوره نظام و غیر
 نظام حسب الا در شجاع الملک را با دو فوج سینه باز و سه عراده توپ مانور کرده بجهت
 فرستاده و بجهت رسیدن او بسر حد که اسباب پنجه و تادیب ایل منگور از هر طرف
 فراسم آمده بود خبر مسادوت پاشای سیلیمانیه رسیده و این مقصود حجاجه بجهت مسادوت
 او در ناخبر ماند و بسبب هنوز سردار کل عساکر منصوره شجاع الملک را از سر حد مسادوت

ماده و باقون و توپ خانه در سرحد باشد تا بعد چه حکم صادر شود

خومی

از قسب زریکه در روزنامه خومی نوشته بودند نظر الله سید زاکسلیک باشرو حاکم خوی
 در نظر انور آن ولایت در سرحد دولت عهد و حصول اجنت و رفاه و رغبت و انجام
 خدمات و جهات دیوانه نبات سرافقت و استقامت را بعمل میآورد اما لای
 آن ولایت از حسن سوک و رشاد سوزی الیه کمال رحمت مندی دارند و
 هر کس که مصدر شرارت و سرقت باشد و سبک نموده بجزایش میرسد چنانکه کتبی
 دزدی که از پیشه لرد الواط و سایرین مشهوره آن ولایت
 و مردم از شرارت و دزدی او در سینه بودند

و ایام حکومت ضیاء الدوله محمد رحمتی

هم چند هفت مردم است

و عارض و شای

کشته و تکیه کنند

بود

باز در روزنامه استقامت سوزی الیه دستگیر شده بعد از استرداد مال مردم بیعت است

ترجمه اخبار خارجه

از قریب که در روزنامه اسلامبول نوشته بودند دولت روم عهدنامه جدید بخاری با بادول کلبر و

فرانس و پروس و روس و ایتالیا و اسپانیا و نوروچ و بلجیک و هولند و پورتقال و ایتالیا

قرار داده و امضا نموده است و چنانکه مذکور است کویا در این نزدیکی با دولت فرانس و ایتالیا هم قرار داده

امضا نمایند ایضا از قرار اخبار که در روزنامه کوزنیر اوزبا نوشته اند دولت روس بعد از آنکه

مخارج به ایتالیا را چون که عمارت باشد داده و لنی در آسیا که شفت کرد و ساکن در دبر جزایر سیبری چنانکه

که از قلمرو دولت فرزوره است متولی شده است و جزایر فرزوره، سی سبل در طول پانزده میل در عرض است
 و در وسط بوغاز کزوه واقع است و در نزدیکی این جزیره یک عکلت بسیار وسیع واقع شده است که خیلی
 بجنال دارد که از آنجا زیاد برنج و پنبه و کب و غیر ذلک تحصیل شود و بسیار معدن طلا و نقره و مس
 و نمک و غیره دارد و آبسای خوبی و بعضی حیوانات شاخ در تربیت میناید بهر صورت تشخیر جزایر
 فرزوره برای دولت روس خیلی انفع است و زبان اهل آنجا غیر زبان اهل چین است و مذنب نما
 بنمب برهنی مشابست ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته بودند که بر حسب تخمین جدید امانی یونان
 بدو که در نو و شترار و مشقه و دوفر رسیده که دو بیست و هشت هزار زنانه در جزایر آیشیل
 سکلی و زرنده و مابقی در خود نواحی یونان است ایضا نوشته بودند که یک نفر ناجر جو دومی و نیزه و انگشت میسر
 که از قلمرو دولت پروس است خیلی دولت جمع کرده بود در وصیت نامه خود نوشته است که
 پست مشایخه طایر که تخمیناً چهارده هزار تومان بول ایران است صرف عمارت کنند که اعتبار

	در شکست و سایر افراد آنجا سکلی	
	کرده و تمشیر نمایند	

منابع:

- ۱) آرین پور، یحیی (۱۳۵۱). از صبا تا نیما، ج اول، تهران.
- ۲) براون، ادوارد (۱۳۸۶). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران: علم.
- ۳) پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷). تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، جلد اول و دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴) تربیت، محمد علی (۱۳۷۸). دانشمندان آذربایجان (به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵) رفعت، تقی (۱۹۲۱). «روزنامه نگاری در ایران در قرن سیزده». کاوه، سال دوم (دوره جدید)، شماره ۶: ۱۴-۱۶.
- ۶) سرداری نیا، صمد (۱۳۶۰). تاریخ روزنامه ها و مجله های آذربایجان، تهران: دنیا.
- ۷) صدر هاشمی، محمد (۱۳۲۷). تاریخ جراید و مجلات ایران، ۴ جلد، اصفهان: کمال.
- ۸) طباطبایی مجد، غلامرضا (بی تا). ارغنون (مجموعه مقالات محمد علی تربیت)، تبریز: نشر ابو.
- ۹) قاسمی، سید فرید (۱۳۸۳). اولین های مطبوعات ایران، تهران: آبی.
- ۱۰) قاسمی، سید فرید (۱۳۸۰). سرگذشت مطبوعات ایران روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۱) قاسمی، سید فرید (۱۳۸۹). مطبوعات ایرانی، تهران: علم.
- ۱۲) قاسمی، سید فرید (۱۳۸۵). «سراغاز روزنامه نگاری در تبریز». فصلنامه نگاه نو، شماره ۷۱: ۸۵-۸۷.
- ۱۳) مجیدی، موسی (۱۳۸۲). تاریخچه و تحلیل روزنامه های آذربایجان ۱۲۳۰-۱۳۸۰، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۴) ناهیدی آذر (بی تا). عبدالحسین، تاریخچه روزنامه های تبریز در صدر مشروطیت به انضمام مجموعه روزنامه ناله ملت، تبریز: هادی.

دېلېمىز و ادبىياتىمىز

(۳)

○حسن مجيدزاده «ساوالان»

تۆركلر چۆخ اسكى چاغلاردان، ميلاددان اۇنجه لردن قوزئى دن گليب «چين» دن تونموش آسيانين گۆن دۇغانيندان گۆن باتانا سارى، اورتا اوروپا يادك يايلىمىش دير بو تۆرك دىللى - لرين بىر قسىمى اورتا آسيادا يئرلشمىش، بىر قسىمى (اويغورلارلا «چين» ده يئرلشمىش، بىر بۇلومو آسيانين گۆن باتانينا سارى هينديستان و هيند هنده وورينه پنجاب لاردان اوزو افغانستان، خراسان ايرانين بىر چۆخ يئرلرينده قديمده بۇيوك آذربايجان، ماورالنهر (عراق)، سوريه، آنادولو (تۆركيه) و قافقازدا يئرلشمىشلر^۱.



بىر سيرا تۆركلر خزرين اوستو قوزئى لردن آخيب اوزو گۆن باتانا دۇغرو بالكانلار و باشقا يئرلرده يئرلشمىشلر.

تۆرك دىلى شارقين ان اسكى (قديم) دىللىرىندىن دىر. بئله ليكله بۇيوك تۆركولوق بىليجى عالم لرين يازديغينا گۆره:-- بو تۆرك دىللى لردن «چوواش» و «ياقوت» لار بىر آز فرقلىبلر. قالانى نين هاميسى لاپ عىنى اولماسا دا آزاچيق بىر - بىرىندن لهجه و شيوه فرقلىرى وار. مثلاً اوز اولكه ميزده خراسان، ساوه، اراك، قم، شهياري، تهران، اصفهان، شيراز، همدان، قزوین، زنجان، آذربايجان شرقى، غربى، اردبيل، استانى آستارا تا انزلى يه دك.

بونلارين ايلكىن و تمل يوردلارى مركز آسيادا اوزال - آلتاي داغلارى آراسيندا اولوب. تۆركلر اقتصادى، سياسى، اجتماعى، ائللىشمىش و اقليم (يئر، سو، هاوا، اولكه، اوتلاق، يورد) باخيمى و انتگى سيندن دفعه لرله كۆچمه و كۆچرى ليك زوروندا قالمىشلار. (بو دا تۆركلرين بۇلوق، صفالى، و گۆزلىك سئورلىك لرىندىن دىر). چۆنكو تۆركلر هر يئر گئديبلر، اوزانى آبادلاشديريبلار.

^۱ - بو مقاله نى تاريخ ايله باشلايىرىقسا، گلن صحيفه لرده گۆردجه يىنىز كيمي مقصدىمىز تاريخ دئيبلى، دىل و ادبىياتىمىزدان يازماق دىر.

بو سۇن چاغلاردا تۆركلرین ھلە دە كۆچرى ياشامىندا سئويملى دۇغما وطنىمىزدە بو گۆن آذربايجانين ساوالان داغى يۈرەلريندە «ئىل سئورلر» (اسكى دە شاه سۆنلر)، و وطنىمىزىن جنوب ايالتلريندە قاشقاي لار^۱ كۆچرى حاليندا ياشايرلار. ھوتلار و خزر تۆركلريندن باشقا دئىمك اۇلار كى، بۆتون خلىج، قىبچاق، اۈزە- لىكئە اۈغوز تۆركلرى اسلام دينينه گليب مسلمان اولوبلار. بو مختلف كۆجمەلردە، يئنى- يئنى يئرلردە آيرى- آيرى دىللردە دانىشانلارلا ياناشى قارداشجاسينا ياشايرلار.

البته دىل باخيمىندان بىر- بىرلرينه ائنگىلرى اولوبموش. بو طرفدن تۆركلرە بىر الھى سعادت قاپوسى آچيلير. تۆركلر اسلام دينينه كۆنوللو، جان- باشلا آلقىشلايب نائل اولوبلار. چۆنكو دۇنيانين بۇيوك و آغير خلقلريندن اولان تۆركلر اسلامدان چۇخ اۇنجهلردن «گۆى تۆرك» دۇوروندن «تك تانرىلى» ايدىلار. اۇنلارين ايناملاريندا (دۇنيانين جانلى- جانسىز بۆتون گۇرونن- گۇرونمزلرينى يارادان) تك تانرى ان يۆكسكلردە، گۆى دەدير اينانمىشىدىلار. اۇندان دۇلايى «گۆى تۆرك» تانينمىشىدىلار. اسلام پيغمبرى (ص) نين «لااله الا الله» بويوردوغو تۆركلرين ھمان حضرت ابراهيم پيغمبردن ائشيتدىكلرى «تك تانرى» ايدى. تۆركلر چۇخدان گۆزلە- دىكلرى مقدس اسلام دينينه نائل اولاندان سۇنرا بو يئنى الھى ايدئولۇژىلرلە چۇخ زامان چكمدى بىر چۇخ تۇرپاق و اۆلكەلرى كيچىك آسيانى (آسياي صغىرى) الە كئچيرتدىلر. اسلامين مقدس بايراغىنى اوجالديب، اوروپانين «وين» شھرىندن آشىرى اۇرتاسيندان دا اۇيانلىغا الھى عشقىلە آپاريلار.^۲

اۈغوز تۆركلرى ايراندا باشقا ايرانلىلارلا قايناييب- قارىشىب، خصوصىلە تۆرك دىلىندە اولمايانلار، آيرى دىللردە اولان قۇوملار ايچرىسىندە فارس دىلىنى

۱ - قشقاى ائلىندن اولان حۆرمىتى دانىشگاھ اۆيرتمنى جناب دكتر مھدى قرخلو قشقاى ائلى نين ساينين ابكى مليوندان آرتىق اولدوغونو سۆيلەيىر. ھمىن ائلدن اولان شاعىر و تدقىقاتچى «اسدالله مردانى» نين سۆيلەدييىنە گۆرە قاشقاىلى دىلداشلاريمىزىن ساىى ايندى اۆچ مىليون يارىمدان دۇرد مىليون قدردير. اونلار ۸ ايالتدە كۆچرى شكلىندە اوتلاقلارى اۇتارير. ياشايرلار. سۇزو گئدن ايالتلر بونلاردىلار: فارس، كرمان، اسفھان، كھكىلويە- بوير احمد، خوزستان، ھرمزگان، چھار محال و بختيارى، بوشھر.

۲ - بۇيوك عالم، توركولوق دكتر جواد ھىمتين «سىرى در تاريخ زبان و لهجههاى تركى» كتابى نين مقدمەسىندن دە استفادە اولوب.

خۇشلايىبلار. البتە اسكى چاغلار ماورالنهر دە جیحون چایی ھندەوریندە فارس و تاجیکلرلە اۆلموشلار. بىر چۇخ يئردە بو بىر- بىرىندىن آیری دىللى قۇوما تۆرك و تاجیک دئیىبلر سغدلار و تۆركلر اسلام دینینی عشقلە سئویب ایمان گتیرندىن سۇنرا گنت- گئدە سغدلار تۆرك دىلینی خۇشلايىب تۆركلرین ایچیندە تۆركلەشيب، اریيىب، تۆرك اۆلوبلار.

اؤغوز تۆركلری بىر چۇخ خلقلر آراسیندا چۇخ قۇوملو ایران قۇوملاریلا، ایراندا اۆلان دىبلر ایچیندە فارسلا، باشقا تات و آیری دىللىلرلە اسلامى اخوت و اویقون سئوگیلە اۆلوبلار. ایراندا ۲۴ تۆرك ائللریندىن «اؤغوز، قیچاق، خلجیلر» اؤ بیری ائبلردن چۇخ اۆلوبلار. بو سۇن چاغلاردا میلادین ۱۰- جو یۆز ایل لیگیندە چۇخ تۆركلر ایراندا، سوریه و عراقدا ھابئله قافقازدا وار ایکن یئنی تۆرك آخینلاری خراسان یئنی ایرانین شرقیندىن گلیبلر. ایراندا بو یئنی تۆرك آخینی آپ ارسلانین باشدا اۆلماغیلا «اؤغوز» تۆركلری چۇخ گۆجلەنیبلر. باشدا طۇغرول خان اۆلماقلا بۆتون کیچیک آسیانی (آسیای صغیری) آلیب، آنادولودا و ایراندا بۆیوک سلجوق امپراتورلۇغونو قوروبلار. آنادولو امپراتورلۇغو سلجوقلو طۇغرول خانین قارداشی چاغری خانلا اۆلوب. بىر آیری تۆرك قوروپلاری ایرانین قوزئی دۇغوسوندا افغانستاندا «غزنوی» حکومتی قورموشلار. بو حکومتین باشیندا سلطان محمود غزنوی اۆلور. بو حکومت اۆزلىرى تۆرك، باشلاریندا تۆرك سلطان محمود اۆلوب. اؤ دا فارس دىلینی سئویب و فارس دىلینە رسمیت وئریب. البتە چاغری خان و طۇغرول خان عرب دىلینی دین و شریعت دىلی، فارسجانی دا یازی دىلی ائدیب. سلطان محمود دا فارسجا شعر قۇشان شاعرلری سئویب، ھوسلندیریب مادى و معنوی حمایت ائدیب. اؤز ساراییندا فارسجا شعر دئمەیی اَلقیشلايىب، چيچکلنمە و انكشافینا باعث اۆلوبلار.

چۇخ حۇرمت و محبتلە ابوالقاسم فردوسىنى چیلخا فارسجا دا شاهنامە یازماغا شوقلاندىریب، ایش بئله اۆلدوقدا، بیزیم (تۆركلرین) بۆیوک، دىرلى عالم، عارف، فاضل، فقیه، فیلسوف، ادیب شاعرلریمیز بۆتون اثرلرین عربجه و فارسجا اؤز دىللىرىنە اۆیمايان عروض اۆلچوسونده یازیب، چۇخ دىرلى اثرلر یارادیبلار. تۆرك بىلیم آداملارینین فارسجا یازان و یازدیقلاری اۆلمز اثرلری دورور. مولوی نین مثنویسى شمس- ین غزلىرى، گنجەلى حکیم نظامى نین دیوان- خمسە و بۆتون اثرلری،

شیروانلی خاقانی نین، فلکی نین، تبریزی قطران، و بیر چوخ عالم لر اؤز علمی اثرلرینی (دینی، علمی، اسلامی، عرفانی) اثرلرینی عربجه و فارسجا یازیبیلار. بو آرادا عرب و فارس دیلریندن بیر چوخ سۆز و لغت لر تۆرک دیلینه کئچیب قارشیلیقلى اولاراق بۇل سۆزلو تۆرک دیلیندن ده عربجه و فارسجا کئچمیشدیر. بیر چوخ بؤیوک عارف انسانلار تۆرک اولوب فارسجا یازان شاعرلرین شعرلرینده تۆرک عادت، عنعنه لری، فولکلورو، آتالار سۆزو عربجه و فارسجا کئچیب دیر.

بیز فارس دیلینده یازان تۆرک شاعرلریمیزین اؤلمز اثرلرینده درین معنالار داشییان تۆرک سۆزلریمیزی آپ- آیدین گۆره بیلیریک.

مثلا نظامی ده:

نگشتم ز آتشت گرم ای دل افروز بدودت کور می کردم شب و روز

تۆرک آتالار سۆزو: ایسینه دیم ایستی سینه - کور اولموشام توستوسونه

آیری یئر ده نظامی خسرو پرویز شیرویه حقیقنده دئییر:

از این ناخوش نیاید خصلت خوش که خاکستر بود فرزند آتش.

تۆرک آتالار سۆزو: اود دان کؤل تۆزر - کؤلدن ده اود

آیری یئرده دئییر:

گر به بود کز سر هم پوستی بچه خود را خورد از دوستی

تۆرک آتالار سۆزو: پیشیک بالاسینی ایسته دیگیندن یئییر

آیری یئرده:

نه هرتیغی بود با زخم هم پشت نه یکسان روید از دستی ده انگشت.

تۆرک آتالار سۆزو: بئش بارماغین بئشی ده بیر اولماز.

آیری یئرده:

نبینی مرغ چون بی وقت خواند بجای پرفشانی سرفشان

تۆرک آتالار سۆزو: واخت سیز بانلایان خوروزون باشین کسرلر

آیری تک مصراعدا:

گل آرد بید لیکن بر نگیرد.

تۆرک آتالار سۆزو: سؤیود آغاجی بار وئرمز

آیری یئرده یئنه نظامی:

نمى خواھى كە زىر افتى چو سايە مشو بر نرديان جز پايە - پايە

اۋز تۆر كجەمىزدە: نردوانى بىر - بىر چىخارلار.

اۋندان دۇلايى بو گۆن فارسلا دئىيرلر: آللهم بىر - بىر.

تك مصراعلاردا بئله دىر: تو مادر مرده را شيون مياموز

اۋز تۆر كجەمىزدە: ننهسى اولنه اوخشاماق (اوخشاتما) اۋگرتمه

آيرى تك مصراعدا: نخندد زمين تا نه گريد هوا (سما)

اۋز تۆر كجەمىزدە: گوۋى آغلاماسا، يئر گولمز.

آيرى تك مصراعدا: مكن با سر بزرگان، سر بزرگى.

اۋز تۆر كجەمىزدە: بۇيوكلرايله باش باشا قۇيما

مىنلرجه بئله اۋرنكلر گتىرمك اۋلار. نئجه دئىرلر كى، آنلايانا بىر گۆز اوجو بس ائىلر.

بوردا بۇيوك بىر خلق اۋلان تۆرك خلقى نين فۇلكلوروندا، آتالار سۆزونده اۋلان

معنلار، يۇكسك دۆشونجهلر فارسجايا كئچمىشىدىر. بونون ترسىنه دىلیمىزه اۋيمايان

عروض اۋلچولو تۆر كجە شعرلده كرور - كرور، سايسيز حسابسيز عرب و بىر آز دا

فارس سۆزلىرى دىلیمىزه تۇكولور. اۋرنك اۋلاراق بو بيتى اۋخوياق:

انسان، او ذات دىر كى، وظيفه شناس اوللا نخل - عمل مثالى ثمر بخش ناس اوللا.

«محمد هادى»

بوردا فارس دىلى نين دىلیمىزه اۋيمايان، اۋزگه اۋلان نحوى و گرامرى، فارس و

عرب دىللىرى نين سۆزلىرى دىلیمىزه تۇكولور. دىل چىلخالىقدا اۋلان گۆجونو الدن وئىر.

هر دىلین اۋز قايدا - قانونو اۋلدوغو كىمى، بىزیم ده دىلیمىزین اۋزونه گۆره قايدا -

قانونو وار. هر دىلى اۋز قايداسى دئىيل، باشقا دىلین قايداسىندا ایشلتسك گئت - گئده

دىل اۋز بۆتونلويوندىن گئرىله ير، اۋز لويونو الدن وئىر، اۋلوشگمه عارضه سینه دۆشر.

آخساقلاشار، آرتیم، گلىشىم، دۇغوب - تۇره مه يارارلىغىنى الدن وئىر. ايلكىن (مبتدى)

دوروما دۆشوب قالار.

تۆرك دىلى «تحلىلى» هيند اوروپائى دئىيل و يا «تك هجالى» (چين، تبت)

آسيانين قوزئى گۆن دۇغان خلقلرى نين دىلى كىمى دئىيل و يا «قالبى» دىللىردن

سامى، آرامى، بابلى، اكدى، عرب، عبرانى، آشورى دئىيل.

بو دیلرین ھىچ بېرىسى نىن سېكى بېزىم تۆرك دېلىمىزە اويغون دئىيل. بېزىم دېلىمىز «التصاقى» آيرى سۆزلە «پىوندى» اورال - آلتايىك دېلر سىراسىنداير. التصاقى دېلرین دە سېقلەنىب انكشاف ائتمىشى، گلىشىملى بېر دېلدىر.

سلجوقلورلارین گۆجلو دۇورو بۆتون سلجوق تۇرپاقلاریندا اۆزلىكلە ايران و اورتا شرقدە تصوف و عرفان فارس دېلى نىن نفوذونا يارديم ائتدى. بېر ائلكە كى عرب دېلى دىنى، علمى، حقوق و قضا دېلى اۆلدو. فارس دېلى دە عرفان، ادب و كتابت دېلى اۆلدو.

تۆركلرین خواص و سىچگىنلرى، يۆكسك سوتەلى بېلىم آداملارى، ان اوجا تۆرك يئتەنگلى لرى فلسفە، شعر و ادب اوستالارى اۆز اثرلرینى عربجە و فارسجا يازدىلار. اۆلمز شاه اثرلر ياراتدىلار.

بوردا سىچگىن و خواصدان دانىشدىق. ايشىن اۇنملى بۇلومو ائل و خلق دېر. اۆ ياندان تۆرك ائل شاعرلرى شعرلرینى دۇغما ائل ساياغىندا، ائل ايچرە «ھجا» اۆلچوسوندە قۇشوب، ائل يئغىنجاقلاریندا، ائل شنلىك لریندە، ائل بايراملاریندا سۆيلە - يىبلر. چۆن شعرلرى ھجا اۆلچولو قىسا مصراعلى، آز سۆزلو، ائل ساياغىندا قۇشودوقلاریندان ائشىدنلر اۆ شعرلرى ازبرلە يىب بېر - بېرلرینە سۆيلردېلر.

شاعرلرین شعرلرى ائل آرا آغىزدان - آغىزا يايىلىب ذھنلردە قالىب، نسیلدن - نسیلە كئىچىب فۆلكلور شكلىندە قالارقى اۆلوب قالىب. چۆنكو شعرلردە ايشلەن سۆزلر سادە ائلىن دانىشىق سۆزلرى كىمى آخىب قولاق يۆلو ایلە خلقىن جانىنا يايىلىب، ذھنلردە قالارقى اۆلوب. بو شعرلرین قۇشوجولارى چۆخ وقت عاشىق لار اۆلوب. ساز چالىب، شعر اۆخوبولار. عاشىق دئىندە يعنى ائلىن، دېلىن عاشىقى دئمكىدېر.

عاشىقلار ائلى سئويب، ائل دە عاشىقلارى سئويب و سئويرلر. بۆتون تۆركلر اۆزلىكلە اؤغوزلار «قۇرقوت» آتادان برى قۇپوزلارینى باغىرلارینا باسىب اۆركلریندن آرى - دورو تۆرك قانى بئىينلریندە گزىب، اۆرەك سۆزو اۆلوب، آغىزلاریندان چىخىب فارسلا دئيرلر:

«ھر سخن كز دل بر آید، لا جرم بر دل نشیند» تۆركجەسى بئلە اۆلا بېلر:
«جاندان گلن سۆز - جانا ایلەشر». آذربايجاندا عاشىقلار، بۆتون ايران تۆركلریندە ائل عاشىغى (سازلى - سۆزلو) سئويملى انسانلار اۆلوبلار. بو عاشىقلار شعرلە ياناشى نثر

داستانلار دا يازىبلار. عاشىقلارلار بو صنعتده ياشلار چۇخالديقجا، ائلدىن - ائله، اۇبادان - اۇبايا كندىن - كنده بۆتون ائلى گزىب گئت - گئده تجربەلرى چۇخالديقجا، قۇشدىققلار شاعرلر الهى لشيىب، عرفانى لشيىب، اوستادنامە شعرلرى چۇخالىب، بو كىمى پيشكىن عاشىقلارلا حق عاشىغى دئىيىلر. عاشىقلارلار قوشدىققلارلار هجا اۇلچولو اۇلوب، ائل ايچىنده آبرى شعر طبعى اۇلانلار دا عاشىقلارلا باخىب، اۇلارلار شعرلرى ساياغىندا هجا اۇلچوسويە شعرلرلر قۇشوبلار. بۇيوك عالم دكتور هيئتىن ۱۳۷۴ دە وارلىق يىن ويژه نامه سى «ادبيات شناسلىق» كتابىندا گلىب.

«هجا اۇلچوسو آذربايجان شعرى نىن آنا شكلى دىر و تۆرك دىلى نىن قورولوشونا اويقون اۇلدوغونا گۆره اسكى (قدىم) زاماندىن ائل و خلق شعرىنده ايشلنمىشىدىر. كاشغارلى محمودون «ديوان لغات الترك» - ۆنده گتيردىگى ساغو (مرثيه) و قۇشوقلار (شعرلر) هجا اۇلچوسو بارماق سايى ايله دىر.

هجا اۇلچوسونده شعر قۇشماق عادتى تۆركلر ده چۇخ اسكى دىر. تۆركلر شعره قۇشوق يا قۇشوقو دئيردىلر. ايلك شاعرلر «شامان» دىن اداملارلر اۇلموش و اللرىنده ساز، رقص ائدهرك شعر سۇيلرميشلر. بو سازا «قۇپوز» دئيرميشلر. اۇنو چالاراق شعر اۇخويانلارلا شامان، اۇزان، باقسى و ... دئيرميشلر. اۇزانلار دىنى مراسملرده و هر ايل تكرر اۇلان «اوو» مراسمىنده (سيغير مراسملىرى)، هابئله ياس = ماتم مراسملرىنده و ساواشلاردا اۇ حال و مراسمه اويقون قۇشدىققلارلر شعرلرى ساز چالا - چالا اۇخويار، شعرلرلر تائيرىنى گۆجلندىرەرك خلقى هيجانا گتيررميشلر.

«ديوان لغات الترك» ده يازى يا آلىنان اسكى تۆرك شعرلرىدىن اۇرنكلر واردىر. بونلاردان آلپ ارتونقانين مرثيه سى اۇچون سۇيلىنمىش «ساغو» (ماتم شعرى) چۇخ ماراقلى دىر. بو ساغو ميلاددىن يئدى يۆز ايل اول ياشامىش تۆركلرلر تارىخى قهرمانى افراسياب اۇچون، ائل و خلق شاعرلرى طرفىدىن قۇشولموشدور و عصرلر بۇيو دىلدىن ديله، آغىزدان - آغىزا كئچەرك نهايت دۇققوز يۆزدن چۇخ ايل بوندىن قاباق كاشغارلى محمودون كتابىنا آلىنمىشىدىر.

بوردا اۇرنك اۇچون بو ساغودان بىر آزىنى ايندىكى تۆركجه مىزلە وئيرىك.

آلپ ارتونقا اۇلدومى ياراماز دونيا قالدى مى

زامان اۇجون آلدى مى ايندى اۆرك يىرتىلىر.

بوردا کئچیرم هجا شاعرلری نین شعر نوع لرینه، هجا اؤلچوسویله ۲ هجالی: اسکی چاغلاردان اوشاق شعری: هاپیان، هوپیان - آرخدان آتدان - یتریل یتریل - سو ایچ قورتول. بیر اوشاق شعری نین ایلك بؤلومونده ۴ هجالی شعر: ایینه ایینه اوجو دویمه، امه یینله اوزون اویمه، شام آغاجی شاطیر کئچی، قوز آغاجی، قوتور کئچی. بو دا یئددی هجالی ۱۶ بندلیک شعردن بیر بند:

اؤکوز - اؤکوز خان اؤکوز بوینو قیزیل قان اؤکوز
چکسن چاییر چمندن سنه جان قربان اؤکوز

بوردا بیرمی بئش بندلیک ۷ هجالی بئش و التی مصراعلی سایاچی شعریندن ۳

بند

سالام علیک، سای گلدی، بیر - بیریندن یئی گلدی!
سایا گلدی گوردونوز، سالام وئردی آلدینیز،
آلنی تپل قوزونو، سایاچی یا وئردینیز،

۲

سیز سایادان قورخموسوز، صفا یوردا قونموسوز
صفا اولسون یوردونوز، اولاماسین قوردونوز.
اولاماسین قوردونوز آج گئدسین آوانینیز

۳

بو سایا یاخشی سایا، هامی یا یاخشی سایا.
هم بولاغا، هم چایا، هم یوخسولا، هم بایا.

بوردا اوشاقلارا اؤیردی، تاپشیریلیمیش بیر الهی، عرفانی، فلسفی موضوع داشییان صوفی یانه ساده شعری و اونون بیر آز آچیقلاماسینی وئریک: بو شعر ده هجا اؤلچولو و ۷ هجالی دیر:

اوشودوم ها اوشودوم داغدان آلم^۱ داشیدیم
آلماجیغیم آلدیلار منی ظولمه سالدیلار
من ظولومدن بئزارام درین قوپو قازارام

^۱ - ایکنجی مصراعدا (داغدان آلم= بیر اولوهیتدن آلینما، آیرما معنادادیر. نجه کی حافظ ده دئییب: من ملکدیم فردوس بریندهیدی یثیریم، آدم گتیریدی منی بو دئیر خراب آباءه، اوردانندی منه ظولوم اولدو.) (اؤچونجو مصراع)

هانى بونون ار كجى	درين قويو بئش كئچى
قنبر يانيندا اوينار	اركجى قازاندا قاينار
قارغى باتدى بودونا	قنبر گئتدى اودونا
بئش بارماغى گوموشدى	قارقى دئيبيل قميشدى
تات منە دارى وئردى	گوموشو وئردىم تاتا
قوش منە قاناد وئردى	دارينى سپدىم قوشا
حق قاپى سين آچماغا	قانادلاندىم اوچماغا
كيليدي دوه بونوندا	حق قاپيسى كيليدي
گيلان يولو دره در ^۱	دوه گيلان يولوندا
ميمونون بالالارى	ايچينده ميمون گزر
اورييمى داغلادى	منى گورجك آغلادى

بو شعر اۇ ايلك دۇرەلرە دۇنور كى تۆركلر آذربايجاندا يئرلشيب مال- حيوان بئجرمكلە عۇمور سۆرورلر. آما تاتلار دا اكينچى ليكلە عۇمور كئچيريرلر. بو شعرى عرفانى ييغينچاقلاردا اۇخورموشلار. شعرين بيرينجى مصراعسيندا ايش فعل، قوۋە و ارادە معناسيندادير. مادەنين، جيسمين قارشىليغيندادير. ۲- نجى مصراع:- داغدان آلما داشيدىم. اوچونجو مصراع تانرى مين ياخينندا منە هر ثواب و مثبت ليك لطف اولموشدو، مندن آلديلار. منە طولوم اولدو. اؤنو كى علوى عالمدين آلميشديم مندن آيندى و منى سفلى عالمينه سالديلار. ۴- نجو مصراع: من طولومدين اينجيكلىيم بو هيوط و الچاق (تزل)- ه دۇزنرم. بونو قبول ائتمه ييب سئوميرم. يئنى دن يوخارى يا دۇنمك ايستەيرم بو ايش اوچون اۇ قدر نفسيمده كى «علوى و بؤيوك عالم» اوچون دۇنە بيلم، نفسيمين درينليگينه گندرم. نفسيمى تزكيه اندرم، اۇ مقاما چاتارام كى، ايلكين مقاميمي تاپاييلم. بو رياضتده اۇ بئش الهى و شريعت شخصيتى و كيشى- لريندن آيرى دوشمهيم. ۵ و ۶- نجى مصراعدا اؤلان بئش كيشى پيغمبر رحمت (ص)، حضرت على عالى (ع)، حضرت امام حسن مجتبى (ع)، شهيدلر آقاسى حضرت امام حسين (ع) و حضرت فاطمه^۲ عليهاسلام. الهى، علوى و لاهوت عالمينين درينليگينده ديرلر.

۱ - بو مصراع بعضى يئردە (گيلان يولو سربەسر) گليب.

۲ - تۆركلر بعضاً نقره كيشى دنير، بعضاً ده باش دنيرلر. مثلاً نچه باش يعنى نچه نقر.

اسکی چاغلاردا صفوی لردن اؤنجه آذربایجاندا اهل سنت لردن ده چؤخ ایدی. چؤن عرفانی منظوم حکایه (اؤشودوم ها اؤشودوم) چؤخ اسکی چاغلاردان قالمادیر. او وقتلر ۶- نجی مصراع سیندا «خلفای راشدینی» گؤزه آلیرمیشلار.

البته صفوی لرین بابالاری دا تسنن اهلی ایدیلر. اؤنملی بودورکی، صوفی لرین خلفای راشدین آراسیندا حضرت امیر المؤمنینه مخصوص ارادت لری واریدی. او حضرتی اؤزلرینه مرشد بیلریدیلر. اؤنو کامل صوفی، پهلوان، ایگید قهرمان آیری سؤزله کامل کیشی سایاردیلار.

۹- نجی مصراعدا: ارکک قازاندا قاینار. ارکک بوردا کیشی، نر، پهلوان آنلامیندادیر. «ارکک قازاندا قاینار- قنبر یانیندا اؤینار» قاینار بوردا «لازم فعل» دئییل بلکه «متعدی فعل» دیر بو گؤن بو اشاره دیر بیر صوفیانه اسطوره یه. صوفی لردن دئییلن وارکی، حضرت امیرالمومنین آقا، عالی لری^۱ (مفرط شیعه لر و علی اللهی لری)، او آدمالار کی او حضرته الوهیت قائل ایدیلر، یانديراردی^۲. علی (ع) نین عاشیقلری معشوقین طرفیندن یانماغی^۳ جان- باشلا آقیشلاردیلار. بو اسطوره یه مربوط بیر عربی شعر وارکی، حضرت امیرالمؤمنینه منسوب ائتمیشلر: «آنی اذا رایت امرأ منکرا او قَدت ناری و دعوت قنبرا» من اگر بیر منکر ایش گورسم اؤدومو یانديریب قنبری چاغیرارام.

شعرین معناسی بو اولور: پهلوان، عاشیق لرینی یانديرار^۴ و یا قازاندا قاینادار. قنبر پهلوانین غلامی دیر. قازانین یانیندا صوفی یانه رقصه مشغول اولار. «قنبر گئتدی اؤدونا- قارغی باتدی بودونا» ۱۱ و ۱۲- نجی مصراع.

«اؤدون» بوردا مفرد کلمه (فارسجادا هیزم) معناسینا دئییل، بلکه ضمیر اشاره- سی دیر. «او = O» و «دؤن = don» (پالتار و خرقة) دن مرکب دیر. شعرین معناسی بو

۱ - غلو الله ینلری.

۲ - یانديراردی دان قصد بودور: آقا علی (ع) طرفدار و عاشیقلری نین بو سهویندن حدیندن چؤخ عصبلی اینجیدردی. ایچدن گؤنیه ییب یاناردی.

۳ - عشق حق عاشیقلرینه بلله دیر. اولار معبودون نه بهشتینده طماهلاری (طمع لری) وار و نه ده جهنم اؤدوندان قورخورلار، اولار ذات باری تعالی نین (بالتیز و یالنیز تانری نین تاسیس و پاک ذاتینا عاشیق دیر). عشق اؤدونا یانانلارین کؤل وجودی نور اولور.

۴ - بؤیوک تۆرک عارفی یونس امره دئیر:

عشق اؤدونا یانانلارین کؤل وجودی نور اولور. اول اؤد بو اؤدا بنزمنز هئج بلیرمز زبانه سی «یونس امره»

اۋلور قنبر حضرت علي (ع) نين غلامي تصوف پالتارى گئيدى و يا تصوف خرقيه سينه گئتى. اۋخ يا قارقى بودونا باتدى. بيليريك كى، قنبر حجاج بن يوسف طرفيندن شهيد اولوب. ممكن دير دئمك كى قنبر منصور بن حلاج كيمي تصوفين عالي معنالارينا ظرفيتى يوخوموش، اۋنا گۆره شهيد اولوب.

«قارغى دئييل قميشدى- بئش بارماغى گؤموشدو» شعرين معناسى ائله كى گرگ آيدين دئييل، ممكندى «يد بيضا»^۱ يه اشاره اولاكى قنبر تصوف پالتارى و خرقيه سينه گيردى «يد بيضا» صاحيبى اولدو.

«گؤموشو وئرديم تاتا- تات منه دارى وئردى».

قباقدان دئيدى كى، آذرى توركلر هله اكينچى ليه باشلاماميشديلار. دارينى و بوغدانى تاتلاردان آليرديلار. «دارينى سپديم قوشا- قوش منه قاناد وئردى».

«قانادلانديم اوچماغا- حق قاپيسين اچماغا»

حق قاپيسينى اچماق، حياتين سيرين اچماق وجودين علتين كشف ائتمك، قرنلر بو بو بشرين بؤيوك آرزوسو اولوب بو سئرى گرگ ك گؤي لرده كشف ائده، تاپاگوره گويا آجا. «حق قاپيسى كيليدى»- كيليدى دوه بؤينوندا» دوه گيلان يولوندا.

أما حق قاپيسى آچيق دئييل، بلكه باغلى دير، كيليدى دوه نين بؤينوندا دير، دوه ده گيلاندا دير. او زامان او بوروخ- بوروخ يوللارى وسيله سيز گئتمك چتتين ايدى. آذربايجان توركلرى اوچون «مهد تصوف» (تصوف بئشيبى) ساييلان خراسان و ماوراء النهر اوزاق ايدى. حق قاپيسين اچماق اوچون تصوف اويرنمك اوچون، گيلانا سفر ائتمك لازيم ايدى. او جوركى، قرن لر سؤنرا شيخ صفى الدين اردبيلى او ولايته سفر ائلهدى، گيلانلى شيخ زاهدان تصووقون اسرارينى اويرندى.^۲

«گيلان يولو سر به سر- ايچينده ميمون گزر»

أما گيلانين يولو خطرلى دير. ميموندان منظور شيطان دير، صوفى نين دشمنى-

دير. و هر لحظه ممكن دير صوفى نى يولوندان يانيلتسين، منحرف ائله سين.

«ميمونون بالالارى- منى گوردو آغلادى»

^۱ - يدبيضا حضرت موسى نين معجزه سى دير- حافظ ده دئييب «ديگران هم بكنند آنچه مسيحا مى كرد» تور كچه سى:

أرى لار ائله ييبيلر اۋنو كى مسيحا حضرت مسيح) ائله دى. نئجه؟ - نفس تزكيه سى ايله باك خلوص ايله.

^۲ - بوردا گيلانلى شيخ عبدالقادر دن ده كى، قبرى بغداددا زيارتگاه دير غافل اولمامالى ييق.

من کی نفسیمی ریاضتله اۆلدورموشم، عرفان دالینجا گندیرم، شیطان بالالاری منه خطرلی سایلماز. خطر محسوب دئییلر؛ بلکه اؤنلار مندن قورخورلار منی گۆرچک آغلادیلار. بیلدیلرکی، من اؤنلاری اۆلدورموشم و اۆلدوره جهیم.

بو عرفانی شعرین بیر آز ایچینده داشیدیغی معنی بللندی. بونو من تبریزی عالم دکتر مهدی مجتهدی دن کی «وارلیق» درگی سینه وئرمیشدی، او دا بؤیوک عالم مرحوم آتاسیندان اؤیرنمیشدی و تبریزده «نشریه کتابخانه ملی تبریز» (تبریز ملی کتابخانه نشریه سی) نده یازمیش ایمیش، اؤردان گۆتورموشدو. اؤنملی بودور کی آقای دکتر مهدی مجتهدی بیر سؤزو ده قیده آلمیشدی - او دا بو ایدی کی، اؤنون رحمتلیک آتاسی دئمیشدیر: بو تحقیقاتدا خلایق وار. تکمیل اولماغا احتیاجی واردیر. ممکندیر، ارادا قطعهلر اؤندان دؤشوب و یادلاردان چیخیب دیر.

البته منیم ده ذهنیمه بو گلیر چۆنکو بوردا یازیلیمیش ۲۷ مصرع دیر. منیم اؤزومده ۱۹۶۸ ده علملر آکادئمیاسی نین چاپ ائله دییی کتابدا ۳۹ مصرع دن عبارت دیر. بو نشان وئیرکی، گۆن، آی، ایللری الدن وئرمه دن هر کیم بو ثواب ایشه ال آتا فۆلکلوروموزدان داشینان، معنالاری چیخاریب دؤغما ائلمیزین اختیارینا قویاق.

«قالانی گلن ساییمیزدا وئریله جکدیر»

منابع:

سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی - یازانی: دکتر جواد هیئت - تهران - نشر نو - ۱۳۶۵
آذربایجان تۆرکجه سی سۆزلویو (ارک سۆزلویو) ایکی جلدده تألیف اسماعیل جعفرزاده - تبریز

۱۳۸۹

آذربایجان فۆلکلور و آنتولوژیسی ۲ جلد ده باکی ۱۹۶۸

ادبیات شناسلیق تألیف دکتر جواد هیئت تهران - ۱۳۷۴

تهراندا چیخان وارلیق مجله لری نین بیر چؤخوندان استفاده اولوب.

کتاب تانیتمی:

○ دکتر عزیز محسنی

۱- کتابین آدی: عروض در اشعار ترکی

۲- مؤلف: روزبه صمدی (نیر اوغلو)

۳- زبان کتاب: فارسی و ترکی

۴- قطع کتاب: رقعی

۵- سایی: ۲۰۰۰ جلد

۶- دیر: ۲۰۰۰۰ ریال

کتاب فوق در این زمینه به زبان ترکی و فارسی نوشته شده است. نویسنده این کتاب در مقدمه کتاب نوشته‌اند که: علمای ترک زبان چندین قرن قبل از اینکه به زبان مادری خود به خلق آثار منظوم و منثور مکتوب بپردازند، به زبانهای فارسی و عربی می‌نوشتند، اما لازم به ذکر است که گنجینه شفاهی و فولکلور کم نظیر ترکی از بدو پیدایش این زبان در حال ترویج و تکوین بوده است و شاید وجود هزاران هزار اشعار هجایی چون بایاتیها، گرایلی‌ها و قوشماها مبین این واقعیت باشد.

نویسنده کتاب «نام بلند ابوعلی‌سینا، حکیم فارابی و شاعران بزرگی چون مولوی، بلخی، نظامی گنجوی، خاقانی شیروانی، صائب تبریزی و حکیم فضولی و ... که این ادبا و شعرای ترکی سرا پیش از عروض دانان فارسی زبان آموخته‌اند.»

مؤلف بیر نتیجه مدت درین مطالعه‌لردن سوئرا بو نتیجه‌یه گلیر چاتیر کی: عروض جدید ترکی در اثر تغییر الفبا تغییر نمی‌یابد و تمام اشعار عروض ترکی (کلاسیک را شامل می‌شود و این عروض بر مبنای خصوصیات و ویژگیهای زبان ترکی تدوین شده است و می‌تواند بر مبنای عروض مستقل ترکی تلقی شود.» زحمات مؤلف قابل قدردانی است و برای ایشان موفقیت‌های بزرگ آرزو مندیم.

قاضی برهان الدین

○ دکتور عزیز محسنی

قاضی برهان الدین اصل آدی احمد دیر. او ۱۳۴۴ میلادی ده تۆرکیه قیصریه شهرینده آنادان دوعولموش، ۱۹۳۸ - جی ایلده، اؤ، آذربایجان شاعری، عالمی و دولت خادمی کیمی تانیلمیشدیر.

اؤ، اؤغوزلارین، سالور طایفاسینا منسوب اولان قیصریه قاضی سی شمس الدین محمّدین اؤغلودور.

قاضی برهان الدین، مصیر و شامدا تحصیل ائتمیش، منطق، فقه، ستاره شناسی (نجوم)، ریاضیات و طبابت علم لرینی اؤخوموش و اؤیرنمیشدیر. اؤ، اؤن دوققوز یاشیندا مکه ده یاشامیش آتاسی نین اؤلوموندن سوئرا ایسه حلب شهرینه گئتمیشدیر. ۱۳۶۵ - جی ایلده قیصریه یه قایتمیش، ائولنمیش و چؤخ چکمه دن قاضی لیق منصبینه یؤکسلمیشدیر.

اؤن ایلدن آرتیق بو وظیفه ده چالیشاراق بیر سیرا - لر حیاته کئچیرتمیشدیر. سیواس و ارزنجانی توتوموشدور. ۱۹۳۴ - جی ایلده سیواس دا اؤزونو سلطان اعلان ائتمیشدیر.

اؤ، اؤن آسیانین سیاسی حیاتیندا اهمیتلی رؤل اؤینامیشدیر. کؤرکن امیر تیمورون شرقده استیلاچی لیق سیاستی نین علیهنه چئخمیش، اؤنا قارشى مصر سلطانى ایله حربى اتفاق باغلاماغا تشبث گؤستمیشدیر.

قاضی برهان الدین بدیعى اثرلرینی آذربایجان تۆرکجه سی، عرب و فارس دیل - لرینده یازمیشدیر، ۱۵۰۰ غزل ۲۰ رباعی و ۱۱۹ تۆیوقدان عبارت اولان دیوانی ۱۳۹۳ ایلده کؤچورولموش یگانه آل یازماسی بریتانیانین موزه سینده ساخلانلمیشدیر. آذربایجان شعرى نین ایلك نماینده لریندن اولان قاضی برهان الدین شعرلری دیل و اسلوب باخیمیندان مهم ادبی، تاریخی اهمیته مالک دیر. اؤنون یارادیجیلیغیندا، محبت و قهرمانلیق موضوعلاری اساس یئر توتور، شعرلرینده دنیوی عشقی، انسانین سئوینچ آرزو و هیجانلارینی ترمم ائتمیش، ائل یؤلوندا ایگیتلیک گؤسترمه یه چاغیرمیشدیر.

اثرلرینی عروض وزینده ساده دیلده یازمیش، آتالار سۆزو، مثل لریندن مهارتله استفاده ائتمیشدیر. شعرلرینده عرب و فارس سۆز ترکیبی و ایفادهلری چۆخ آزدیر.

قاضی برهان الدینین یارادیجیلیغی آذربایجان، هابئله دیگر تۆرک دیللی خلق- لرین شعرلرینه تأثیر گؤستمیشدیر. عربجه علمی اثرلری ده وار، اؤنون بیر نئچه رباعی و تۆیوغو روس دیلینه ترجمه ائدیلمیشدیر، آروپادا ایلك دفعه اولاراق بیر سیئرا شعرینین انگلیس دیلینده ترجمه سی ۱۸۹۵ - جی ایلده نشر اولموشدور.

قاضی برهان الدین صنعتی نین مایه سینی گؤزللیکده آختاریر، شاعره گؤره سئوگیلینی وصف ائتمه یین شعره- سۆزه شعر دئمک اولماز:

«اول سوز کی اوزون گورمه یه سۆز دئمه اونا

اول اوز کی، اوزون سیلمه یه اوز دئمه اونا

شول(اول) سۆز کی ایچینده صنمه وصفون یوخ،

سن باد- هوا توت اونو، سۆز دئمه اونا.»

شاعر عشق فلسفه سینی گئرچک مقاملاردا اوزه چیخاریر، انسانی محبتی تبلیغ ائدیر. سئوگیلی سیندن اعتبار، صداقت اومان عاشق سئودگی گؤزلی وفاسیز دنیا،د، وفالی اولماغا، آز عمرودن معنالی استفاده ائتمه یه چاغیریر.

گل- گل کی سندن اوزگه بو دردین شفاسی یوخ

دردین داخی یوخ ایسه، بو عیشین شفاسی یوخ

بو آز عؤمورده قیلما بیزه هجر یل—ه جفا

قیلغیل وفا کی، ایشبو جهانین وفاسی یوخ

ایگیدلیک، پهلوانلیق موضوعلاری قاضی برهان الدینین شعرلرینده چۆخ

قاباریق دیر.

حیاتی دؤیوش و قهرمانلیقدا کئچیب- گئدن شاعر، ایگیتلری، قهرمانلاری دؤیوش میدانلارینا چاغیریر، حق، عدالت اوغروندا ووروشانلاری قیمتلندیریر، دؤشگینده اولن ایگیتلری مردار ساییر.

اوزونو آشاخ (آلچاق) گورن سردار بول دور.

انالحق دعوتی قیلان بر دار بول دور

ار اودور حق یولونا باش اوینادا

دؤشگینده اولن ایگیت بول دور

قاضی برهان الدین یاراتدیغی اثرلرینده، میدانا آتیلان یاغی ایله چارپیشان، دشمن لر ایله آسلان و قاپلان کیمی ووروشان، ار ایگدلیری اؤرکدن سنویر. اؤ، مردلیگی، یئنیلمزلیگی، شیرانه طبیعتی سنویر و بیه نیر.

اونلارین هر ایشی ارانه دیر

قاپلاتلار توتدیغو ایش شیرانه دیر

بو کیچیک مقاله میزین سنونودا، قاضی برهان الدینین یازیب- یاراتدیغی رباعی و تۆپوقلاریندان نمونه لر ذکر ائدیریک.

رباعی لر:

مستانه گـؤـزـون دانه بـاـدام اولامی

خال ایله ساچین دانه با- دام اولامی

شیرین دوداغین بختیم ایدی، بختیم دیر

ایندی آز آجیق دنیا دا بیر کام اولامی؟

شول گؤز کی، یوزون گؤرمه یه گؤز دنمه اوننا

اول یوز کی توزون سیلمه یه

شول سؤز کی ایچینده صنما وصفون یوخ

سن باد- هوا توت اونو، سـؤـز دنمه اوننا

تویغولار:

نازیک اولور خوبلارین بیر نجه سی

آغزی پسته، بویو اوزون- بئلی اینجه سی

انالحق دعوی قیلان بردار چو خودور

دؤشکده اولن ایگیت مردار چو خودور

اؤزونو ایشخ گؤرن سردار بول دور

ار اودور حق یولوندا باش اوینادا

قایناقلار:

۱- آذربایجان سوؤت انسیکلؤپئدیاسی

۲- دیوان قاضی برهان الدین چاپ باکو.

حيات نه دئمكدير؟

○ دكتور عزيز محسى



حياتين معناسى بودور بو
دالغاسيز، هنرسيز حيات لؤودور - لؤو
ابدى حياتا چاتار او انسان
انسانلىق يولوندا فدا انده جان

حيات منجه ياراتماقدير، يورولمادان، سارسيلمادان
حيات صنعت قوللاريسى قالديرماقدير بو دنيادا
حيات يالنيز صنعتينله، هنرينله گؤنش كيمي كائاناتا نور ساچماقدير
عصرلره ايشيق ساليب، انسانليغا يول اچماقدير.

نظامی گنجویدن نئچه غزل

○چئویرن: مروارید دلپازی

سن هله، چوخ نوجوانسان، من دیشیدیم چوخ یامان
 سن گوزلشدین، منیمسه گنجلیکیدن یوخ نشان
 سن بیزی فرمانلا یوخ، انصافلا دیندیر سئوگیلیم
 من دئمم هانسی دیل ایله، سن اوزون سن حکمران
 سن شکست ساندین منی، دوزدور، شکستم، بندهیم
 سن بیلن قلبدیر بو قلب، سن گوردیون جان دیر بو جان
 سن خلیلسن، من اودام قارشیندا نچون سؤنمه ییم؟
 من اولوم، سن آرزو تک، عمر ائله هر بیر زمان
 گؤل جمالین گۆرمه یه هر گۆن سحردهن آخشاما
 موسی-ی عمران کیمی اوللام حضوروندا چؤبان
 سن کیمی بیر نوبهارلا سانما تغییر ائیلهمز
 باغ و باغچام هر نه وار، سؤلدوردو بیر باد- خزان
 قوئلوغوندا قول کیمی دورموش نظامی، رحم ائله
 هر ایکی دنیادا کۆنلوم سندن اولسون کامران

○چئویرن: سلیمان رستم

ای نگاریم کۆنلومو چالدین فسونکار اولما گل!
 سن منی لال ائیلهدین، بسدیر، زباندان اولما گل!
 سن کۆنول آماقلا ائتدین، قیتل نظر، هر قلبی شاد
 قۇرخ اوغورسوزلار جانیندان، قاتل - جان اولما گل!
 اذن وئر تا بیر زمان سیر ائیله ییم گؤل حسنونو،
 سانماکی، من اوغرويام، آرتیق نگهبان اولما، گل!
 باغلا دیم بیر مور تک گیسولرین اوغروندا بئل
 موری غارت ائیلهمکده بیر سلیمان اولما گل!
 اؤیله کی، سرعتله اول سرخوش قاییتدی مجلسه،
 باده قالدیر سن نظامی چوخ گرانجان اولما گل

○چئوپرن: علی آقا واحد

وصلین هوسی عمرومو سۇن آنه يئتيردى
 هجران غمی نین خنجرینى قانه يئتيردى
 کروانسرادیر غملى كۆنول عشق يۇلسوندا
 بو غم ياتاغى، کروانى کروانه يئتيردى
 عمرون گمىسى روزگارین دالغالاریندا
 بۇش - بۇش اۆزوبن ساحل - عمانه يئتيردى
 توردان قوتاران قوش كى قايىتماز تۇرا بير ده
 كئچمىش عۇمورو كىم يىنى دن جانه يئتيردى
 بىلسن نيهه بيز بيلمه ميشىك قدرىنى وصلین
 چۆنكى بيزى بخت بير باشا احسانه يئتيردى

○چئوپرن: محمد راحيم

سۇرۇشدون حالیمی، ممنونم ای دوست
 جگر دردلی اۆرگ پر خونم ای دوست
 گل عاشقلىك سۇزون تاپشیر منه سن
 سن اؤل لیلی، كى من مجنونم ای دوست
 اینىدن ائیلرم فریاد - فریاد
 بو فریاددان كۆنول محزونم، ای دوست
 سئون لرله، انشىتىدیم مهربانشان
 من اۇنلاردان مگر بیرونم، ای دوست!
 يئخیلسان، سۇیله دین امدادا گللم
 يئتیش كى، ایندی من دلخونم ای دوست!
 نظامی شعرینی اؤخودوم سنه
 سنى هئچ توتمايیر افسونم، ای دوست!

جاناوار باخير آيا

○. ص. نير اوغلو - ۱۳۸۷/۹/۱۴

گئجه يامان قار ياغيب،
 نوچالارين بورنوندا -
 سالخيم سوۋيودلر كيمي -
 بوز قنديل لر
 آسلاييب.
 سيم لر شاختادان سيخ - سيخ -
 چكيليبلر داراما.
 كۆلك هۆرور، ايت هۆرمور
 ايتين باشى قارنيدا -
 قالب قارين آلتيند.
 چاتلاق -
 دليك -
 دام - دئشيك
 سئرحه لرى اۋزله ميش
 شهر قارين التيندا.
 كتده (كندده) آز - ماز تۆستو وار
 قيللى پاپاق باشيندا
 كۆرسو آلتدا
 قير آت
 پئتاوا
 جاناوار باخير آيا.

وارلیق

فصلنامه فرهنگی، ادبی، هنری به زبانهای ترکی و فارسی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر جواد هیئت

شماره امتیاز: ۸۵۳۸

آدرس:

تهران، شهرک قدس، فاز ۲، خیابان هرمزان، برج ۹، طبقه ۳، شماره ۲

VARLIQ 166

Quarterly Journal in Turkish and Persian

Chief Editor: Prof. Dr. Javad Heyat

Address: No. 2, 3rd fl., Tower 9, Hormozan Ave., phase 2,
Shahrake Ghods, Tehran, I.R.IRAN

ISSN:1023-7186

Wwb:

www.varliq.com

E-mail:

mrheyet@yahoo.com

قیمت ۲۵۰۰ تومان